یا لثارات الحسین

سه‌شنبه
۳ آذر ۱۴۰۵
۱۴ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۲۴ نوامبر ۲۰۲۶

سال سوم
قیمت: ۱۰هزارتومان

شماره
۶۹۸
www.Agaah.ir

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر

آگاه

آگاه باشید؛ تا قله راهی نیست!

از جای خالی مشاوران مدارس تا قانون سرگردان در راهروهای مجلس

پرونده سوگند صیادی پرسش‌هایی فراتر از یک حادثه

۷



ترامپ با زبان تفاهم بیگانه است

سراب مذاکره

۳

اسماعیل بقایی
سخنگوی وزارت امور خارجه:

سیدمجید موسوی پاسخ آمریکایی‌ها را خواهد داد

۳

لایه‌های پنهان زیست‌بوم فرهنگی و اجتماعی مقاومت لبنان

معماری صخره و معنا

۴



وداع با رضا امیرخانی؛ نویسنده‌ای که برای رمان معاصر فارسی مخاطب ساخت

مومن در هیچ چارچوبی نمی‌گنجد

۵

تیتر برگرفته از جمله محوری نویسنده در کتاب «داستان سیستان» است

اقتصاد و معیشت؛ حلقه‌ای که نباید در محاسبات امنیتی فراموش شود



هادی رضائی
دبیر گروه سیاسی

قدرت ملی تنها در توان نظامی و ظرفیت بازدارندگی خلاصه نمی‌شود؛ اقتصاد مقاوم، تولید پایدار و رضایت عمومی نیاز مؤلفه‌های تعیین‌کننده امنیت و اقتدار کشورهاست. در معادلات پیچیده امروز جهان، جنگ‌ها دیگر صرفا در میدان‌های نظامی تعیین تکلیف نمی‌شوند. تحریم، محاصره اقتصادی، محدودیت‌های تجاری، فشار بر منابع انرژی و ایجاد اختلال در زنجیره تامین کالا، به ابزارهایی تبدیل شده‌اند که قدرت‌های بزرگ برای پیشبرد اهداف سیاسی و امنیتی خود به کار می‌گیرند. در چنین شرایطی، یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تقابل، اقتصاد و به‌ویژه معیشت مردم است؛ عرصه‌ای که گاهی اهمیت آن کمتر از میدان نظامی نیست.

تحولات اخیر منطقه و افزایش فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های تجاری علیه کشورمان ایران، بار دیگر نشان داده است که دشمنان برای اثرگذاری بر محاسبات راهبردی جمهوری اسلامی، تنها به ابزارهای نظامی و تهدیدهای مستقیم اتکا نمی‌کنند. فشار بر صادرات نفت، محدودسازی مبادلات مالی و تجاری و ایجاد نااطمینانی در بازارها، بخشی از سازوکارهایی است که می‌تواند هزینه‌های اقتصادی تقابل را به زندگی روزمره مردم منتقل کند. در این میان، نباید از یک واقعیت مهم غافل شد؛ امنیت ملی مفهومی چندبعدی است و نمی‌توان آن را صرفا با تعداد تجهیزات نظامی، توان موشکی یا ظرفیت‌های دفاعی سنجید. کشوری که از توان دفاعی قابل توجه برخوردار است، اما در تامین نیازهای اساسی، کنترل تورم، حفظ قدرت خرید خانوارها و ایجاد ثبات اقتصادی با دشواری مواجه باشد، بخشی از ظرفیت قدرت ملی خود را در عرصه‌ای دیگر از دست می‌دهد.

آمارهای اقتصادی نیز ضرورت توجه به این مسئله را آشکار می‌کند. این ارقام صرفا شاخص‌هایی در جداول اقتصادی نیستند؛ بلکه بازتاب فشارهایی هستند که مستقیما بر سفره خانوارها، قدرت خرید و امنیت روانی جامعه اثر می‌گذارند.

از همین منظر، یکی از اهداف مهم در مواجهه با جنگ اقتصادی، جلوگیری از تبدیل فشار خارجی به نارضایتی و فرسایش سرمایه اجتماعی است. البته تحقق این هدف صرفا با تاکید بر مقاومت اقتصادی امکان‌پذیر نیست؛ بلکه نیازمند تصمیم‌های دقیق، مدیریت کارآمد منابع، مقابله جدی با فساد، حمایت هدفمند از تولید و اصلاح سازوکارهای توزیع کالاهای اساسی است. جمهوری اسلامی ایران در طول دهه‌های گذشته نشان داده است که ظرفیت‌های قابل توجهی برای عبور از محدودیت‌ها دارد؛ از توسعه زیرساخت‌های صنعتی و انرژی گرفته تا توانمندی‌های علمی، کشاورزی و نیروی انسانی متخصص. با این حال، تبدیل این ظرفیت‌ها به دستاورد ملموس اقتصادی، مستلزم آن است که سیاست‌گذاری اقتصادی با همان نگاه راهبردی دنبال شود که در حوزه دفاعی و امنیتی مورد توجه قرار می‌گیرد. امروز تقویت تولید داخلی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، توسعه تجارت منطقه‌ای و حمایت از معیشت اقشار آسیب‌پذیر، صرفا اولویت‌های اقتصادی نیستند؛ بلکه بخشی از الزامات امنیت ملی به شمار می‌روند. در واقع، هر میزان که اقتصاد کشور در برابر تکانه‌های خارجی مقاوم‌تر شود، امکان اثرگذاری ابزارهای فشار بر محاسبات ملی نیز کاهش می‌یابد. واقعیت آن است که قدرت بازدارندگی تنها زمانی به پشتوانه‌ای پایدار برای کشور تبدیل می‌شود که در کنار اقتدار دفاعی، از پشتوانه اقتصادی و اجتماعی مستحکمی برخوردار باشد. میدان اصلی مقاومت اقتصادی نیز جایی است که مردم آثار آن را در زندگی خود احساس کنند. امروز دفاع از امنیت و استقلال کشور، علاوه بر آمادگی نیروهای مسلح و هوشیاری در برابر تهدیدهای خارجی، به تصمیم‌های اقتصادی موثر و بهبود ملموس معیشت مردم گره خورده است. قدرت ملی زمانی کامل می‌شود که اقتدار در میدان، با ثبات در اقتصاد و آرامش در سفره مردم همراه باشد.

«آگاه» ضرورت‌های مغفول مانده تقویت مشارکت مردمی در اقتصاد را بررسی کرد

تعاونی‌ها؛ ستون‌های اقتصاد مردمی

با وجود ثبت ۲۳۵ هزار تعاونی در کشور و پیش بینی سهم ۲۵ درصدی این بخش در اقتصاد ملی، سهم واقعی تعاون هنوز به هشت درصد هم نرسیده است؛ فاصله‌ای معنادار میان ظرفیت‌های قانونی و عملکرد اقتصادی که بار دیگر ضرورت بازنگری در سیاست‌های حمایتی، احیای تشکل‌های مردمی و تقویت نقش تعاونی‌ها در اقتصاد کشور را به صدر توجهات آورده است.

تعاون؛ ساختاری برای پیوند اقتصاد و مشارکت مردمی

در دنیای امروز، دستیابی به پیشرفت و موفقیت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مستلزم مشارکت، همفکری و همکاری افراد جامعه است. تحقق اهداف کلان و دستیابی به توسعه پایدار، زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که ظرفیت‌ها و توانمندی‌های افراد در کنار یکدیگر قرار گیرند. در همین راستا، در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخش تعاون به عنوان یکی از ارکان اصلی نظام اقتصادی کشور مورد توجه قرار گرفته و قوانین مرتبط با آن در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۷۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. همچنین، به‌منظور ساماندهی، حمایت، هدایت و نظارت بر فعالیت تعاونی‌ها، وزارت تعاون در تاریخ ۱۰ دی ۱۳۷۰ تاسیس شد. تعاونی نوعی تشکل اقتصادی و اجتماعی است که با مشارکت داوطلبانه گروهی از افراد و با هدف تامین نیازهای مشترک اعضا و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی آنها شکل می‌گیرد. این مجموعه‌ها با اتکا به سرمایه، توانایی و همکاری اعضای خود فعالیت می‌کنند و می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در زمینه‌هایی همچون تولید، توزیع، اشتغال‌زایی، کارآفرینی و افزایش ظرفیت‌های اقتصادی کشور نقش‌آفرینی کنند. تعاونی‌ها در حقیقت نهادهایی مبتنی بر مشارکت مردمی هستند که تشکیل و اداره آنها با اراده و تصمیم اعضا صورت می‌گیرد. در این ساختار، اعضا ضمن برخورداری از حقوق و مسئولیت‌های مشترک، در مدیریت و پیشبرد اهداف مجموعه مشارکت داشته و فعالیت‌های آن بر اساس اصول و ارزش‌های پذیرفته شده در جنبش بین‌المللی تعاون انجام می‌شود.

با توجه به تاثیر قابل توجه تعاونی‌ها در توسعه اقتصادی، ارتقای سطح رفاه اجتماعی، گسترش فرهنگ مشارکت و تقویت همبستگی میان افراد جامعه، جایگاه ویژه‌ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای این بخش در نظر گرفته شده است. در این میان، اصل ۴۴ قانون اساسی از مهم‌ترین مبانی قانونی بخش تعاون به شمار می‌رود که این بخش را در کنار دو بخش دولتی و خصوصی، یکی از ارکان اصلی نظام اقتصادی کشور معرفی می‌کند. بر اساس مفاد اصل مذکور، ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است که هریک در چارچوب قوانین و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی کشور وظایف و نقش‌های مشخصی بر عهده دارند. به‌طور کلی، اهمیت تعاونی‌ها تنها به فعالیت‌های اقتصادی محدود نمی‌شود؛ بلکه این نهادها از طریق ترویج عدالت و توزیع عادلانه فرصت‌های اقتصادی، تقویت مشارکت و آزادی عمل اعضا و همچنین گسترش ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و دینی، در ابعاد مختلف جامعه تاثیرگذار هستند. از این منظر، بخش تعاون را می‌توان بستری مناسب برای ایجاد ارتباط و تعامل سازنده میان اقتصاد، فرهنگ و سیاست و زمینه‌ساز تحقق توسعه متوازن و مشارکت‌محور در جامعه دانست.

۲۳۵ هزار تعاونی در کشور ثبت شده است

بر اساس آمارهای موجود، تاکنون حدود ۲۳۵ هزار تعاونی در کشور به ثبت رسیده که از این میان، نزدیک به ۱۰۵ هزار تعاونی در حال فعالیت هستند و در مجموع سه میلیون عضو اصلی را دربر می‌گیرند. این آمار نشان دهنده گستردگی ظرفیت بخش تعاون و میزان مشارکت افراد جامعه در این ساختار اقتصادی است؛ ظرفیتی که در صورت برنامه‌ریزی هدفمند، رفع موانع فعالیت و فراهم‌سازی حمایت‌های موثر می‌تواند نقش پررنگ‌تری در اقتصاد ملی ایفا کند. با این حال، فاصله میان تعداد تعاونی‌های ثبت‌شده و مجموعه‌های فعال، ضرورت بررسی دلایل غیرفعال شدن بخشی از این تشکل‌ها و اتخاذ تدابیر لازم برای احیای آنها را نیز آشکار می‌سازد. به بیان دیگر، مسئله اصلی تنها افزایش تعداد تعاونی‌ها نیست، بلکه باید زمینه‌ای فراهم شود تا تعاونی‌های موجود از توان اقتصادی، مدیریتی و ظرفیت اعضای خود به شکل موثرتری استفاده کنند و سهم بیشتری در تولید، اشتغال‌زایی و توسعه اقتصادی کشور داشته باشند.

سهم کمتر از هشت درصدی تعاون در اقتصاد کشور؛ هدفی که محقق نشد

با وجود جایگاه مهم و ظرفیت‌های گسترده بخش تعاون در ساختار اقتصادی کشور، طی سال‌های گذشته آن‌گونه که شایسته بوده به این حوزه توجه نشده و نقش تعاونی‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی تا حد زیادی کم‌رنگ باقی مانده است. به همین دلیل، تعاونی‌ها را می‌توان یکی از حلقه‌های کمتر مورد توجه قرارگرفته و در عین حال مغفول مانده اقتصاد کشور دانست؛ به گونه‌ای که فاصله قابل توجهی میان ظرفیت‌های بالقوه این بخش و میزان اثرگذاری واقعی آن در اقتصاد وجود دارد. با این حال، به اذعان بسیاری از مسئولان، با وجود آنکه در برنامه‌های توسعه کشور سهم ۲۵ درصدی برای بخش تعاون در اقتصاد ملی پیش‌بینی و هدف‌گذاری شده است، این بخش همچنان با فاصله قابل توجهی از اهداف تعیین‌شده مواجه بوده و سهم آن حتی به هشت درصد نیز نرسیده است. این شکاف میان اهداف قانونی و عملکرد واقعی تعاونی‌ها، بیانگر وجود موانع و چالش‌های ساختاری، مدیریتی و حمایتی در مسیر رشد و گسترش این بخش اقتصادی است. درواقع، تحقق نیافتن سهم پیش‌بینی‌شده تعاون در اقتصاد کشور را نمی‌توان صرفا به محدودیت‌های مالی یا ضعف عملکرد برخی تعاونی‌ها نسبت داد؛ بلکه عواملی همچون کمبود حمایت‌های موثر، دشواری دسترسی به منابع مالی، ضعف زیرساخت‌های اجرایی، نبود برنامه‌ریزی منسجم و کم‌رنگ بودن جایگاه تعاون در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی نیز در این وضعیت تاثیرگذار بوده‌اند.

خاندوزی: تعاونی‌ها برای نقش‌آفرینی در اقتصاد منتظر دولت نمانند

در شرایطی که بخش تعاون همچنان با فاصله قابل توجهی از اهداف پیش‌بینی‌شده روبه‌روست، توجه دوباره به جایگاه این بخش و ضرورت تقویت آن در اقتصاد کشور، اخیرا از سوی احسان خاندوزی، رئیس گروه اقتصادی دفتر رهبر انقلاب، نیز مورد تاکید قرار گرفته است. وی در نشست بررسی وضعیت بخش تعاون در مرکز پژوهش‌های مجلس، با اشاره به اینکه مشکلات این بخش صرفا به ضعف قوانین یا عملکرد دولت‌ها محدود نمی‌شود، یکی از چالش‌های اساسی را تضعیف نیروها و تشکل‌های اجتماعی و اقتصادی دانست که وظیفه سازمان‌دهی مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی را بر عهده دارند.

خاندوزی همچنین تاکید کرد که تعاونی‌ها نباید صرفا چشم انتظار حمایت دولت باشند، بلکه باید با ارائه برنامه‌های عملیاتی، در حوزه‌هایی مانند مسکن، زمین و کشاورزی نقش فعال‌تری ایفا کنند. این اظهارات نشان می‌دهد که عقب‌ماندگی بخش تعاون از اهداف پیش‌بینی‌شده، ریشه در مجموعه‌ای از کاستی‌های ساختاری، مدیریتی و مشارکتی دارد و صرفا با اصلاح قوانین یا افزایش حمایت‌های دولتی برطرف نخواهد شد. در واقع، تضعیف تشکل‌های مردمی، کاهش نقش‌آفرینی اعضا در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و فاصله گرفتن مدیریت تعاونی‌ها از ظرفیت‌های محلی، ضرورت بازنگری جدی در این بخش را دوچندان کرده است. از همین رو، احیای جایگاه تعاون در اقتصاد کشور، علاوه بر اصلاح سیاست‌های حمایتی، نیازمند بازگشت اعتماد و اختیار به مردم، تقویت تشکل‌های واقعی و افزایش مطالبه‌گری و ابتکار عمل فعالان این حوزه است؛ موضوعی که بار دیگر اهمیت و ضرورت توجه جدی به بخش تعاون را برجسته می‌کند.

سهام عدالت؛ ظرفیتی برای بازگشت مردم به متن اقتصاد

اما یکی از جلوه‌های مهم توجه به بخش تعاون و تقویت مشارکت عمومی در اقتصاد کشور، موضوع سهام عدالت است که می‌تواند به عنوان ابزاری موثر برای گسترش مالکیت مردمی و افزایش نقش شهروندان در فعالیت‌های اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. این طرح با هدف توزیع بخشی از دارایی‌ها و منافع اقتصادی میان اقشار مختلف جامعه، فرصتی فراهم کرده است تا مردم فراتر از جایگاه مصرف‌کننده، به عنوان سهامدار و مشارکت‌کننده در فرآیندهای اقتصادی حضور داشته باشند. در واقع، سهام عدالت در صورت اصلاح ساختار مدیریتی و تقویت نقش تشکل‌های تعاونی در اداره آن، می‌تواند زمینه تصمیم‌گیری مردم درباره سرمایه‌ها و منافع حاصل از آن را فراهم و با هدایت منابع به سمت پروژه‌های تولیدی و اقتصادی در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها، به رونق کسب‌وکارهای محلی، اشتغال‌زایی و توزیع متوازن‌تر فرصت‌های اقتصادی کمک کند.

در همین زمینه، خاندوزی درباره اصلاحات پیرامون سهام عدالت نیز گفت: «اختیار تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌ها و سود سهام عدالت باید به تشکل‌های واقعی شهرستانی و استانی بازگردد تا مردم هر منطقه بتوانند درباره سرمایه‌گذاری بخشی از سود سهام عدالت در پروژه‌های اقتصادی منطقه خود تصمیم بگیرند.» وی همچنین تاکید کرد که احیای اقتصاد مردمی صرفا با اصلاح قوانین و حمایت‌های دولتی محقق نمی‌شود و آغاز تحول باید از درون بخش تعاون و با سازمان‌دهی و مطالبه‌گری فعالان این حوزه باشد. بر این اساس، سهام عدالت می‌تواند یکی از ظرفیت‌های مهم برای پیوند دادن سرمایه‌های مردمی با فعالیت‌های تعاونی و تقویت حضور مردم در فرآیندهای اقتصادی باشد.

تعاونی‌ها؛ پیشران اشتغال، کارآفرینی و تولید

اما اهمیت تعاونی‌ها در اقتصاد کشور تنها به مشارکت مردمی و توزیع مالکیت محدود نمی‌شود؛ بلکه این مجموعه‌ها می‌توانند در حوزه‌های مختلف اقتصادی، نقش موثری در ایجاد اشتغال، توسعه کارآفرینی و افزایش تولید ایفا کنند. خروجی این نقش‌آفرینی نیز بهبود وضعیت اشتغال، رونق فعالیت‌های اقتصادی و رشد تولید ملی خواهد بود. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای در حال توسعه، بیکاری آشکار و پنهان و عدم تناسب میان ظرفیت‌های موجود و نیازهای بازار کار است. از مهم‌ترین دلایل این مسئله، رشد هندسی جمعیت و نبود هماهنگی میان بخش‌های مولد و اشتغال‌زا با نیازهای جامعه در زمینه پرورش نیروی کار ماهر است. در چنین شرایطی، انواع تعاونی‌ها، از مجموعه‌های تولیدی گرفته تا تعاونی‌های خدماتی، می‌توانند نقش مهمی در پاسخ‌گویی به نیازهای اقتصادی و اشتغال‌زایی در کشورهای در حال توسعه داشته باشند.

شرکت‌های تعاونی از نظر نوع فعالیت به دو گروه تولیدی و توزیعی تقسیم می‌شوند و از لحاظ نوع عضویت نیز در قالب تعاونی‌های عام و خاص فعالیت می‌کنند. این مجموعه‌ها با افزایش فرصت‌های اشتغال، تقویت تولید و رشد اقتصادی، از طریق جذب سرمایه‌های اعضا و استفاده از تسهیلات، زمینه توسعه فعالیت‌های اقتصادی را فراهم می‌کنند. برای تحقق این اهداف و تقویت روحیه تعاون در میان اقشار مختلف جامعه، راهکارهای متفاوتی وجود دارد. از جمله این راهکارها می‌توان به جذب سرمایه‌های راکد و سرگردان و هدایت آنها به سمت طرح‌های عمرانی و اقتصادی اشاره کرد. همچنین پرداخت وام و تسهیلات با شرایط آسان‌تر و امتیازات ویژه به صاحبان مشاغل تولیدی، توزیعی و خدماتی می‌تواند زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، افزایش سطح تولید داخلی و رشد درآمد ملی را فراهم کند.

در مجموع، آنچه امروز بخش تعاون را به یکی از موضوعات مهم در اقتصاد کشور تبدیل کرده، فاصله میان ظرفیت‌های گسترده این بخش و سهم محدود آن در فعالیت‌های اقتصادی است. از یک سو، تعداد قابل توجه تعاونی‌های ثبت‌شده و میلیون‌ها عضو آنها از وجود بستری مناسب برای مشارکت اقتصادی مردم حکایت دارد و از سوی دیگر، نرسیدن سهم تعاون به اهداف تعیین‌شده نشان می‌دهد که این ظرفیت هنوز به جایگاه واقعی خود دست نیافته است. به نظر می‌رسد عبور از این وضعیت، بیش از هر چیز به بازنگری در رویکردها، رفع موانع فعالیت، تقویت تشکل‌های مردمی و فراهم کردن زمینه حضور موثرتر مردم در اقتصاد نیاز دارد؛ مسیری که می‌تواند تعاون را از یک ظرفیت کمتر استفاده‌شده به یکی از پیشران‌های اصلی تولید، اشتغال و توسعه اقتصادی کشور تبدیل کند.



عارف، معاون اول رئیس‌جمهور:
سهم‌خواهان، برای دولت حاشیه می‌سازند

از فلسفه شکل‌گیری تا نقش‌آفرینی در جنگ‌های اخیر و صیانت از اقتدار ملی
بسیج؛ اندیشه‌ای که به قدرت ملی تبدیل شد

محمدجواد عسکری
آگاه مسائل سیاسی

پنجم آذر ۱۳۵۸، نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی و آغاز شکل‌گیری نهادی بود که فلسفه وجودی آن بر یک اصل اساسی استوار شد؛ دفاع از کشور و انقلاب، مسئولیتی همگانی است و قدرت واقعی یک ملت، در کنار توان نظامی و امکانات مادی، از ایمان، اراده و حضور آگاهانه مردم سرچشمه می‌گیرد. فرمان تاریخی امام خمینی (ره) برای تشکیل بسیج مستضعفین، صرفا تصمیمی برای ایجاد یک تشکیلات نظامی نبود؛ بلکه بیانگر یک راهبرد بنیادین برای سازمان‌دهی ظرفیت مردمی در برابر تهدیدهای پیش روی کشور بود. در آن مقطع، انقلاب نوپای اسلامی با تهدیدهای داخلی و خارجی متعددی مواجه بود و ضرورت ایجاد نیرویی مردمی، آماده و سازمان‌یافته برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور به‌روشنی احساس می‌شد.

از همین رو، بسیج از ابتدا با یک ماموریت روشن شکل گرفت: حضور در میدان‌هایی که امنیت، استقلال، پیشرفت و منافع ملی کشور به مشارکت و فداکاری مردم نیاز دارد. این فلسفه، هویت بسیج را فراتر از یک سازمان اداری یا نظامی تعریف کرد و آن را به الگویی از مشارکت سازمان‌یافته مردم در سرنوشت کشور تبدیل ساخت.

بسیج؛ تجلی سازمان‌یافته ایمان و مسئولیت ملی

ماهیت بسیج را باید در پیوند سه عنصر اساسی جست‌وجو کرد: اعتقاد، مسئولیت‌پذیری و آمادگی برای اقدام. تفکر بسیجی به این معناست که فرد در برابر سرنوشت جامعه و کشور خود احساس مسئولیت کند و در زمان نیاز، دانش، توان و امکاناتش را برای دفاع و خدمت به کار گیرد.

این نگاه در دوران دفاع مقدس به شکلی گسترده به ظهور رسید. حضور داوطلبانه نیروهای بسیجی در کنار ارتش و سپاه، اعزام نیرو به جبهه‌ها، پشتیبانی از رزمندگان و مشارکت خانواده‌ها و اقشار مختلف مردم در تامین نیازهای جبهه، نشان داد که بسیج چگونه می‌تواند اراده عمومی را به قدرت دفاعی تبدیل کند.

دفاع مقدس، نخستین تجربه بزرگ و تاریخی این ظرفیت بود؛ تجربه‌ای که نشان داد امنیت و استقلال کشور تنها با اتکا به تجهیزات و ساختارهای رسمی تامین نمی‌شود، بلکه مشارکت مردم نیز از ارکان اساسی قدرت ملی است.

تحولات نظامی سال‌های اخیر نشان داده است که ماهیت جنگ‌ها دگرگون شده است. جنگ معاصر تنها در میدان نبرد و با تجهیزات نظامی جریان ندارد؛ عملیات اطلاعاتی، نفوذ، خرابکاری، جنگ روانی، حملات سایبری و تلاش برای ایجاد ناامنی در داخل کشور، بخش مهمی از معادلات درگیری‌های جدید را تشکیل می‌دهند.

در چنین شرایطی، نقش نیروهای مردمی و ظرفیت سازمان‌یافته بسیج در پشتیبانی از امنیت ملی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی در خرداد ۱۴۰۴، نمونه روشنی از این واقعیت بود.

در جریان این جنگ، بسیج در کنار نیروهای مسلح و دستگاه‌های مسئول، در عرصه‌هایی همچون گشت‌های حفاظتی، مراقبت از محیط‌های شهری و مناطق حساس، پشتیبانی امنیتی، کمک به حفظ نظم عمومی و همکاری در انتقال گزارش‌های مردمی درباره تحرکات مشکوک نقش‌آفرینی کرد. گزارش‌های منتشرشده از سوی فرماندهان سپاه نیز به حضور گشت‌های بسیج و همکاری مردم و نیروهای انتظامی و اطلاعاتی در شناسایی و مقابله با عوامل مرتبط با اقدامات ضد امنیتی اشاره داشته است. در این میان، ظرفیت پایگاه‌های بسیج و شبکه گسترده ارتباط مردمی، امکان انتقال سریع اطلاعات و گزارش‌های محلی به دستگاه‌های مسئول را فراهم می‌کند. این ظرفیت، به‌ویژه در شرایط جنگی، می‌تواند در شناسایی تهدیدها، حفاظت از زیرساخت‌ها، پیشگیری از اقدامات خرابکارانه و افزایش آمادگی عمومی موثر باشد. بدیهی است اقدامات تخصصی اطلاعاتی و امنیتی در چارچوب ماموریت نهادهای مسئول انجام می‌شود و نقش بسیج در این عرصه، همکاری و پشتیبانی سازمان‌یافته از این ساختارهاست. در کنار این ماموریت‌ها، پشتیبانی از نیروهای دفاعی، کمک‌رسانی به خانواده‌های آسیب‌دیده، حضور گروه‌های جهادی در مناطق مورد اصابت، تامین نیازهای ضروری و کمک به حفظ آرامش اجتماعی نیز از جلوه‌های مشارکت بسیج و مردم در آن روزهای دشوار بود. این تجربه نشان داد که در جنگ‌های جدید، قدرت دفاعی کشور تنها به توان موشکی، تجهیزات نظامی و عملیات نیروهای مسلح محدود نیست؛ بلکه آمادگی اجتماعی، اشراف محیطی، انسجام مردمی و ظرفیت پشتیبانی داخلی نیز در تاب‌آوری و اقتدار ملی نقش تعیین‌کننده دارند.

از امنیت ملی تا خدمت اجتماعی؛ گستره نقش‌آفرینی بسیج

کارنامه بسیج در سال‌های اخیر به عرصه دفاع و امنیت محدود نمانده است. حضور در مدیریت بحران کرونا، امدادرسانی در سیل و زلزله، کمک به خانواده‌های آسیب‌پذیر، فعالیت گروه‌های جهادی، آبرسانی به مناطق محروم، ساخت و مرمت مسکن، ارائه خدمات درمانی و مشارکت در طرح‌های اشتغال‌زایی، بخشی از فعالیت‌هایی است که با مشارکت نیروهای بسیجی در نقاط مختلف کشور انجام شده است. در دوران همه‌گیری کرونا، نیروهای بسیجی در کنار مجموعه‌های درمانی و امدادی، در توزیع اقلام بهداشتی، کمک به خانواده‌های نیازمند و پشتیبانی از اقدامات مقابله با بحران مشارکت کردند. در حوادث طبیعی نیز حضور گروه‌های جهادی در امدادرسانی، بازسازی مناطق آسیب‌دیده و تامین نیازهای اولیه مردم، جلوه دیگری از کارکرد اجتماعی این نهاد بود. این اقدامات نشان می‌دهد که تفکر بسیجی، در میدان خدمت نیز همان منطق بنیادین خود را دنبال می‌کند: احساس مسئولیت در برابر مردم و تبدیل انگیزه و توان فردی به اقدام جمعی برای حل مشکلات کشور.

بسیج و ضرورت تقویت قدرت ملی در آینده

امروز کشور با مجموعه‌ای از چالش‌های امنیتی، اقتصادی، علمی و اجتماعی مواجه است. در چنین شرایطی، ظرفیت بسیج می‌تواند با پیوند دادن روحیه جهادی به دانش، تخصص و فناوری، در حل مسائل ملی نقش گسترده‌تری ایفا کند. حضور نیروهای متخصص و جوان در عرصه‌های علمی و فناورانه، کمک به تقویت تولید داخلی، مشارکت در حل مسائل مناطق محروم، توسعه فعالیت‌های جهادی تخصص‌محور و ارتقای آمادگی جامعه در برابر بحران‌ها، از جمله عرصه‌هایی است که می‌تواند نقش بسیج را در آینده کشور تقویت کند.

سرمایه اصلی بسیج، مردمی بودن آن است. این ویژگی زمانی حفظ و تقویت می‌شود که ارتباط آن با مردم مستمر، واقعی و مبتنی بر خدمت باشد و ظرفیت‌های جوانان، متخصصان و اقشار مختلف جامعه در آن مجال بروز پیدا کند.

بهره سخن

بسیج با فرمان تاریخی امام خمینی (ره) شکل گرفت تا اراده و توان مردم در خدمت دفاع از کشور و انقلاب سازمان دهی شود. طی بیش از چهار دهه، این نهاد در عرصه‌های مختلفی از دفاع مقدس تا جنگ‌های اخیر، از پشتیبانی امنیتی و همکاری اطلاعاتی با دستگاه‌های مسئول تا امدادرسانی، محرومیت‌زدایی و سازندگی حضور داشته است. تجربه این سال‌ها نشان می‌دهد که بسیج صرفا یک تشکیلات نیست؛ یک ظرفیت ملی برای تبدیل ایمان، آگاهی، مسئولیت‌پذیری و مشارکت مردمی به قدرت دفاعی، امنیت پایدار و توان سازندگی کشور است. بسیج، نماد حضور مردم در میدان‌های سرنوشت‌ساز ایران است؛ از خط مقدم دفاع و امنیت تا سنگر خدمت، سازندگی و پیشرفت.

تحلیل‌گر سیاسی از طرح «محله‌محوری و حکمرانی محلی» که روز گذشته با حضور پزشکیان رونمایی شد، می‌گوید
همبستگی ملی و حکمرانی محلی



در مدل‌های حکمرانی، همیشه یک تصویر ذهنی وجود دارد. دولتی در پایتخت تصمیم می‌گیرد و سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی اجرا می‌کنند. اما با این مدل نمی‌توان مدعی شد همه مسائل و مشکلات دیده و برطرف می‌شود. اگر می‌خواهیم تصمیمات بهنگام اتخاذ شود تا با سرعت بیشتر، اقدامات به پیش برود باید قدرت را به محله و مسجد منتقل کنیم.

روزگاری مسجد، مرکز فرماندهی محله بود؛ جایی که مردم برای حل مشکلات‌شان گرد هم می‌آمدند و مدیریت زندگی‌شان را به دست خودشان می‌سپردند. اوج این مدل مشارکت را در دوران دفاع مقدس دیدیم. زمانی که تمام ظرفیت‌های مردمی، از تربیت نیرو تا پشتیبانی‌های گسترده، در کوتاه‌ترین زمان ممکن سازمان یافته شد. اما با گذشت زمان، این مدل جای خود را به یک «دیوان‌سالاری فربه دولتی» داد. دولت‌ها به اشتباه تصور کردند، می‌توانند تمام مسائل مردم را به‌تنهایی و از بالا به پایین حل کنند.

درواقع، ما از مدل مشارکت فعال به اتکای مطلق به دولت رسیدیم. با این حال، این جریان کاملا متوقف نشد. در بسیاری از روستاها و شهرهای بزرگ، هنوز مساجدی فعال هستند که توانسته‌اند محوریت محله را حفظ کنند و در بحران‌ها، نقش سازمان‌دهنده و امدادرسان را ایفا کنند. این نقاط روشن، ثابت می‌کنند، مدل مدیریت محله محور نه تنها منسوخ نشده، بلکه همچنان کارآمدی لازم را برای سازمان‌دهی اجتماعی دارد.

آیین رونمایی از طرح «محله محوری و حکمرانی محلی» که روز گذشته با حضور مسئولان ارشد کشور برگزار شد، دقیقا به همین نکته اشاره داشت؛ دولت باید نقش تسهیل‌گرو ناظر را بازی کند، اما اجراکننده و حل‌کننده اصلی باید خود مردم و ساختارهای نزدیک به آنها باشند.

مسعود پزشکیان، رئیس جمهور طی سخنانی در این مراسم با اشاره به ضرورت توجه به لطف، رحمت و مهربانی در ارائه خدمات و فعالیت‌های اجتماعی، گفت: در مسیر خدمت و همیاری اجتماعی باید از تکبر و غرور دور باشیم و به همسایگان و نزدیکان احترام بگذاریم. نمی‌توان مسلمان بود و به امور مسلمین رسیدگی نکرد. در حکومت اسلامی، مردم نباید با مشکل مواجه باشند. رسیدگی به مسائلی همچون بهداشت، درمان، سلامت، آموزش و معیشت از اولویت‌های اساسی اسلام است و نباید نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت باشیم.

وی افزود: چنانچه به این اولویت‌ها توجه و آنها را به‌درستی اجرا می‌کردیم، اکنون در جامعه شاهد این میزان از کاستی‌ها و مشکلات فرهنگی نبودیم. امکان ندارد آنچه را خداوند و دستورات و آداب اسلامی به آن امر فرموده‌اند اجرا کنیم و در عین حال با چالش‌های گوناگون مواجه باشیم.

رئیس جمهور ارائه خدمات بی‌منت و همه‌جانبه به مردم را از ارکان اساسی جامعه اسلامی برشمرد و تصریح کرد: «مسجد بهترین پایگاه برای ارائه خدمات اجتماعی و جلب مشارکت عمومی است. ارائه این خدمات به تنهایی از سوی دولت امکان‌پذیر نیست و همه جامعه باید با یکدیگر تعامل و همدلی داشته باشند و دست به دست یکدیگر بدهند.»

نکته بسیار کلیدی در این طرح تاکید بر توانمندسازی نخبگان و مردم است. وقتی قدرت به محله‌ها برسد، مردم فقط تماشاگر تصمیمات دولت نیستند، آنها خود تصمیم‌گیرند و دیگر زمان دستوردادن از بالا نیست؛ زمان ساختن در کنار هم است. همان رویکردی که رئیس جمهور بعد از پیروزی در انتخابات مطرح کرد؛ هرکس می‌تواند وارد گود شود و برای پیشرفت کشور و گره‌گشایی از مشکلات آستین‌ها را بالا بزند، حال چه جایی بهتر از مسجد و محله‌ها تا بتوانند گام‌های خوبی برای محله، منطقه، شهر و روستای خود بردارند.

در همین رابطه با یک تحلیل‌گر مسائل سیاسی گفت‌وگو کرده‌ایم و نظروی را درباره طرح محله‌محوری و مشارکت مردم در آن جویا شدیم.

ناصر ایمانی درباره اینکه آیا مشارکت محلات و مساجد در فرآیند تصمیم‌گیری می‌تواند حاکمیت را در اتخاذ تصمیم‌های متناسب با جامعه یاری کند؟ گفت: بله، این موضوع از مباحث مهم جامعه شناسی است و بسیاری از جامعه شناسان معتقدند همبستگی اجتماعی از جوامع کوچک آغاز می‌شود، از خانواده و محله گرفته تا منطقه، شهرو سطوح بالاتر. اگر مردم در یک محله بتوانند در کنار یکدیگر، زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با خوش بینی داشته باشند، این الگو می‌تواند به منطقه و سپس به شهر تعمیم پیدا کند.

وی افزود: الگوهای همبستگی ملی نیز از الگوهای کوچک آغاز می‌شوند و تقویت روابط اجتماعی در خانواده‌ها و محلات می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری همبستگی در سطوح ملی باشد.

کارشناس مسائل سیاسی در پاسخ به این پرسش که آیا عبور از وضعیت ناترازی انرژی بدون مشارکت مستقیم مردم امکانپذیر است، یادآور شد: قطعا پاسخ این پرسش منفی است و این موضوع را بارها در جاهای دیگر نیز مطرح کرده‌ام. مثلا روز جمعه ۲۳ خرداد سال ۱۴۰۴ دشمن صهیونیستی به ایران حمله کرد؛ اگر همان قدرت نظامی را که در آن ۱۲ روز به نمایش گذاشتیم داشتیم، اما مردم پای کار کشور نمی‌آمدند، آیا با همه توان نظامی می‌توانستیم موفق شویم؟ پاسخ منفی است.

ایمانی با بیان اینکه در جنگ ۴۰ روزه نیز مردم همبستگی کامل خود را هم با یکدیگر و هم با حاکمیتی که از آنان دفاع می‌کرد، نشان دادند، تاکید کرد: این همان مدلی است که به موفقیت می‌رسد. تا زمانی که مردم پای صحنه کشور نباشند، اگر بزرگ‌ترین قدرت نظامی و حتی اقتصادی را هم داشته باشیم، نمی‌توانیم دوام بیاوریم. نمونه‌های این وضعیت در طول تاریخ و در کشورهای دیگر نیز وجود دارد و اتحاد جماهیر شوروی نمونه بسیار خوبی در این زمینه است.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا تجربه همبستگی مردم و دولت در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله می‌تواند الگویی برای عبور از بحران‌ها در شرایط امروز باشد، گفت: ما این تجربه را در جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه نیز عملی کردیم. همبستگی مردم و حاکمیت تنها به جنگ هشت ساله محدود نشد؛ هرچند آن دوران اوج این همبستگی بود. در جنگ‌های ۱۲ روزه و ۴۰ روزه که بیش از ۳۰ سال از پایان جنگ تحمیلی فاصله داشت، مردم ما بار دیگر این همبستگی را به نمایش گذاشتند و نتایج آن را هم ما دیدیم و هم دشمن مشاهده کرد.

تحلیل‌گر مسائل سیاسی گفت: امروز دشمن به هیچ‌وجه به این موضوع فکر نمی‌کند که در صورت حمله نظامی به کشور، مردم در خیابان‌ها علیه نظام اقدام کنند، زیرا چند بار مردم ایران را آزموده و دیده است که چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد!

گزارش «آگاه» درباره پیام‌های سومین جام رسانه امید را بخوانید
سه مؤلفه راهبردی در قدرت ایران

سومین جام رسانه امید در حالی برگزار شد که ایران با «جنگ ترکیبی» دشمن مواجه است. دشمن برای تهاجم نرم، بودجه‌های میلیاردی، ارتش‌های سایبری و پیشرفته‌ترین ابزارهای روان‌شناختی را به کار گرفته است. هدف آنها صرفا دروغ گفتن نیست، هدف اصلی تخریب پیوند میان مردم و نظام است. این رویه، ریشه در سال‌های دور دارد. اگر به تاریخ انقلاب نگاه کنیم، می‌بینیم سال ۸۸ نقطه عطفی بود که در آن، رسانه‌های معاند با جعل روایت و بزرگ‌نمایی حواشی، نظم اجتماعی را به چالش کشاندند. در سال ۱۴۰۱ نیز شاهد همین رویه بودیم؛ جایی که ابزارها از تلویزیون‌های ماهواره‌ای به شبکه‌های اجتماعی تغییر کرد و تهاجم با شکل و شمایل دیگری ادامه یافت. در تمام این سال‌ها، استراتژی بدخواهان ایران این بود که با اخبار دروغ تشویش اذهان ایجاد کنند تا در لحظات حساس، جامعه دچار تردید شود. همین سبک را کما فی‌السابق در دستور کار قرار داده‌اند، فقط کافی است نگاهی به برنامه‌های تولیدی موساد اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا و سایر رسانه‌های فارسی‌زبان آن‌ور آبی بیندازیم. حقیقت این است، اگر رسانه‌های داخلی نتوانند با سرعت، شفافیت و اثرگذاری، حقیقت را روایت کنند، جای آن را دروغ‌های سازمان‌یافته می‌گیرد.

وظیفه رسانه‌های داخلی در این دوران، تحلیل درست و عمیق از آنچه پیرامون‌مان می‌گذرد است. از سوی دیگر، مسئولان نیز باید با شفافیت و پاسخگویی توده‌های مردم را در جریان آخرین تصمیم‌گیری‌ها قرار دهند. به عبارتی حداقل به دو پرسش اصلی پاسخ دهند که چه می‌کنیم و چه برنامه‌هایی داریم؟ تا جایی برای تخیلات و خبرسازی‌های دشمن باقی نماند.

در میانه جنگ روانی، پیام‌های مهمی از سوی فرماندهان میدان مطرح شد. سرلشکر مصطفی ایزدی، جانشین فرمانده کل سپاه، دیروز در نشست جام رسانه گفت: «ایران آغازگر جنگ و تجاوزنبوده، اما در صورت تعرض به کیان کشور، با تمام توان ایستادگی خواهد کرد و پاسخ آن فوری، اثرگذار و فراتر از محدودیت‌های جغرافیایی خواهد بود چراکه صرف برخورداری از تجهیزات و امکانات بیشتر، لزوما به معنای پیروزی در میدان و تحقق اهداف راهبردی نیست.»

نکته عمیق این تحلیل آنجاست که پیروزی در میدان، دیگر تابع برتری عددی یا تجهیزاتی نیست. دشمن ممکن است در تعداد پهپادها یا حجم تسلیحات برتری داشته باشد، اما پیروزی در میدان، حاصل تلاقی «اراده انسانی، توانمندی نظامی و انسجام داخلی» است. پاسخی که فوری، اثرگذار و فراتر از محدودیت‌های جغرافیایی باشد، محصول دکترین دفاعی پویا است که بر اساس شناخت دقیق از نقاط ضعف حریف طراحی شده است.

جواد یوسفی، کارشناس سیاسی و رسانه، درباره عملیات روانی علیه ایران اظهار کرد: ناکامی ترامپ در تحقق وعده‌های خود طی جنگ تحمیلی ۴۰ روزه و شکست در دستیابی به اهداف مورد نظر، موجب شده است که دولت آمریکا برای توجیه اقدامات گذشته یا زمینه سازی برای اقدامات احتمالی آینده، به فعالیت‌های رسانه‌ای و فضاسازی روانی روی بیاورد.

وی با اشاره به تاثیر تحولات اخیر بر افکار عمومی آمریکا، افزود: نتایج تحولات سیاسی و انتخاباتی اخیر نیز نشان‌دهنده نارضایتی بخش‌هایی از جامعه آمریکا از سیاست‌های ترامپ است و این مسئله، شرایط را برای همراه‌سازی افکار عمومی با اقدامات نظامی جدید دشوارتر کرده است.

این کارشناس سیاسی و رسانه با اشاره به سابقه آمریکا در استفاده از روایت‌سازی برای توجیه اقدامات نظامی خود تصریح کرد: در جریان حوادث یازدهم سپتامبر و همچنین حمله به عراق و افغانستان، مقام‌های آمریکایی با طرح ادعاهایی درباره تهدیدهای امنیتی و وجود سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک تلاش کردند افکار عمومی را با اقدامات نظامی خود همراه کنند. آنچه امروز در فضای رسانه‌ای مشاهده می‌شود، شباهت‌هایی با همان سناریوهای گذشته دارد؛ با این تفاوت که رفتار جمهوری اسلامی ایران در عرصه نظامی، سیاسی و دیپلماسی و نگاه بلندمدت به تحولات، موجب شده است همراه‌سازی افکار عمومی داخلی آمریکا و جامعه جهانی با روایت‌های واشنگتن به‌سادگی گذشته نباشد.

روی هم رفته آنچه در نشست جام رسانه‌ای از سوی فرماندهان نیروهای مسلح، دولتی‌ها، دیپلمات‌ها و صاحب نظران رسانه گفته شد حکایت از آن دارد، ما در حالی پیروز می‌شویم که بدانیم جبهه رسانه‌ای، به اندازه جبهه نظامی اهمیت دارد. درنهایت باید پذیرفت قدرت، تنها در میدان جنگ نیست؛ در میدان روایت هم هست. بازدارندگی زمانی کامل می‌شود که روایت صادقانه ما، راه را بر دروغ‌های رسانه‌های اپوزیسیون ببندد. حقیقت این است: قدرت ایران، حاصل پیوند اراده مردم، توان نظامی و صداقت رسانه‌ای است تا از این طریق، در برابر جنگ روانی نیز نفوذناپذیر باشد.



قدرت، تنها در میدان جنگ نیست؛ در میدان روایت هم هست. بازدارندگی زمانی کامل می‌شود که روایت صادقانه ما، راه را بر دروغ‌ها ببندد. حقیقت این است: قدرت ایران، حاصل پیوند اراده مردم، توان نظامی و صداقت رسانه‌ای است

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح:
قرارگاه سازندگی خاتم ظرفیت‌های پنهان کشور را به ثروت تبدیل کرد



سردار سرلشکر علی عبداللهی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح از قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (ص) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازدید کرد.

وی در جریان این بازدید، با اشاره به نقش‌آفرینی این قرارگاه در اجرای پروژه‌های بزرگ عمرانی و زیرساختی کشور، گفت: اقداماتی که قرارگاه در حوزه‌های مختلف از جمله نفت و انرژی، راه و راه‌آهن، آب‌رسانی، انتقال آب، نرم‌افزار و زیرساخت‌های ارتباطی در حال انجام است، بسیار ارزشمند و خوشحال‌کننده است.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (ص) در فعال سازی ظرفیت های مغفول مانده کشور نقش مهمی ایفا کرده است، افزود: ثروت‌های پنهانی که طی سالیان گذشته نتوانسته بودیم از آنها استفاده کنیم، به همت این قرارگاه به فعلیت درآمده‌اند و امروز شاهد اجرای پروژه‌های بزرگ و ارزشمندی هستیم. عبداللهی با اشاره به دستاوردهای فنی و مهندسی این قرارگاه گفت: اجرای پروژه‌های بزرگ با ثبت رکوردهای جدید، ریل‌گذاری تازه‌ای در فعالیت‌های فنی و پروژه‌های عمرانی کشور به یادگار گذاشته و نشان داده است که با تکیه بر توان داخلی می‌توان کارهای بزرگی انجام داد. وی با اشاره به موقعیت راهبردی ایران در کریدور شمال-جنوب، به‌ویژه در شرق کشور، تصریح کرد: این موقعیت یکی از ظرفیت‌های مهم برای توسعه ترانزیت، رونق اقتصادی و تقویت جایگاه ایران در شبکه حمل‌ونقل منطقه است.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه موضوع کریدور شمال-جنوب در شرق کشور طی ۵۰ تا ۶۰ سال گذشته همواره مطرح بوده است، گفت: با وجود برخورداری ایران از مزیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، تاکنون نتوانسته‌ایم به‌خوبی از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم؛ بنابراین تلاش‌های قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (ص) برای بهره‌برداری از این مزیت‌ها، ثروتی بزرگ و ارزشمند برای کشور محسوب می‌شود. این اقدامات علاوه بر افزایش ثروت ملی، در مسیر عمران و آبادانی منطقه سیستان و بلوچستان نیز نقش موثری خواهد داشت. سرلشکر عبداللهی با تاکید بر ضرورت نگاه جامع به مفهوم ثروت ملی خاطرنشان کرد: ثروتمند بودن یک کشور را نباید صرفا با مراجعه به حساب‌های بانکی و میزان منابع مالی آن سنجید؛ بلکه باید دید چه میزان از آب‌های سطحی کشور مهار شده، چند سد ساخته شده و چه مقدار زمین به چرخه تولید و کشاورزی وارد شده است. زمین‌هایی که به زیر کشت می‌روند، یک ثروت دائمی برای کشور ایجاد می‌کنند، چراکه با فعال شدن این ظرفیت‌ها، کشاورزان می‌توانند برای ده‌ها سال و حتی صدها سال از آن بهره‌مند شوند و درآمد کسب کنند. درواقع، اقشار مختلف جامعه هرکدام به شکلی از منافع این پروژه‌ها بهره‌مند خواهند شد. وی در پایان با تقدیر از اقدامات قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا (ص)، گفت: فعال سازی ظرفیت‌های پنهان کشور، ثبت رکوردهای تازه، اتکا به دانش بومی و مهندسی ایرانی و اجرای طرح‌های بزرگ، می‌تواند مسیر تبدیل ظرفیت‌های کشور به ثروت ملی و آبادانی ایران را هموار کند.



حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه:

امنیت و معیشت مردم، خط قرمز ماست

ترامپ با زبان تفاهم بیگانه است

سراب مذاکره

دونالد ترامپ، رئیس جمهور جنایتکار آمریکا در تازه‌ترین موضع‌گیری‌اش پیرامون جنگ با ایران، اعلام کرده که احتمالا با آغاز سال جدید میلادی یعنی در حوالی دی، تجاوزات به ایران را از سر می‌گیرد. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ترامپ مترصد رسیدن به زمان سالگرد کودتای دی است تا با وعده‌ای که صهیونیست‌ها به او داده‌اند، بتواند جنگنده‌های خود را، مقارن با شرارت سربازان موساد در خیابان‌های ایران، به آسمان ایران گسیل دارد.



ترامپ در رویکرد ضدایرانی اخیر خود با تعیین افق زمانی مشخص، در واقع از استراتژی اتاق تنگ استفاده می‌کند تا فضای مانور تهران را در تقابل میان توافق مطلوب آمریکا یا جنگ تمام‌عیار محدود سازد. این رویکرد، فراتر از یک تهدید ساده، یک عملیات روان‌شناختی برای تغییر معادلات هزینه-فایده در هسته تصمیم‌گیری سیاسی ایران است. واشنگتن با بازتعریف زمان‌بندی، سعی دارد از فشار دیپلماتیک به سمت دیپلماسی تحت فشار نظامی حرکت کند تا ایران را در موقعیت انتخاب بین عقب‌نشینی یا رویارویی مستقیم قرار دهد.

همچنین ترامپ درصدد شرطی سازی و ارعاب‌آفرینی در جامعه ایران است. او می خواهد با قرار دادن سایه تهدید بر بالای سر ایران، ملت ما را از درون خنثی و تسلیم کند. هدف ترامپ از تعیین تقویم تجاوز به ایران، آن است که اولا اقتصاد ما را به گروگان بگیرد و کنش های اقتصادی مردم ما را به متغیری مجعول که همان امتیازدادن به آمریکا است، گره بزند و ثانیا در بخشی از جامعه، این هراس و وحشت را بیافریند که اگر ایران تن به تسلیم ندهد، به زعم باطل او، ویران می‌شود. درواقع ترامپ، پیش از تجاوز نظامی، به تهاجم شناختی متوسل شده است؛ باید این نقشه و حربه او را کور کنیم.

دست قوای مسلح را باز بگذاریم

اولین گام در خنثی و کور کردن توطئه جدید ترامپ، آن است که ابتکارات دیپلماتیک خود را مسکوت بگذاریم و دست قوای مسلح را به ویژه در دریا برای ضربه زدن به زیرساخت‌های آمریکا و مشخصا ناوهای محاصره‌گر باز بگذاریم. وقتی دیپلمات‌های ما از امکان توافق ۴۸ ساعت با آمریکا می گویند در واقع این پیام را به واشنگتن مخابره می‌کنند که طرف نیازمند و محتاج به توافق، ما هستیم و این ماییم که زیر فشار محاصره در حال دست و پا زدن هستیم. این موضوع، طرف مقابل را جری می‌کند و او را به این نتیجه می رساند که فضای تهدید نظامی را هم منضم به محاصره اقتصادی کند.

دیپلماسی تحت تاثیر ترس، راه به ناکجاآباد دارد؛ وقتی امتیاز را در ازای آرامش می‌خواهیم، درواقع به دشمن اجازه می‌دهیم که از تازیانه تهدید، برای پیشروی در امتیازگیری استفاده کند. راهکار، انتقال از میز مذاکره به میدان قدرت سخت است؛ جایی که هزینه تداوم فشار، برای واشنگتن به تزلزل در نظم جهانی بدل شود. فراموش نکنیم که محاصره دریایی، روزانه هزینه گزافی را به ماشین جنگی آمریکا تحمیل می‌کند و ارتش آمریکا توانمندی استمرار محاصره در بلندمدت را ندارد. از سوی دیگر، فضای فعلی در تنگه هرمز و خلیج فارس، اقتصاد جهان و ترانزیت انرژی را هم به گروگان گرفته است و نظم اقتصادی جهان در حال مختل شدن است.

ملت ایران، تسلیم‌ناپذیر است

ترامپ با ابزار تروریسم اقتصادی، به دنبال تبدیل مقاومت ملت ما به یک فرضیه شکست خورده است. او می خواهد با ایجاد شکاف میان مردم و دولت، هزینه ایستادگی را به هزینه رفاه پیوند بزند. اما باید دانست که در معادلات جنگ‌های نوین، تنها سلاح کارآمد، قدرت فائقه و بی نیازی از توافقی است که مترادف با تسلیم و عدول از مواضع و حقوق باشد.

در شرایطی که گرگ های بین‌المللی به مصاف ملت ما آمده‌اند گفت‌وگو از موضع ضعف، تنها مقدمه ای برای ضیافت امتیاز دادن است. برای کور کردن چشمان تهاجم‌گر، باید میدان را از سکوت دیپلماتیک به غرش استراتژیک تغییر داد؛ چرا که صلح بدون قدرت، تنها نام دیگری برای تسلیم بی‌شرط است.

دشمن در تدارک تجاوز مجدد است

اطلاعات موجود نشان می دهد در پشت صحنه برنامه ریزی وسیع برای حمله به ایران تا قبل از روی کار آمدن کنگره جدید در حال انجام است. ترامپ حاضر به پذیرش ضعف آمریکا و امتیازدهی به ایران نیست و به همین دلیل مذاکرات پیشرفتی ندارد. جریان‌های جنگ‌طلب در کابینه ترامپ قدرت گرفته‌اند و این جریانات عقیده دارند ترامپ باید در موضوع ایران میراثی از خود به جا بگذارد. حجم انباشت نیروی آمریکا در اطراف ایران به نزدیک میزان قبل از جنگ ۴۰ روزه رسیده است. شاخص های درگیری نظامی به طور فزاینده در حال بحرانی شدن است. تردید کنونی ترامپ ناشی از این موضوع است که آیا قادر به مدیریت ابعاد زمانی و مکانی درگیری و همچنین خلق یک دستاورد معنادار خواهد بود یا نه.

در چنین شرایطی که دشمن مقدمات و بساط تجاوز مجدد را گسترده، ما دیگر نباید سخن از دیپلماسی و ابتکاراتی نظیر زمان‌بندی هفت روزه و دو روزه به زبان بیاوریم. این ابتکارات ما، برای دشمن به منزله پالس ضعف است. درواقع، ما به طرف خصم می‌گوییم که حاضریم ظرف ۴۸ ساعت میز مذاکره را بچینیم، مشروط بر آنکه در آن ۴۸ ساعت، هفت شرط ایران تحقق یابد و در مقابل، تنگه هرمز توسط ما رفع انسداد شود. این قضیه، واجد ایرادات ساختاری و عملکردی است؛ آیا ما می توانیم ظرف ۴۸ ساعت، اجرای هفت شرط خود توسط آمریکا را راستی آزمایی کنیم؟ آیا آمریکا می‌تواند ظرف ۴۸ ساعت، پول‌های بلوکه شده ایران را بازگرداند و تحریم‌های نفتی و صادراتی ما را بالمره و یکباره، ملغی کند؟

اعتماد به وعده آمریکایی؛ ممنوع!

آرایش ناوهای جنگی دشمن در دل اقیانوس، نشان از آمادگی او برای گذار از فشار به تهاجم دارد. پیشنهاد زمان‌بندی‌های کوتاه‌مدت در میانه این انباشت نظامی، نه یک ابتکار راهبردی، بلکه نوعی خودفریبی سیاسی است. ما نمی‌توانیم با وعده‌هایی که قابلیت اجرایی در ظرف چند ساعت را ندارند، به هیولای جنگ‌طلب آمریکایی، اعتماد کنیم و خوشبین باشیم.

هرگونه بحث از دیپلماسی فوری، بدون تضمین عملیاتی رفع تحریم‌ها، چیزی جز سراب مذاکره نیست. مطرح کردن بازگشت سریع دارایی‌ها و لغو تحریم‌های نفتی در بازه‌های زمانی خرد، با واقعیت‌های پیچیده حقوقی و ساختارهای پیچیده و غامض واشنگتن در تضاد است. این نوع رویکرد، تنها باعث می‌شود که دشمن، امتیازات ما را به عنوان تایید ضعف تلقی کند و به جای عقب‌نشینی، برای امتیازگیری بیشتر، فشار نظامی خود را مضاعف سازد.

ما باید از دیپلماسی زمان بندی شده به سمت قدرت بازدارنده حرکت کنیم؛ چرا که دشمن، زمان را برای مذاکره نمی بیند، بلکه زمان را برای آماده سازی میدان نبرد می‌شمارد.

غریب‌آبادی:

صلحی که از دل تسلیم بیرون آمده باشد، صلح نیست

کاظم غریب آبادی، معاون حقوقی و بین الملل وزیر امور خارجه روز دوشنبه دوم آذر در سخنرانی خود در اجلاس منع گسترش سلاح های شیمیایی در هلند گفت: جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از بزرگ ترین و آخرین قربانی کاربرد گسترده سلاح‌های شیمیایی در تاریخ معاصر، با واقعیتی تلخ و ماندگار روبه‌روست؛ واقعیتی که آثار آن با گذشت دهه‌ها، همچنان در زندگی هزاران تن از شهروندان ایرانی نمایان است.

وی در مطلع سخنانش در این اجلاس گفت: جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و آخرین قربانی کاربرد گسترده سلاح‌های شیمیایی در تاریخ معاصر، با واقعیتی تلخ و ماندگار روبه‌روست؛ واقعیتی که آثار آن با گذشت دهه‌ها، همچنان در زندگی هزاران تن از شهروندان ایرانی نمایان است. بسیاری از این قربانیان هنوز از عوارض جسمی و روانی مواجهه با این سلاح‌های غیرانسانی رنج می‌برند و برای ادامه زندگی به داروهای حیاتی، مراقبت های مستمر و درمان های تخصصی نیاز دارند.

غریب‌آبادی تصریح کرد: با وجود آن تجربه دردناک، جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه به منطق تلافی‌جویانه استفاده از سلاح‌های شیمیایی روی نیاورد. ایران، با وجود توان و امکان پاسخ متقابل در دوران جنگ تحمیلی رژیم صدام، هرگز تولید و استفاده از این سلاح‌ها را انتخاب نکرد؛ زیرا معتقد بود پاسخ به یک جنایت، نباید به تکرار همان جنایت منجر شود. این تصمیم برخاسته از مسئولیت‌پذیری، پایبندی به اصول انسانی و برتری اخلاقی ملتی بود که خود قربانی این سلاح‌ها شده بود. این تجربه تاریخی، موضع اصولی ایران را روشن می‌کند: سلاح‌های شیمیایی، صرف‌نظر از اینکه توسط چه کسی و علیه چه کسی استفاده شوند، غیرانسانی و غیرقابل قبول‌اند و کاربرد آنها تحت هیچ شرایطی قابل توجیه نیست.

وی گفت: در همین چارچوب، جمهوری اسلامی ایران در شرایطی در این اجلاس سخن می‌گوید که طی دو جنگ تجاوزکارانه در ژوئن ۲۰۲۵ و فوریه ۲۰۲۶، با حملات نظامی گسترده رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا مواجه شده است؛ حملاتی که نقض آشکار اصول بنیادین منشور ملل متحد، حقوق بین الملل و قواعد آمره حقوق بشردوستانه محسوب می شوند. در جریان این تجاوزات، زیرساخت‌های حیاتی، تاسیسات علمی و صنعتی، مراکز درمانی و مناطق مسکونی هدف قرار گرفتند و شمار زیادی از شهروندان بی‌گناه، از جمله زنان و کودکان، جان خود را از دست دادند.

معاون وزیر خارجه بیان داشت: حمله به مدرسه ابتدایی میناب و شهادت ۱۶۸ نفر از دانش‌آموزان و کادر آموزشی آن، نمونه‌ای تکان‌دهنده از پیامدهای انسانی این جنگ‌ها و بی‌اعتنایی به اصول بنیادین حمایت از غیرنظامیان است. آمریکا دو بار و با فاصله چند ساعت، این مدرسه ابتدایی را در شهر کوچک میناب در جنوب ایران هدف گرفت تا از حداکثر شدن تلفات، اطمینان یابد.

وی افزود: در همان ساعات اولیه جنگ ۴۰ روزه، یک ورزشگاه مملو از دختران نوجوان ورزشکار در شهر کوچک لامرد نیز با دقیق‌ترین موشک‌های مدرن و تسلیحات جدید آمریکایی، عامدانه مورد اصابت قرار گرفت. برای کشتن دختركان نوجوان، به کارگیری این حجم از تسلیحات مدرن و موشک‌های دقیق ضرورتی نداشت. بانیان، آمران و مجریان این جنایات تا آخرین روز زندگی دردآور خود، با این قساوت تاریخی



را به دوش خواهند کشید. مایلم همچنین از ۱۰۴ شهید جوان ناو دنا که پیکر ۲۰ تن از آنها هرگز پیدا نشد، یاد کنم. این ناو در حالی که منبع هیچ تهدیدی نبود، در مسیر بازگشت از یک مانور در سواحل سریلانکا مورد هدف قرار گرفت.

حق وتو نباید به معنای مصونیت از پاسخگویی باشد

غریب‌آبادی با بیان اینکه ما به سازمان ملل متحد نیاز داریم، اما سازمان ملل نیز به اصلاح نیاز دارد، گفت: شورای امنیت نباید به ابزاری برای حفظ امتیازات قدرت‌های بزرگ تبدیل شود. حق وتو نباید به معنی حق مصونیت از پاسخگویی باشد. آمریکا و رژیم صهیونیستی فقط در جنگ ۴۰ روزه ۲۳۸۰۰ حمله علیه ایران انجام دادند که در نتیجه آنها، ۱۵۰ هزار واحد غیرنظامی آسیب دیدند. این جنایتکاران، ۱۸ موج حملات گسترده به تاسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز تحت پادمان جمهوری اسلامی ایران نیز انجام دادند. این حملات توسط آمریکایی انجام شد که تنها استفاده‌کننده از سلاح هسته‌ای در جهان و در حال نوسازی این سلاح‌های مخوف و حتی برنامه‌ریزی برای استفاده از آنها است. وی تصریح کرد: شریک آمریکا در تجاوز به ایران نیز رژیمی است که ذاتا بر ترور، تجاوز، اشغال، آپارتاید و نسل‌کشی بنا شده، دارای سلاح هسته‌ای بوده و تهدید به استفاده از آن می‌کند و تابع هیچ یک از معاهدات و سازوکارهای مرتبط با سلاح های کشتار جمعی نیست. ادعای آنها مبنی بر خطرات اشاعه‌ای فعالیت هسته‌ای ایران، آشکارا دروغ و صرفا بهانه‌ای برای توجیه تجاوزات آنها بوده و هست. بیشترین و سخت‌گیرانه‌ترین بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تاسیسات جمهوری اسلامی ایران انجام شده و طی حدود ۲۵ سال بازرسی، هیچ گزارشی مبنی بر انحراف حتی «یک گرم» مواد هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران به سمت مقاصد ممنوعه نیز وجود ندارد.

معاون وزیر خارجه عنوان کرد: عدم محکومیت این حملات به ویژه از سوی شورای امنیت، سابقه‌ای خطرناک ایجاد کرده و نشان دهنده فرسایش جدی رژیم جهانی عدم اشاعه است. اگر نگرانی واقعی، سلاح های هسته ای است، چرا کشورهای غربی و مدعی ایران همچنان درباره زرادخانه هسته‌ای رژیم صهیونیستی سکوت می‌کنند!

ایران جنگ‌طلب نیست، اما تسلیم در برابر تهدید را نمی‌پذیرد

وی با بیان اینکه ما از جنگ استقبال نکردیم؛ ما جنگ را آغاز نکردیم؛ اما هنگامی که سرزمین، مردم و منافع ملی ما مورد تعرض قرار گرفت، ملت ایران از حق طبیعی خود برای دفاع استفاده کرد، گفت: ایران صلح‌طلب است، اما صلحی که از دل تسلیم بیرون آمده باشد، صلح نیست. صلحی که بر پایه تهدید باشد، صلح نیست. ما از این تریبون اعلام می‌کنیم: ایران جنگ‌طلب نیست، اما از صلحی که استقلال ملت ایران را قربانی کند نیز استقبال نخواهد کرد. تاریخ ایران یک پیام روشن دارد: ملت ایران را نمی‌توان با تهدید به زانو درآورد. بی‌شک، امروزه، رژیم اسرائیل و آمریکا بزرگ‌ترین تهدید علیه منشور ملل متحد هستند؛ نظام حقوقی بین‌الملل منبعث از منشور، در نتیجه جنایات این دو متجاوز، در خطر بی‌سابقه‌ای قرار گرفته است.

غریب‌آبادی در ادامه سخنانش در اجلاس منع گسترش سلاح های شیمیایی در هلند گفت: جمهوری اسلامی ایران همچنین نگرانی‌های جدی خود را درباره برخی جنبه های اجرای تعهدات کنوانسیون از سوی آمریکا مطرح می‌کند. در سال ۲۰۰۳، آمریکا و ائتلاف همراه آن به طور ناگهانی به سازمان منع سلاح‌های شیمیایی اطلاع دادند که سلاح های شیمیایی کشف شده در عراق، منتقل و منهدم شده‌اند. این موضوع، با توجه به اهمیت شفافیت، اطلاع‌رسانی به‌موقع و نظارت موثر سازمان، پرسش‌های مهمی درباره نحوه اجرای تعهدات و ضرورت پاسخ‌گویی ایجاد می‌کند.

وی بیان کرد: همچنین، اطلاعات و شواهدی درباره فعالیت های مرتبط با مواد شیمیایی تاثیرگذار بر سیستم عصبی مرکزی و برنامه های موسوم به عوامل شیمیایی غیرکشنده یا ناتوان ساز، نگرانی های جدی را در زمینه پایبندی کامل به اهداف و تعهدات کنوانسیون مطرح کرده است. جمهوری اسلامی ایران پیشتر در سال های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ با استناد به ماده نهم کنوانسیون، نگرانی های خود را درباره مواردی از عدم پایبندی آمریکا، از جمله نقش آن کشور در برنامه تسلیحات شیمیایی رژیم اسرائیل و فعالیت‌های مرتبط با توسعه عوامل شیمیایی غیرکشنده و ناتوان‌ساز، مطرح کرده است. ما انتظار داریم این نگرانی‌ها با پاسخ‌هایی محتوایی، شفاف و قابل راستی‌آزمایی مواجه شوند. اعتبار کنوانسیون زمانی حفظ خواهد شد که همه دولت‌های عضو، بدون استثنا، در برابر پرسش‌های مربوط به اجرای تعهدات خود پاسخ‌گو باشند.

معاون وزیر خارجه گفت: ما معتقدیم که اعتبار و اثربخشی کنوانسیون منع سلاح‌های شیمیایی در گرو حفظ ماهیت فنی، تخصصی و غیرسیاسی سازمان است. این سازمان برای تحقق هدفی مشترک تاسیس شده است: حذف کامل سلاح‌های شیمیایی و جلوگیری از بازگشت آنها به عرصه بین‌المللی. تبدیل سازمان به عرصه رقابت‌های سیاسی، اعمال فشارهای گزینشی یا استفاده ابزاری از سازوکارهای آن، نه تنها به اجرای بهتر کنوانسیون کمک نمی‌کند، بلکه اعتماد میان دولت‌های عضو را تضعیف کرده و توانایی سازمان برای انجام ماموریت اصلی خود را کاهش می‌دهد. ما بر این باوریم که تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع، به‌ویژه در موضوعات حساس و اختلاف برانگیز، از مشروعیت و ظرفیت اجرایی بیشتری برخوردار است. بازگشت به فرهنگ اجماع، گفت‌وگوی سازنده و احترام متقابل باید در اولویت کار سازمان قرار گیرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه:

سیدمجید موسوی پاسخ آمریکایی‌ها را خواهد داد

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز دوشنبه دوم آذر در نشست خبری هفتگی خود، پاسخگوی سوالات خبرنگاران شد. وی درباره دلایل عضویت ایران در ان پی تی گفت: اول اینکه ایران از ۱۹۷۰ عضو معاهده عدم اشاعه است و آنقدر در ایفای تعهدات ثابت‌قدم بود که در سال ۱۹۷۴ ابتکار خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای را بیان کرد. بعد از انقلاب هم از فتوای رهبر شهید درباره منع تولید سلاح هسته ای خبر دارید. این معاهده بر منع تکثیر و تولید سلاح هسته‌ای تاکید دارد و این مطلوب است. یکی از دلایل عضویت، بهره‌مندی از حق هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز است. متاسفانه آمریکا و حامیان آن، این معاهده را از معنا تهی کردند. کشوری که عضو این معاهده است باید خودش به کشورهای دیگر پاسخگو باشد که چرا زرادخانه هسته‌ای دارد؟ گفتمانی که در ایران ایجاد شده که چرا باید حضورمان در این معاهده تداوم داشته باشد را احترام می‌گذاریم. اما ایران تاکنون عضو معاهده و متعهد به تعهدات مندرج در این سند است. تا به حال در خصوص خروج از ان پی تی تصمیمی به ما ابلاغ نشده است.

شروط هفت‌گانه حق ایران است

سخنگوی وزارت خارجه درباره اظهارات سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، برای بازگشایی تنگه هرمز در دو ساعت گفت: این ظرایف کلامی را دوستان در نظر داشته باشند. اینکه ما می گوییم ثابت‌قدم هستیم به این معناست که ما بر تاکید بر حقوق‌مان جدی هستیم. بله طرف آمریکایی اگر شروط را اجرا کند باز شدن کوتاه‌مدت امکانش وجود دارد و به معنای نادیده گرفتن پیچیدگی‌ها نیست. صرفا تاکید بر این است که ایران می داند چه می خواهد و حقوق مردم ایران چیست. این شروط موارد عجیب و غریبی نیست و شروط هفت‌گانه حق ایران است. اینها مواردی نیست که احساس شود پیش‌شرط است، جزو لاینفک حقوق ایرانیان است.

حضور نیروهای بیگانه نزدیک مرزهای ایران قابل پذیرش نیست

وی درباره آغاز به کار پروژه تریپ در مرزهای شمالی ایران گفت: ما قرار نیست که فقط به قول دیگران اکتفا کنیم، این موضوع حاکمیتی است و همه آن را رصد می‌کنند و موضع اصولی ما در این خصوص تغییر نکرده است. ما از گسترش ارتباطات اقتصادی و رفع موانع مسیرهای مواصلاتی حمایت می کنیم اما مسئله‌ای که باید رعایت شود، منافع و ملاحظات کشورهای همسایه است. همچنین نباید به هیچ طرف ثالثی اجازه داده شود که روابط را دچار اخلال کند. ما این موارد را گفته‌ایم و هم مسئولان ایران و هم مسئولان ارمنستان متوجه روابط دیرپای دو کشور هستند. نباید اعتماد تحت‌الشعاع طرف‌های ثالث قرار بگیرد. تاکید کردیم که حضور نیروهای بیگانه نزدیک مرزهای ایران قابل پذیرش نیست. ما تحولات قفقاز را رصد می‌کنیم.



مقاومت، ستون اقتدار لبنان است

سخنگوی وزارت خارجه در واکنش به اظهارات نخست‌وزیر لبنان علیه ایران گفت: ما به مردم لبنان و فرهنگ لبنان و حاکمیت این کشور کامل احترام می‌گذاریم، اما اگر منظور از دخالت این است که ما در جریان مذاکرات اسلام‌آباد، احترام به حاکمیت لبنان را در صدر خواسته‌ها قرار دادیم، نکته‌ای است که باید طرف لبنانی در باب آن توضیح دهد. موضع ایران مشخص است، مشکل لبنان دو چیز نیست یک چیز است و آن تجاوز و تعرض رژیم صهیونیستی به لبنان است که چند دهه است وجود دارد. اساسا مقاومت لبنان برای چه تشکیل شد؟ برای مقابله با تجاوزگری و اشغالگری ایجاد شد و مقاومت ستون اقتدار لبنان است. ما بدون تردید خواهان روابط خوب با لبنان هستیم. تنها مسئله لبنان، رژیم صهیونیستی است.

تصمیم درباره ایران در جایی غیر از تهران گرفته نمی‌شود

وی درباره نشست سه‌جانبه آمریکا، روسیه و چین گفت: اینکه در گفت‌وگوهای بین‌المللی درباره موضوعات مختلف صحبت شود رایج است، اما ایران امروز نشان داده خودش بازی‌ساز است. هم روسیه و هم چین دوستان ما هستند، هم قبل از برگزاری این نشست و هم بعد از آن با این دو کشور در تماس بودیم. ما اطمینان داریم که در چنین نشست‌هایی اتفاقا یکی از دغدغه‌های هر کشوری سوال درباره سیاست‌ها و یکجانبه‌گرایی آمریکا و فجایعی است که به بار آورده است. تصمیم درباره ایران در جایی غیر از تهران گرفته نمی‌شود. بقایی در واکنش به استفاده ترامپ از عکس کنفرانس تهران و کنفرانس یالتا و محو شدن اروپا گفت: اروپا از تصویر محو نشده، شاید عکاس داستان بوده است. از نشستن آن شیوه در تهران تا ایستادن به این شکل در چین، به این معناست که به احترام قدرت ایران ایستادند.

مردم ایران با تهدیدات آمریکا از میهن خود دست نمی‌کشند

وی در واکنش به اظهارات ترامپ درباره غرق شدن نفتکش‌های ایران و تهدید به حمله گفت: تهدیدهای آمریکا امر جدیدی نیست و ۵۰ سال است با این تهدیدات مواجهیم. در دوره جدید هم هر روز تهدید می‌کنند. مردم ایران قرار نیست با این تهدیدات از میهن و حقوق خود دست بکشند. می‌دانیم ما برحق هستیم. وی در پاسخ به سوالی درباره اظهارات جی دی ونس، معاون ترامپ مبنی بر نداشتن سلاح هسته‌ای توسط ایران و همچنین تهدید دانستن ایران گفت: نعل وارونه است، مدام در تناقض‌گویی از همدیگر سبقت می‌گیرند و با هم هماهنگ نیستند. اینکه بگوییم اگر ایران از فلان سلاح برخوردار بود چه می‌کرد، سفسطه شرورانه است. ایران از خودش دفاع می‌کند و قبل از ۹ اسفند هیچ اقدامی را علیه هیچ کشوری انجام نداده بودیم. این نوعی فرار از پاسخگویی به مردم خودشان است که چرا چنین جنگی را آغاز کردند. این حرف‌ها ادامه همان دروغی است که ۳۰ سال است تکرار می‌کنند. شما داستان دروغ سلاح هسته‌ای را می‌بینید؛ نتوانستند افکار عمومی خودشان را راضی کنند؛ الان هم رو به دروغ بمب کثیف آورده‌اند. اینها دست و پا زدن بی‌فایده برای توجیه اقدامی تجاوزکارانه است که هیچ دلیلی نداشت. بقایی درباره محاصره دریایی ایران و واکنش کشورمان به آن گفت: ما قطعا تحمل نمی‌کنیم و از هر ابزاری برای مقابله با تعرضات آمریکا استفاده می‌کنیم. آنچه تحت عنوان محاصره اقتصادی و دریایی مطرح شده مصداق جنایت علیه ایران است. تحریم‌هایی که در این چند مدت وضع کردند نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد است. محاصره دریایی به کیفیتی که آمریکا اعلام می‌کند به مثابه تجاوز نظامی است و ایران محق است از هر ابزاری برای دفاع از خود استفاده کند. ترکیبی از تدابیر نظامی، سیاسی و دیپلماتیک برای فائق آمدن بر محاصره دریایی مدنظر است و حتما درباره آن بحث و اقدام می‌شود.



نوروزپور، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

رسانه‌های داخلی در مقابل جنگ شناختی دشمن ایستادند

۸۲۰۹ اثر؛ از قاب نوجوانان تا میدان عکاسان



دبیر جشنواره عکس ملی «روایت میدان» از مشارکت گسترده دانش‌آموزان و عکاسان خبر داد؛ اختتامیه این رویداد در کوشک هنر عباس آباد برگزار می‌شود.

مهدی توکلیان، دبیر جشنواره عکس ملی «روایت میدان»، از بررسی مجموع ۸۲۰۹ اثر در بخش‌های دانش‌آموزی و مردمی این رویداد خبر داد؛ آماری که از کنار هم قرارگرفتن ۶۵۰۷ اثر بخش «روایت تصویر» پویش دانش‌آموزی و ۱۷۰۲ اثر بخش جشنواره به دست آمده است. آثار ۱۴۷ عکاس در بخش جشنواره به داوری نهایی رسید.

به گزارش دبیرخانه جشنواره، پویش ملی دانش‌آموزی «نو+راوی باید برخاست» با هدف ثبت روایت نوجوانان و جوانان از مراسم وداع، تشییع و تدفین قائد شهید امت و با بهره‌گیری از ظرفیت دانش‌آموز خبرنگاران و نوجوانان روایتگر سراسر کشور طراحی و اجرا شد. این پویش تلاش داشت زمینه مشارکت فعال نوجوانان را در تولید و انتشار روایت‌های مردمی در قالب‌های گوناگون رسانه‌ای فراهم کند.

مشارکت بیش از ۲۷ هزار دانش‌آموز در پویش

توکلیان با اشاره به گستره مشارکت در پویش گفت: «بیش از ۲۷ هزار و ۶۱۰ دانش‌آموز در بستر مجازی پویش مشارکت کردند و ۲۱ هزار و ۸۲۸ فعالیت در محورهای مختلف به ثبت رسید.» در بخش «روایت تصویر» پویش، ۶۵۰۷ اثر از سراسر کشور به دبیرخانه ارسال شد. پس از داوری در سطح استان‌ها، ۲۶۲ عکس به مرحله داوری کشوری راه یافت و آثار برای انتخاب پنج اثر برتر مورد بررسی تخصصی قرار گرفتند. این مجموعه در قالب دو عنوان «عکاسی نوجوانان از بدرقه آقای شهید» و «نوجوانان در بدرقه آقای شهید» ارائه شده است.

داوری نهایی ۱۷۰۲ اثر از ۱۴۷ عکاس

در بخش جشنواره عکس «روایت میدان» نیز ۱۷۰۲ اثر از ۱۴۷ عکاس به داوری نهایی رسید. داوری آثار و اصله به دبیرخانه با حضور استادان آقایان دکتر مهدی رحیمیان، رسول اولیازاده، اسماعیل داوری، حسین حیدری، مهدی عرفاتی، محمد آقاسی، رئوف محسنی و مهدی توکلیان انجام شد و آثار برگزیده در بخش‌های مختلف مشخص شدند.

آثار ۳۸ هنرمند در نمایشگاه روایت میدان

آثار ۳۸ شرکت‌کننده نیز در نمایشگاه «روایت میدان» به نمایش درمی‌آید: احمد تاجی، امیر قیومی، بهاره اسماعیل بیگی، بیژن عرب عامری، پژمان رضایی، حسین خسروی، حسین یاراحدی، حمیدرضا حمزه پور، زهرا پیاده‌کوهسار، سپیده اعلائی‌فرد، سعید نیکپور، سیدجواد میرحسینی، صالح کیانی، علی آبک، علی انوار، علیرضا مختاری، فاطمه علیپور، فاطمه هادی‌پور، فرشته قربانی، فریبا خواتین زاده، قدیر وقاری، لیلا دلاوری، مبینا عیدانی، محمد آهنگر، محمدجواد مشهدی، محمدحسن غضنفری، محمدرضا دهداری، مرتضی بهنام، مرتضی صالحی، مریم آقائی، مریم شهاب زاده، مسعود معصومی‌نیک‌قلب، مصطفی پورتیمو، مهدی نصیری، مهدی ماهری، معصومه بختیاری، مهشید رجبی و هادی دهقان‌پور.

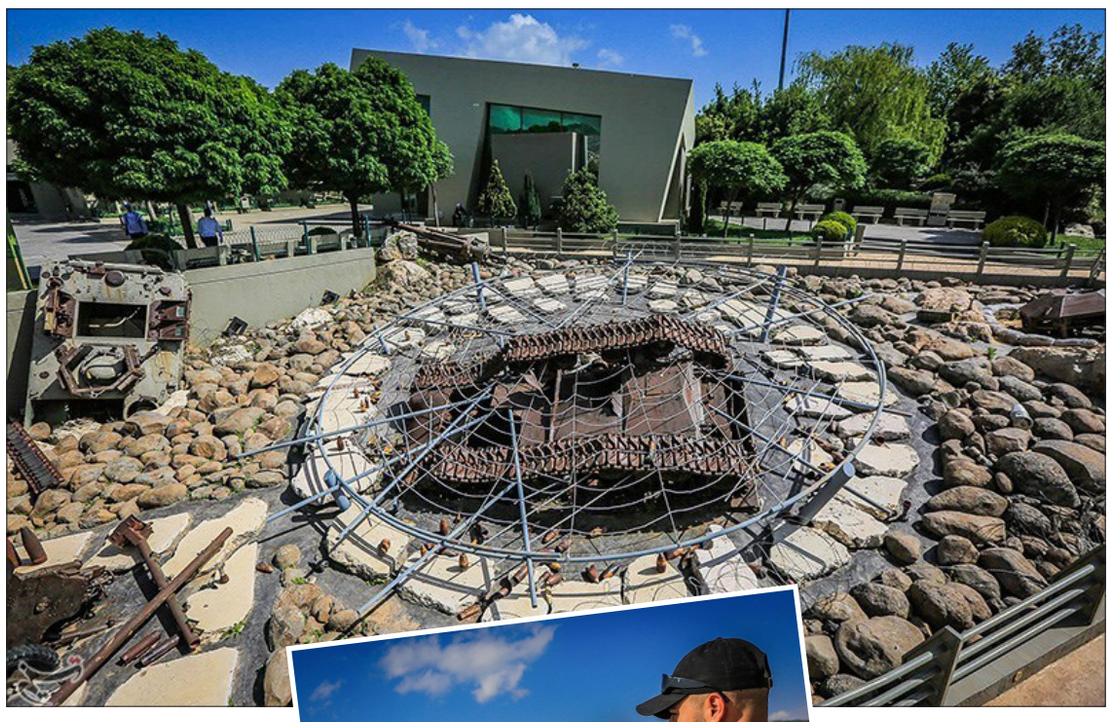
در نمایشگاه، افزون بر آثار برگزیده و راه‌یافته به داوری نهایی، آثاری از استادان و عکاسان خبرگزاری‌ها نیز ارائه می‌شود. همچنین مجموعه‌ای از آثار هنرمندان عراقی در بخش بین‌الملل به نمایش درمی‌آید.

اختتامیه دی در کوشک هنر عباس آباد

آیین اختتامیه جشنواره ملی عکس «روایت میدان» دی در کوشک هنر عباس آباد برگزار خواهد شد. کتاب «روایت میدان» نیز در ویژه برنامه‌های سالگرد شهادت آقای شهید ایران که در شرکت نوسازی عباس آباد برگزار می‌شود، رونمایی خواهد شد.

لایه‌های پنهان زیست‌بوم فرهنگی و اجتماعی مقاومت لبنان (۵)

معماری صخره و معنا





مرضیه کیان، خبرنگار گروه فرهنگ- در ارتفاع بیش از هزار متری کوهستان‌های سرسبز «اقلیم التفاح» در جنوب لبنان، خط فاصل میان میدان نبرد، معماری منظر و هنر مفهومی معاصر محو شده است. «ملیتا»، پایگاه سری و غیرقابل نفوذی که سال‌ها خط مقدم آتشباران میان رزمندگان مقاومت و ارتش اشغالگر بود، پس از آزادسازی به یک پدیده شگفت‌انگیز زیباشناختی بدل شد؛ نخستین پارک موزه جنگی روباز در جهان عرب که خاطره‌نگاری دفاعی را از قالب کلیشه‌ای ویترین‌های خاک‌گرفته موزه‌های کلاسیک بیرون کشید و در قالب چیدمان هنر محیطی بازتعریف کرد. جایی که لوله‌های تاب‌خورده تانک‌های مرکاوا در گودالی نمادین موسوم به «مغاک»، غارهای دستکند با تیشه رزمندگان و مسیرهای پیاده‌روی سنگی در میان درختان بلوط، پای گردشگران کنجکاو و غربی، سفرای خارجی و نخبگان هنر معاصر را به عمق جغرافیای مقاومت کشانده است تا شکست اسطوره نظامی‌گری را در آینه فرم و فضا به تماشا بنشینند.

جاده‌ای که از صیدا و نبطیه به سمت بلندی‌های اقلیم التفاح مارپیچ می‌خورد، مسافر را از میان دره‌های عمیق و باغ‌های زیتون عبور می‌دهد تا ناگهان در ارتفاعات صخره‌ای، تابلویی ساده پیش چشم پدیدار شود: «معلم ملیتا للسیاحه الجهادیه؛ ملیتا؛ یادمان مقاومت». برای هر رهگذری که تصوری سنتی از یادمان‌های جنگی خاورمیانه دارد، این نام ممکن است تداعی‌کننده چند توپ زنگ‌زده روی پایه‌های سیمانی یا مجسمه‌های برنزی بی‌روح باشد. اما عبور از ورودی شیشه‌ای و مینیمال مجموعه، تمام پیش‌فرض‌های ناظر را فرو می‌ریزد.

اینجا ملیتاست؛ نقطه‌ای به وسعت ۶۰ هزار متر مربع بر فراز قله‌ای مه‌آلود که در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۰، نبض تپنده و دژتسخیرناپذیر مقاومت در برابر کمربند امنیتی اشغالگران بود. جنگنده‌های صهیونیستی طی دو دهه صدها تن بمب و راکت بر این سنگلاخ‌ها فروریختند تا راهی به درون آن بیابند، اما ناکام ماندند. امروز اما همان پناهگاه‌های زیرزمینی و شکاف‌های صخره‌ای، نه با خشونت جنگ، بلکه با ظرافت خارق‌العاده معماری منظر و کیوریتوری مدرن موزه‌داری احیا شده‌اند؛ موزه‌ای که زمین و طبیعت را به عنوان رسانه بیانی خود برگزیده است.

طنین صدای نصرالله در تالار رسانه‌ها

داستان دگردیسی ملیتا از یک دژ نظامی به شاهکار هنر محیطی، در ۲۵ مه ۲۰۱۰ و همزمان با دهمین سالگرد جشن آزادسازی جنوب لبنان به اوج رسید. رسانه‌های جهان در تالار مدرن این مجموعه گرد هم آمده بودند تا شاهد رونمایی رسمی از این پارک موزه روباز باشند. روی پرده عریض سالن همایش، چهره شهید سیدحسن نصرالله نقش بست. سخنرانی او مانیفست بنیادین این پروژه بود؛ او با صدایی رسا و تاکید بر جاودانگی تجارب مردمی گفت: «امیدواریم این پروژه گامی مبارک در جهت ثبت تاریخ قهرمانی‌های مقاومت باشد؛ تا این تجربه افتخارآمیز به حافظه جمعی نسل‌ها سپرده شود و آنان بدانند چگونه اراده انسانی بر برتری ماشین‌های جنگی غلبه کرد.»

این سخنان نشان داد که مقاومت از نبرد سخت نظامی عبور کرده و وارد کارزار ثبت روایت در برابر تحریف شده است. ملیتا قرار نبود یک پادگان تبلیغاتی باشد؛ طراحی آن باید به گونه‌ای پیش می‌رفت که زبان جهانی هنر را به خدمت بگیرد؛ زبانی که حتی دشمن یا ناظر بی‌طرف بین‌المللی نیز در برابر ساختار بصری و منطق نمادین آن ناگزیر از تامل شود.

شاهکار هنر مفهومی؛ سقوط در «الهاویه»

قلب تپنده موزه و مشهورترین اثر کانسپچوال آن، بخشی است با نام «الهاویه» (مغاک یا The Abyss). این بخش یک محوطه گودال‌مانند عظیم به وسعت بیش از سه هزار متر مربع است که با الهام از تئوری‌های هنر چیدمان معاصر و هنر زمینی طراحی شده است. در مرکز این گودال، غنائم واقعی ارتش اسرائیل چیده شده‌اند، اما نه به شیوه مرسوم غنیمت نمایی. تانک‌های غول‌پیکر مرکاوا، خودروهای زرهی، موشک‌اندازها و کلاه‌خودهای نظامیان، واژگون، نیمه مدفون در سنگ و درهم پیچیده شده‌اند. مشهورترین المان این بخش، لوله سنگین یک تانک پیشرفته مرکاوای ۴ است که توسط هنرمندان معمار به شکل یک «گره» کور خم شده و روی آن واژه عبری «تنزیل شرف» حک شده است؛ بیانی کنایی و بصری از عقیم شدن فناوری مدرن نظامی. اطراف این گودال، با آرماتورها و حروف غول‌پیکر فولادی جمله مشهور «اسرائیل سقطت» و آیاتی که سستی قدرت مادی را به «خانه عنکبوت» تشبیه می‌کنند، در فرمی انتزاعی تنیده شده‌اند. بازدیدکننده‌ای که برفراز دیواره بتنی این مغاک می‌ایستد، با چشمان خود تحقیر ماشین جنگی را لمس می‌کند؛ نه از دریچه یک بیانیه حزبی، بلکه از قاب یک استعاره معمارانه جسورانه.

گذرگاه رزمندگان و سکوت بلوط‌ها

از هیاهوی تندیس‌های مغاک که بگذرید، موزه وارد فاز بیولوژیک و طبیعی خود می‌شود: «المسار» یا گذرگاه عملیاتی. طراحان موزه با هوشمندی بی‌نظیر، ساختار وحشی و جنگلی صخره‌ها را دست‌نخورده باقی گذاشته‌اند. یک مسیر سنگ‌فرش باریک، در میان درختان کهنسال بلوط و صخره‌های شیب‌دار، بازدیدکننده را به پیش می‌برد. در حاشیه این مسیر، صحنه‌های واقعی جنگ بازسازی شده‌اند: پایگاه‌های پرتاب موشک گراد پنهان شده زیر شاخ‌وبرگ‌ها، سنگرهای دیده‌بانی با گونی‌های شنی استتارشده و مجسمه‌های مومی دقیق از رزمندگانی که در حال انتقال برانکارد مجروح یا قرائت قرآن در زاویه‌ای از کوهستان هستند.

مسیر به ورودی یک دهانه صخره‌ای منتهی می‌شود: «المغاره» (غار دست‌کند). این غار نه حاصل فرسایش طبیعی، بلکه حفر دالان‌هایی به طول نزدیک به ۱۰۰۰ متر در دل کوه خارا به دست خود نیروهای مقاومت طی سه سال مداوم است؛ آن هم تنها با تیشه، چکش و بدون استفاده از دینامیت تا صدای انفجار موقعیت پایگاه را لو ندهد. امروز این دالان مجهز به نورپردازی مخفی، تهویه ملایم و کف‌پوش مناسب است، اما دیواره‌های خراشیده شده سنگ‌ها هنوز رد تیشه‌های مقاومت را بر خود دارند. درون غار، اتاق فرماندهی میدانی، سنگر نماز، سامانه بیسیم، انبار مهمات و آشپزخانه قرار دارند؛ جایی که شهید عماد مغنیه و دیگر فرماندهان ارشد، زیر شدیدترین آتشبارهای استراتژی‌های زمینگیرکردن دشمن را طراحی می‌کردند.

تجربه خروج از تاریکی خنک غار به سمت پرتگاه نورگیر قله، برای هر توریستی تجربه‌ای از رهایی و رستگاری پس از سال‌ها حبس و استقامت را خلق می‌کند.

گردشگری جهادی در قاب رسانه‌های غرب

یکی از ویژگی‌های متمایزکننده ملیتا نسبت به هر موزه دیگر در خاورمیانه، دایره شگفت‌انگیز مخاطبان آن است. این مکان سالانه پذیرای صدها هزار نفر از طیف‌های ناهمگون است؛ از خانواده‌های شهدا و طلاب دینی گرفته تا جوانان با پوشش‌های کاملا امروزی بیروت، خانواده‌های مسیحی و دروزی و حتی وزرا و شخصیت‌های سیاسی ارشد طوایف گوناگون لبنان.

اما پدیده‌ای که رسانه‌های غربی نظیر نیویورک‌تایمز، بی‌بی‌سی و اشپیگل را شگفت‌زده کرد و آنها را واداشت تا اصطلاح گردشگری جهادی را خلق کنند، حضور پرشمار گردشگران اروپایی، پژوهشگران علوم سیاسی و حتی دیپلمات‌ها و سفرای خارجی در ملیتاست. تورلیدرهای ملیتا، نیروهای جوان و مسلط به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی هستند؛ جوانانی که بسیاری از آنها سابقه حضور میدانی دارند و با استانداردهای علمی تشریفات، تاریخچه مواضع را برای خبرنگاران فرانسوی، آلمانی یا ایتالیایی واکاوی می‌کنند. یک خبرنگار غربی در ملیتا نه با شعارزدگی معمول کشورهای جهان سوم، بلکه با یک دایره‌المعارف زنده و مستند از نقشه‌ها، ادوات ضبط‌شده و تاریخ نگاشته‌شده بر سنگ مواجه می‌شود؛ مواجهه‌ای که روایت یک‌سویه لابی‌های صهیونیستی درباره مقاومت را در ذهن ناظر بین‌المللی ترک می‌اندازد.

چشم‌انداز بازدارندگی از «الشرفه»

در بالاترین نقطه موزه، سازه‌ای مدرن و اکسپوز به نام «الشرفه» (تراس یا بالکن دیده‌بانی) طراحی شده است. این تراس بتنی با لبه‌های شیشه‌ای، برفراز دره‌های عمیق جنوب معلق است. وقتی بازدیدکننده بر لبه این سکو می‌ایستد، با زاویه دید ۳۶۰ درجه، چشم‌اندازی پانورامیک از تمام سرزمین‌های اشغالی، بلندی‌های جولان، رشته‌کوه‌های جلیل و پایگاه‌های ارتش اسرائیل در آن سوی مرز را پیش چشم می‌بینند.

کنار نرده‌ها، دوربین‌های چشمی نظامی با وضوح بالا تعبیه شده‌اند که پایگاه‌های جاسوسی و خطوط مرزی متجاوزان را از فاصله‌ای چند کیلومتری بزرگ‌نمایی می‌کنند. در این نقطه، هنر معماری با روان‌شناسی قدرت گره می‌خورد؛ بیننده‌ای که دقایقی پیش در تاریکی غارهای زیرزمینی تاریخ مقاومت را مرور کرده، حالا بر فراز بلندترین صخره ایستاده و چشم در چشم خطوط دشمن دوخته است. این چیدمان فضایی به شکلی ناخودآگاه حس سیطره، اشراف استراتژیک و امید به پیروزی نهایی را در ضمیر هر بیننده‌ای بازتولید می‌کند.

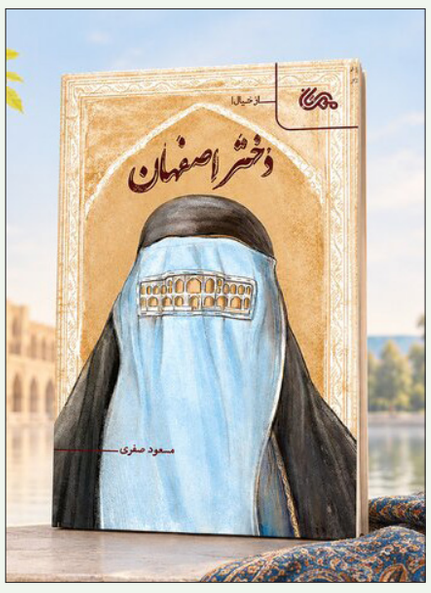
ملیتا؛ مانیفست سنگی فرهنگی

پارک موزه ملیتا اثبات کرد که مقاومت اسلامی در لبنان سال‌هاست دوران اکتفا به پیام‌های صوتی و اعلامیه‌های کاغذی را پشت سر گذاشته است. آنها با ملیتا نشان دادند که چگونه می‌توان کوه، بلوط، سنگ خارا، آهن‌پاره‌های جنگی و غارهای چریکی را وارد یک گفت‌وگو با معماری لندا سکیپ و هنر مفهومی معاصر کرد.

ملیتا خاکریز دیروز را به فرهنگستان بصری امروز تبدیل کرده است؛ اثری ماندگار که بر فراز ابرها ایستاده تا با زبان سنگ و خاک به تمام مسافران شرق و غرب یادآوری کند: سرزمینی که مردمانش هنر شهادت را با هنر فرم و فضا پیوند می‌زنند، هرگز مغلوب آهن و باروت نخواهد شد. این موزه، تندیسی ماندگار از روح ملتی است که صخره‌هایش را هم به سخن گفتن واداشته است.

مروری بر رمان «دختر اصفهان» نوشته مسعود صفری

پل خواجو چه رازی را در سینه پنهان کرده است؟



اصفهان را نمی‌توان تنها در بناهای تاریخی، گنبدهای فیروزه‌ای، میدان‌های باشکوه و پل‌هایی که برزاینده‌رود تکیه زده‌اند، خلاصه کرد. این شهر، حافظه‌ای زنده از تاریخ، فرهنگ و زندگی مردمانی است که در گذر قرن‌ها، برای ساختن و حفظ آن تلاش کرده‌اند. هر گوشه اصفهان می‌تواند راوی قصه‌ای از عشق، رنج، شکوه و ایستادگی باشد؛ قصه‌هایی که گاه در دل سنگ‌ها و آجرها پنهان مانده‌اند و گاه در حافظه نسل‌هایی که میراث شهر را از گذشته به آینده رسانده‌اند. رمان «دختر اصفهان» نوشته مسعود صفری، با بهره‌گیری از همین پیوند میان تاریخ و هویت شهری، مخاطب را به اصفهان دوران قاجار می‌برد؛ شهری که در کنار زیبایی‌های چشم‌نوازش، روزگار دشواری را زیر سایه استبداد سپری می‌کرد. این رمان به مناسبت روز اصفهان، فرصتی برای بازخوانی بخشی از هویت تاریخی این شهر از دریچه ادبیات داستانی است. صفری در این اثر، داستانی عاشقانه را با روایتی تاریخی درهم می‌آمیزد و از خلال زندگی دو شخصیت جوان، مریم و جعفر، به سراغ موضوعاتی چون میراث معماری، تعلق به زادگاه و مسئولیت نسل‌ها در برابر گذشته می‌رود. در این روایت، اصفهان صرفا محل وقوع حوادث نیست؛ بلکه خود به یکی از شخصیت‌های اصلی داستان تبدیل می‌شود؛ شهری که سرنوشت آدم‌هایش با سرنوشت بناها و یادگارهای تاریخی آن گره خورده است.

رازی که در سنگ‌های پل خواجو جا ماند

داستان «دختر اصفهان» از یک راز تاریخی آغاز می‌شود؛ رازی که ریشه‌های آن به سال‌ها پس از حمله مغول بازمی‌گردد. در پی آن هجوم، خاندانی از معماران بزرگ پراکنده می‌شوند، اما وصیتی میان نسل‌های این خاندان باقی می‌ماند: بازساختن اصفهان. این تعهد خانوادگی، تنها یک یادگار شفاهی نیست؛ نشانه‌هایی از آن در قالب خطوط و سنگ‌نشان‌هایی اسرارآمیز بر پایه‌های پل خواجو به جا مانده است.

این علامت‌ها در نگاه مردم عادی، چیزی جز امضای ساده کارگران نیستند، اما در جهان داستان، معنایی عمیق‌تر دارند و به نشانه‌ای از پیوندی تاریخی و مسئولیتی موروثی تبدیل می‌شوند. انتخاب پل خواجو به عنوان یکی از کانون‌های اصلی روایت نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ بنایی که در حافظه تاریخی اصفهان جایگاهی برجسته دارد و در این رمان، علاوه بر ارزش معماری، حامل نشانه‌هایی از هویت و گذشته یک خاندان است. صفری با قرار دادن این راز در نقطه آغاز داستان، از همان ابتدا مخاطب را با پرسشی روبه‌رو می‌کند: آیا آنچه از گذشته باقی مانده، صرفا یادگاری از روزگاران سپری شده است یا تعهدی که هنوز بر دوش نسل‌های بعدی سنگینی می‌کند؟ این پرسش، در ادامه روایت و با ورود شخصیت‌های اصلی، ابعاد تازه‌ای پیدا می‌کند.

دیداری که سرنوشت مریم و جعفر را تغییر می‌دهد

سال‌ها پس از شکل‌گیری آن وصیت تاریخی، در دوران قاجار، مریم، دختر جوان اصفهانی، در مسیر کشف نشانه‌های باقی‌مانده بر پایه‌های پل خواجو با جعفر، پسرعموی گمشده‌اش، روبه‌رو می‌شود. این دیدار، نقطه آغاز رابطه‌ای عاشقانه است؛ رابطه‌ای که به تدریج از یک احساس شخصی فراتر می‌رود و با سرنوشت شهر و میراث خانوادگی آنان پیوند می‌خورد. مریم و جعفر در شرایطی به یکدیگر می‌رسند که اصفهان روزهای آرامی را پشت سر نمی‌گذارد. فضای سیاسی و اجتماعی شهر، زیر تاثیر حکومت ظل‌السلطان، با فشار و ناامنی همراه است. در چنین شرایطی، عشق این دو شخصیت نیز از گزند تحولات بیرونی در امان نمی‌ماند. آنچه در ابتدا می‌توانست داستانی درباره پیوند دوباره دو عضو یک خاندان و شکل‌گیری عشقی جوانانه باشد، به تدریج درگیر بحرانی بزرگ‌تر می‌شود؛ بحرانی که پای سرنوشت بناهای تاریخی و آینده شهر را به میان می‌کشد.

وقتی عشق به دفاع از میراث شهر گره می‌خورد

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف داستان، انتشار خبر نقشه ظل‌السلطان برای تخریب پل‌های باشکوه اصفهان است. این تصمیم، تهدیدی جدی برای بخشی از هویت تاریخی شهر به شمار می‌رود و شخصیت‌های داستان را در موقعیتی دشوار قرار می‌دهد. همزمان، جعفر تبعید می‌شود و مریم با بحرانی روبه‌رو می‌شود که دیگر تنها به زندگی شخصی او محدود نیست.

در این مرحله، شخصیت مریم دستخوش تحول می‌شود. او که پیشتر درگیر کشف رازهای خانوادگی و رابطه عاطفی خود با جعفر بود، اکنون باید برای دفاع از چیزی فراتر از خواسته‌های فردی‌اش تلاش کند. خطر نابودی پل‌های تاریخی، او را در برابر انتخابی مهم قرار می‌دهد؛ بی‌تفاوت ماندن در برابر آنچه در حال وقوع است یا پذیرفتن مسئولیتی که از گذشته به نسل او رسیده است.

از این منظر، «دختر اصفهان» تنها یک رمان عاشقانه نیست، بلکه داستانی درباره ایستادگی در برابر استبداد و تلاش برای حفظ میراث فرهنگی است. عشق در این اثر، نیرویی برای عبور از موانع و مواجهه با دشواری‌هاست؛ احساسی که در پیوند با تعلق به شهر و تاریخ آن، معنایی گسترده‌تر پیدا می‌کند. مریم برای دفاع از عشق خود، ناگزیر است از میراثی نیز دفاع کند که بخشی از هویت او و مردم شهرش را شکل می‌دهد.

اصفهان؛ شهری که در دل داستان نفس می‌کشد

یکی از ویژگی‌های قابل توجه رمان، توجه به جغرافیا و فضای تاریخی اصفهان است. مکان‌هایی مانند پل خواجو و چهارباغ در روایت حضور دارند و به فضاسازی داستان کمک می‌کنند. این مکان‌ها صرفا پس‌زمینه‌ای برای رفت‌وآمد شخصیت‌ها نیستند؛ بلکه با حوادث و سرنوشت آنان ارتباط پیدا می‌کنند و به روایت هویت مکانی می‌بخشند.

صفری با استفاده از عناصر تاریخی و رازآلود، تلاش کرده است مخاطب را با تصویری از اصفهان در دوره‌ای پرآشوب آشنا کند. شهری که از یک سو یادآور شکوه معماری و تمدنی دیرپا است و از سوی دیگر، مردمانش با فشارهای سیاسی، ناامنی و خشونت دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در چنین فضایی، بناهای تاریخی فقط آثار به جامانده از گذشته نیستند، بلکه نشانه‌هایی از حافظه جمعی و تلاش نسل‌هایی هستند که برای ساختن و نگهداری شهر کوشیده‌اند.

همچنین اشاره به دوره‌های مختلف تاریخی و حضور نام‌هایی چون محمود افغان در بخشی از روایت، گستره زمانی و فضای پرتنش داستان را برجسته می‌کند. این ارجاعات، در کنار عناصر رازآلود، به شکل‌گیری روایتی کمک می‌کنند که گذشته و حال شخصیت‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد.

روایتی از گذشته برای بازاندیشی در هویت امروز

«دختر اصفهان» از خلال یک داستان عاشقانه، مخاطب را با پرسشی درباره نسبت انسان با زادگاه و میراث تاریخی‌اش مواجه می‌کند: حفظ یک شهر و هویت آن، تنها وظیفه نسل‌های گذشته است یا مسئولیتی که در هر دوره به نسل تازه منتقل می‌شود؟ وصیت خاندان معماران در داستان، نمادی از همین مسئولیت تاریخی است؛ تعهدی که با گذشت زمان از میان نمی‌رود و در لحظه‌های بحرانی دوباره خود را نشان می‌دهد.

انتخاب چنین روایتی برای معرفی اصفهان در روز این شهر نیز معنادار است. اصفهان، فراتر از مجموعه‌ای از بناهای تاریخی و جاذبه‌های گردشگری، حاصل قرن‌ها تلاش، خلاقیت و زندگی مردمانی است که آثارشان در معماری، فرهنگ و حافظه شهر باقی مانده است. ادبیات داستانی می‌تواند راهی برای نزدیک شدن به این میراث باشد؛ راهی که به جای ارائه اطلاعات صرف، مخاطب را درگیر سرنوشت آدم‌ها و مکان‌ها می‌کند.

مسعود صفری در رمان «دختر اصفهان» با کنار هم قرار دادن عشق، رازهای خانوادگی، تحولات سیاسی و دغدغه حفظ میراث معماری، روایتی شکل داده است که اصفهان را در مرکز توجه قرار می‌دهد. داستان مریم و جعفر، در بستری تاریخی پیش می‌رود و نشان می‌دهد چگونه سرنوشت فردی انسان‌ها می‌تواند با سرنوشت یک شهر و یادگارهای آن گره بخورد. این اثر برای مخاطبانی که به رمان‌های تاریخی، داستان‌های عاشقانه و روایت‌هایی با محوریت هویت شهری علاقه دارند، فرصتی فراهم می‌کند تا اصفهان را از زاویه‌ای داستانی و متفاوت ببینند؛ شهری که هر پل و هر بنای آن می‌تواند نشانی از یک قصه ناتمام باشد.



غلامرضا طریقی، معاون شعروادبیات داستانی خانه کتاب و ادبیات ایران:

محبوبیت امیرخانی به یک جریان خاص محدود نیست

سه‌شنبه/ ۳ آذر ۱۴۰۵/ شماره ۶۹۸



وداع با رضا امیرخانی؛ نویسنده‌ای که برای رمان معاصر فارسی مخاطب ساخت

مومن در هیچ چارچوبی نمی گنجد

زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: خبر درگذشت رضا امیرخانی، پس از حدود یک سال چشم‌انتظاری و نگرانی دوستدارانش، اندوهی سنگین بر فضای فرهنگی کشور نشاند و جای خالی یکی از تاثیرگذارترین صداهای داستان‌نویسی را عیان کرد. نام رضا امیرخانی که می‌آید، برای بسیاری تصویر صف‌های طولانی نمایشگاه کتاب، جهان پرتپش «من او» و «قیدار» و نثر وسواس‌گونه‌ای زنده می‌شود که در ادبیات معاصر ایران تکرار نشد. نویسنده‌ای که هم در متن جامعه زیست و هم در حاشیه‌اش چشم گرداند تا قصه‌های دیده نشده را روایت کند. اما پشت جلد کتاب‌ها، هیاهوی تیراژها و تحلیل‌های منتقدان، چهره واقعی یک نویسنده را کمتر می‌توان پیدا کرد؛ آدم‌ها را باید در خلوت رفاقت شناخت، در لحن تلفن‌های بی‌مقدمه و شوخی‌های میان جمع. برای نزدیک شدن به آن رضا امیرخانی که کمتر در کتاب‌ها ثبت شده، هیچ روایتی صادقانه‌تر از زبان یک رفیق نیست.

عباس حسین نژاد، طنزپرداز و مدیر دفتر طنز حوزه هنری، از جمله دوستان رضا امیرخانی بود که رفاقتش با این نویسنده، فراتر از آشنایی‌های معمول در محافل ادبی و فرهنگی شکل گرفته بود.

حسین نژاد در گفت‌وگو با خبرنگار «آگاه» در روایت خود از امیرخانی، بیش از آنکه بخواهد از شهرت و جایگاه ادبی او بگوید، تصویری از انسانی به دست می‌دهد که برای آدم‌ها وقت می‌گذاشت، دغدغه‌های‌شان را جدی می‌گرفت و در موقعیت‌های مختلف، حتی با یک تماس یا چند جمله راهگشا، می‌توانست دلگرمی و تکیه‌گاهی برای دوستانش باشد.

آنچه در خاطرات حسین‌نژاد از این دوستی بیش از همه به چشم می‌آید، همین وجه انسانی و کمتر گفته شده شخصیت امیرخانی است؛ نویسنده‌ای که در کنار جدیت و صراحتش در موضع‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی، شوخ‌طبعی و ظرافتی ویژه در معاشرت داشت. مرور این خاطرات فرصتی بود تا بار دیگر رد این رفاقت در خاطره‌ها یافت شود؛ رفاقتی که حالا با فقدان امیرخانی، رنگی از دلتنگی و حسرت گرفته است.

از آقای حسین‌نژاد پرسیدم مخاطبان رضا امیرخانی وقتی به مفهوم جوانمردی و صفت‌هایی از این دست فکر می‌کنند، معمولا به یاد شخصیت‌هایی مثل قیدار و شخصیت‌های کتاب «من او» می‌افتند. اما او در رفاقت و زندگی شخصی‌اش چه مصداقی از جوانمردی رضا امیرخانی دیده است که در یادداشتش از او با عنوان «جوانمرد قصه‌نویس» یاد کرده است؟

حسین نژاد در پاسخ گفت: «به نظر خودم، آنچه من از رضا امیرخانی دیدم، با آنچه دوستانی که کتاب‌هایش را می‌خوانند از او می‌شناسند، کمی متفاوت است. من آنچه در معاشرت با او دیدم و البته بسیار هم از دوستان مشترکمان شنیدم، می‌توانم تعریف کنم. ما در کنار سلام و احوال‌پرسی، دوستان مشترک بسیاری داشتیم و هر بار به بهانه‌ای نام رضا امیرخانی به میان می‌آمد که به نظرم یکی از ویژگی‌های به یادماندنی او دستگیری از دیگران بود.

البته دستگیری را فقط از زاویه مالی نمی‌گویم؛ من می‌خواهم به زاویه دیگری اشاره کنم؛ دستگیری در حوزه فرهنگ و هنر. اینکه بتوانی به رضا امیرخانی زنگ بزنی و بگویی آقا رضا، من این متن را نوشته‌ام، با آن چه کنم؟ این کتاب را آماده کرده‌ام، اسمش را چه بگذارم؟ به نظرت این‌طور باشد یا آن‌طور؟ رضا امیرخانی در چنین موقعیت‌هایی وارد می‌شد و مثل یک رفیق هزارساله راهنمایی می‌کرد.

حتی یادم هست که در کانالم مطلبی درباره «مکان جدید نشر پرنده» گذاشته بودم. آقا رضا درباره آن گفت: «تو این روزگار آدم همسایه خوب را از دست نمی‌دهد عباس‌آقا». چرا که او در انتخاب اینجا در کنار دوست مشترکمان موثر بود. رضا امیرخانی واقعا به فکر آدم‌ها بود و همین توجه به آدم‌ها بود که او را برای ما بزرگ می‌کرد.

این انسان شریف به چیزهایی توجه داشت که شاید در نگاه کلی جامعه چندان به چشم نیاید. او نویسنده‌ای بود که در شمار معدود نویسندگانی قرار می‌گرفت که مردم برای خرید کتابش صف می‌کشیدند و این اتفاق مهمی است. با این حال، چنین آدمی ممکن بود به یاد داشته باشد که عباس حسین‌نژاد شعری با عنوان «خاورمیانه» دارد و به جمله‌ای از آن شعر اشاره کند. نمی‌خواهم در اینجا وارد جزئیات آن شوم، اما آقای امیرخانی درباره آن شعر چیزی گفته بود که هنوز گرمای آن تمجید و لطفش در قلب من باقی مانده است. اینکه رضا امیرخانی شعر من را می‌شناخت و با آن ارتباط برقرار کرده بود، برایم بسیار ارزشمند بود. به نظرم اینها نشانه بزرگی آدم‌هاست؛ نشانه بزرگی خود اوست. این حرف را هم نه به این دلیل می‌زنم که حالا او را از دست داده‌ایم، بلکه واقعا چنین ویژگی‌هایی داشت.

حدود یک سال بود که نگران وضعیت رضا امیرخانی بودیم و با خودمان فکر می‌کردیم چه خواهد شد. در این مدت، اتفاقات بسیاری رخ داد و گاهی دوستانم با شوخی به این موضوع اشاره می‌کردند که اگر رضا امیرخانی حالا به هوش بیاید، چه باید به او بگوییم و چطور باید اتفاقات اخیر را برایش تعریف کنیم؟ سرعت اتفاقات خیلی بالا بود. این قدر اتفاقات مهیب و مختلفی که در این جامعه رخ داد، دستمایه شوخی‌های دوستان شده بود که می‌گفتند رضا امیرخانی اگر بیدار شود و از این حوادث باخبر شود، چه واکنشی نشان خواهد داد.

یادم هست نخستین بار زمانی با او در یک رسانه نوشتم که آقا رضا سردبیر وب‌سایتی به نام «لوح» در حوزه هنری بود در اوایل دهه ۸۰، من متنی برای او نوشتم و منتشر شد. این اتفاق برایم بسیار عجیب بود و باورم نمی‌شد که به این سادگی اتفاق افتاده، چون رضا امیرخانی از همان زمان هم نویسنده‌ای شناخته شده بود.



این انسان شریف به چیزهایی توجه داشت که شاید در نگاه کلی جامعه چندان به چشم نیاید. او نویسنده‌ای بود که در شمار معدود نویسندگانی قرار می‌گرفت که مردم برای خرید کتابش صف می‌کشیدند

یک بار یکی از شعرهایش را برایش خواندم. به من گفت: اینها چطور یادتان هست؟ آقای امیرخانی خودش هم شاعر بود. البته نمی‌دانم شعرهایش هیچ‌وقت در قالب کتاب منتشر شد یا نه، اما به هر حال رضا امیرخانی در کنار نویسندگی، شاعری هم کرده بود.

خدا رحمتش کند. ما «انسان» بسیار بزرگی را از دست دادیم. این دومین بار است که در ماه آذر یک دوست بزرگ را از دست می‌دهم. پیش از این، ابوالفضل زرویی نصرآباد را از دست داده بودم؛ دهم آذر ۱۳۹۷. حالا هم رضا امیرخانی را از دست داده‌ایم؛ به قول شاعر: «ابری آذاری که باید ببارد و ما هم جز گریه کاری بلد نیستیم.»

حسین نژاد در ادامه به ارتباط رضا امیرخانی با رهبر شهید اشاره کرد و گفت: «یکی از معتمدان ایشان در حوزه کتاب، آقا رضا امیرخانی بود. اگر می‌خواستید کتابی را به ایشان برسانید، می‌توانستید از طریق آقا رضا این کار را انجام دهید. رضا امیرخانی هیچ‌وقت، به‌رغم تندروی برخی دوستان و حمله مدعیان و اتفاقاتی از این دست، از اعتقاداتش کوتاه نیامد و بر باورهای خودش ایستاد و ماند. خدا رحمتش کند.»

سپس از او پرسیدم با توجه به اینکه سال‌ها در حوزه طنز فعالیت کرده و با رضا امیرخانی نیز رفاقت داشته است، روحیه شوخ‌طبعی او را چگونه می‌دیده است. یادآوری کردم که امیرخانی گاهی به شوخی می‌گفت فرمانده نیروی هوایی نویسندگان است و از او خواستم درباره وجه طنزپرداز شخصیتش صحبت کند.

حسین نژاد گفت: «به نظرم شوخ‌طبعی رضا امیرخانی آن‌طور که باید دیده نشده است. او هم شوخ‌طبع و طناز بود و هم شوخ‌طبعی و طنز را کاملا می‌فهمید. من امروز که به یاد او گفت‌وگوها و پیام‌هایمان را مرور کردم، دیدم که پایه بسیاری از این گفت‌وگوها شوخ‌طبعی بوده و در ارتباطمان همیشه رگه‌هایی از شوخی وجود داشت.

به نظرم رضا امیرخانی اگر اراده می‌کرد، می‌توانست طنزنویس بزرگی شود. ما معمولا طنزنویسی را از نویسندگی دشوارتر می‌دانیم، اما احساس من این است که این کار برای رضا امیرخانی دشوار نبود. نمی‌دانم این برداشت من تا چه اندازه درست است، اما واقعا فکر می‌کنم اگر می‌خواست، می‌توانست در طنزنویسی هم به جایگاه بزرگی برسد.»

از او درباره جای خالی رضا امیرخانی در ادبیات داستانی ایران پرسیدم. با توجه به اینکه خوانندگان او از جریان‌های فکری گوناگون بودند و آثارش در فضای فرهنگی جریان‌ساز و تاثیرگذار بود، پرسیدم فقدان چنین نویسنده‌ای چه تاثیری بر ادبیات داستانی ما خواهد گذاشت و آیا می‌توان امیدوار بود که نویسنده‌ای دیگر بتواند جای خالی او را پر کند؟

حسین نژاد در پاسخ گفت: «اینکه جای رضا امیرخانی خالی خواهد ماند، اصلا محل تردید نیست. بالاخره آدم باید بارقه‌هایی از حضور یک نویسنده در سطح او را احساس کند و این بارقه‌ها در حال حاضر چندان به چشم نمی‌آیند که بشود کسی شبیه رضا امیرخانی ظهور کند.

یک بحث، مقبولیت یک نویسنده است و بحث دیگر، توانایی نویسندگی او. این دو ویژگی در رضا امیرخانی با هم جمع شده بود. به نظرم ما در گیتی باید بسیار سختی بکشد تا چنین فرزندی را دوباره به دنیا بیاورد. البته استعدادها وجود دارند، پنهان‌اند و در میان ما هستند و شاید روزی ظهور کنند؛ این اتفاق اصلا بعید نیست. اما آنچه اکنون در سپهر داستانی کشور مشاهده می‌کنیم، نشان می‌دهد که نویسنده‌ای شبیه رضا امیرخانی به این سادگی‌ها ظهور نخواهد کرد.»

در انتهای گفت‌وگو از آقای حسین‌نژاد خواستم آخرین تصویری که از رضا امیرخانی در ذهن دارد را توصیف کند.

او گفت: «آخرین تصویری که از رضا امیرخانی دارم، مربوط به همین کمتر از یک سال اخیر است. برای دیدار و عیادت به ملاقاتش رفتم. البته سعی می‌کردیم مزاحم نشویم. البته وقتی به آخرین تصویر فکر می‌کنم، متاسفانه نخستین چیزی که به ذهنم می‌آید، تصویر تخت و خانه و وضعیت جسمانی اوست. اما دلم می‌خواهد تصویر خوشایندتری از او به یاد بیاورم.

یک بار عکسی از در زیبای یک امامزاده در تبریز منتشر کرده بودم؛ دری باز با نمای آجری بسیار زیبا. آقای امیرخانی برایم جمله‌ای نوشته بود که هنوز به خاطر دارم: «دارید می‌آیید توی اعتیاد ما.» یعنی تو هم مثل من داری به دیدن این صحنه‌ها معتاد می‌شوی. می‌گفت انگار تو هم مثل ما به دیدن چنین منظره‌هایی عادت کرده‌ای.»

پس از آن، درباره برخی وجوه کمتر گفته شده شخصیت و زندگی حرفه‌ای رضا امیرخانی صحبت کردیم. حسین نژاد تاکید کرد که فارغ از نکاتی که تا آنجا درباره او گفته، مسئله دیگری هم وجود دارد: «استقلالی که رضا امیرخانی داشت باعث می‌شد راحت‌تر حرفش را بزند. در موضع‌گیری‌هایش، چه در مسائل سیاسی و چه در موضوعات مذهبی، ابایی نداشت که موضع خودش را بیان کند و به نظرم این کار واقعا دشواری است. ساده‌ترین انتخاب برای آدم این است که محافظه‌کاری کند، چیزی نگوید و موضعش را پنهان نگه دارد؛ نگوید به چه چیزی فکر می‌کند یا در کدام سمت ایستاده است. اما رضا امیرخانی این‌طور نبود و نظرش را بیان می‌کرد. این ویژگی برای من و بسیاری از دوستانم بسیار لذت‌بخش بود. در آخر هم بگویم تلاوت قرآن او با صدای بلند بر سر مزار «لئو تولستوی» نویسنده شهیر روس، جان مرا خوش کرد این بچه انقلاب و رفیق امام حسینی ما؛ کسی که هیچ‌گاه دستش از دامن قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام جدا نشد.»

■■■

خلبان واژه‌ها؛ برای نویسنده‌ای که به سایه پناه نبرد

قصه رضا امیرخانی از کوچه‌های تهران دهه ۵۰ و ۶۰ آغاز شد؛ از کودکی و نوجوانی پسری که میان تب‌وتاب سال‌های جنگ قد کشید و خیلی زود، در آستانه ۲۰ سالگی، با نوشتن «ارمیا» نشان داد راهش از مسیرهای معمول و تکراری جداست. آن استقلال و جسارت سال‌های اول، تا دوران پختگی هم هرگز رهایش نکرد. در روزگاری که بسیاری ترجیح می‌دهند پشت جملات خنثی و لبخندهای بی‌هزینه پنهان شوند، امیرخانی ایستادن در میدان دید را انتخاب کرد؛ حتی وقتی می‌دانست از دو سو هدف نقد و طعنه قرار می‌گیرد. او نه در قاب‌های از پیش ساخته جا می‌گرفت و نه حاضر بود برای خوشایند این محفل و آن جریان، لحن خودش را عوض کند. همین صراحت بود که به کلماتش وزن می‌داد؛ خواننده حس می‌کرد پشت هر سطر، آدمی واقعی با تردیدها، غیرت‌ها و دغدغه‌های ملموس ایستاده است، نه یک چهره رسانه‌ای توکشیده.

نسبت رضا امیرخانی با دنیای ادبیات هم از همین جنس متفاوت بود. او برخلاف کلیشه رایج نویسنده کافه‌نشین، با نظم یک مهندس مکانیک و چشم‌انداز یک خلبان گلایدر به داستان نگاه می‌کرد. وسواس مشهورش روی نیم فاصله‌ها، ویرایش، انتخاب کاغذ و حتی ضرباهنگ جملات، ادا و اطوار روشنفکری نبود؛ مهندسی دقیق کلمه بود تا متن هیچ وزن اضافه‌ای حمل نکند و در ذهن مخاطب اوج بگیرد. امیرخانی دیوار نامرئی میان «ادبیات جدی» و «ادبیات پرمخاطب» را شکست. او کاری کرد که کتاب داستان دوباره به سبد زندگی مردم برگردد و از دانشجو و پژوهشگر تا کاسب و...، خودشان را در آینه روایت‌هایش پیدا کنند. او قصه را فقط در کتابخانه نمی‌جست؛ کوله‌اش را می‌بست و از سیستان تا کابل می‌رفت تا نثرش بوی خاک، سفر و تجربه زیسته بدهد.

پیوند کتاب و اعتماد؛ از خلوت ادبیات تا محضر رهبر شهید

همین ترکیب کمیاب از دغدغه‌مندی، دانش ادبی و شجاعت در بیان، پیوند او را با رهبر شهید نیز از جنس ارتباط‌های مرسوم و تشریفاتی جدا می‌کرد. در میان اهالی فرهنگ، کم نیستند کسانی که یا فاصله می‌گیرند یا در سایه تعارف‌ها گم می‌شوند اما رضا امیرخانی با زبان کتاب و ادب وارد این حلقه شد و همان‌جا نیز بر عهد صداقتش ماند. او در این همراهی، صدای بی‌واسطه و صریح اهالی قلم بود؛ نویسنده‌ای که دغدغه‌های واقعی فرهنگ و جامعه را بی‌تکلف و دلسوزانه در میان می‌گذاشت. ریشه این انس و اعتماد، در عشق مشترک به زبان فارسی، قصه و سرنوشت این سرزمین بود؛ پیوندی که در آن، ادب و ارادت مانع پرسشگری نمی‌شد و تلخی برخی هجمه‌ها و تندروی‌ها هم رشته‌اش را پاره نکرد. امروز که دیگر نه آن خواننده نکته‌سنج کتاب‌ها در میان ماست و نه این نویسنده جوانمرد، مرور آن خاطرات، طعم حسرتی دوچندان دارد.

جای خالی یک صدا در سپهر داستان

سختی باور نبودن رضا امیرخانی فقط از سر حسرت رمان‌هایی نیست که دیگر نوشته نمی‌شوند؛ از سر جای خالی حضوری است که پر نمی‌شود. او برای نسل‌های متوالی از نویسندگان جوان، حکم آن برادر بزرگ‌تر و تکیه‌گاه بی‌ادعایی را داشت که بی‌هیچ فاصله و تشریفاتی، پای دغدغه‌های‌شان می‌نشست و با حوصله و بی‌منت راه را نشان می‌داد. امیرخانی به ما یادآوری کرد که می‌توان مدرن بود و در آسمان پرواز و فناوری زیست، اما همچنان دل در گرو مرام، عیاری و ریشه‌های کهن این سرزمین داشت.

حالا در روزهایی که سرعت خبرهای تلخ مجال مکث نمی‌دهد، نبودن او شبیه سکوتی سنگین میان همهمه است. «فرمانده نیروی هوایی نویسندگان» آخرین پروازش را کرده و پشت سرش، میزهای نمایشگاه کتاب را خلوت‌تر و قفسه‌های ادبیات معاصر را تنهاتر گذاشته است. اما نویسندگانی از جنس رضا امیرخانی با رفتن‌شان تمام نمی‌شوند؛ حضور او در حافظه ادبیات معاصر و در صفحه صفحه کتاب‌هایی ادامه دارد که هنوز هم با همان لحن صمیمی، دقیق و بی‌تکلف، نسل به نسل دست به دست می‌شوند و خواننده‌ای تازه را به جهان قصه پیوند می‌دهند.

به بهانه درگذشت غلامرضا نیکخواه، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون

مردی که خنده را جدی می‌گرفت

غلامرضا نیکخواه از آن بازیگرانی نبود که برای ماندن در خاطر تماشاگر، همیشه در مرکز قاب بایستد یا با شوخی‌های پی‌درپی توجه‌ها را جلب کند. گاهی کافی بود در گوشه‌ای از صحنه ظاهر شود، مکثی کند، نگاهی بیندازد یا جمله‌ای را با لحن مخصوص خودش بگوید تا خنده از سالن و خانه بلند شود. حالا که خبر درگذشت او در ۷۸ سالگی رسیده، بیش از هر چیز همین لحظه‌ها به یاد ما می‌آید؛ لحظه‌هایی که بی‌ادعا حال ما را بهتر کردند. نیکخواه رفت، اما تماشای دوباره نقش‌هایش هنوز می‌تواند لبخندی آشنا به لب بیاورد.

نیکخواه اول فروردین ۱۳۲۷ در بوشهر به دنیا آمد و بازیگری را از سال ۱۳۴۵، با اجرای تئاتر در زادگاهش آغاز کرد. او دانش‌آموخته علوم سیاسی بود و پیش از شناخته شدن در تلویزیون، سال‌ها تجربه صحنه داشت. نخستین حضور تلویزیونی‌اش به سال ۱۳۶۷ بازمی‌گشت، اما شهرت گسترده‌ترش در دهه ۷۰ و با مجموعه‌هایی چون «نوروز ۷۲»، «پرواز ۵۷» و «جنگ ۷۷» شکل گرفت. همکاری با رضا عطاران و مهران مدیری و بازی در «بزنگاه»، «مرد هزارچهره» و «قهوه تلخ» جای او را در حافظه جمعی مخاطبان تثبیت کرد.

نیکخواه در سینما نیز حضوری پیوسته داشت؛ از «طهران تهران» و «آینه بغل» تا «رحمان ۱۴۰۰»، «فسیل»، «بخارست» و «هتل». در سال‌های اخیر، حضورش در نمایش خانگی و برنامه‌های سرگرمی نسل تازه‌ای از مخاطبان را با او آشنا کرد. «جوکر» یکی از مهم‌ترین این تجربه‌ها بود؛ برنامه‌ای که توانایی او در ساختن لحظه‌های خنده‌آور را بار دیگر به نمایش گذاشت. او در سال‌های اخیر و در واقع سال‌های پایانی فعالیتش نیز در مجموعه‌هایی چون «مرد سه هزار چهره» و «میمون مست» حضور داشت.

اما شاید برای شناخت نسبت او با کمدی، شنیدن حرف‌های خودش از مرور فهرست آثارش گویاتر باشد. نیکخواه در گفت‌وگویی گفته بود: «اتفاقا من اصلا آدم بامزه‌ای نیستم و به قول مهران مدیری خیلی هم تلخ هستم.» این جمله با آنچه از او روی پرده و قاب تلویزیون می‌دیدیم، فاصله‌ای شیرین دارد؛ مردی با ظاهر و لحن جدی که از دل همان جدیت، موقعیتی خنده‌دار بیرون می‌کشید. او در همان گفت‌وگو از نخستین تجربه طنزش در دوران دبیرستان یاد کرده بود؛ اجرایی بداهه در میان پرده یک نمایش، در سال ۱۳۴۵. شاید علاقه‌ای که بعدها مسیر حرفه‌ای‌اش را شکل داد، از همان تجربه جوانه زده بود.

نیکخواه بارها از لذت خنداندن مردم گفته بود. در گفت‌وگویی درباره حضورش در «جوکر»، از اینکه در روزهای دشوار مردم را کنار خانواده‌های‌شان خندانده‌اند ابراز خوشحالی کرده و گفته بود: «به نظرم هیچ عبادتی بالاتر از خوشحال کردن مردم نیست.» او در همان گفت‌وگو آرزو کرده بود: «امیدوارم تا آخر عمرم بتوانم مردم را شاد کنم.» این حرف‌ها حالا معنایی فراتر از یک اظهارنظر درباره حرفه بازیگری پیدا می‌کنند؛ انگار وصیت کوتاهی از هنرمندی است که کارش را نه فقط ایفای نقش، که شریک شدن در لحظه‌ای از شادی دیگران می‌دانست.

این آرزو در مسیر حرفه‌ای نیکخواه نیز بازتاب داشت. او از نسلی از بازیگران بود که کارشان را از صحنه تئاتر آغاز کردند، با تلویزیون به خانه‌های مردم راه یافتند و بعدها در سینما و شبکه نمایش خانگی نیز به فعالیت ادامه دادند. نیکخواه در طول چند دهه فعالیت، خود را به یک قالب یا دوره خاص محدود نکرد و با حضور در آثار و برنامه‌های متفاوت، همچنان برای مخاطبان نسل‌های تازه نیز چهره‌ای آشنا باقی ماند. شاید راز ماندگاری او همین بود؛ اینکه با وجود سال‌ها تجربه، هنوز می‌توانست در موقعیتی تازه ظاهر شود و همان لبخند آشنای تماشاگران را به همراه بیاورد.



درگذشت او برای تماشاگران فقط خبر رفتن یک بازیگر با سابقه نیست؛ یادآوری این است که بخشی از خاطره جمعی ما با خنده‌هایی ساخته شده که او در ساختن‌شان سهم داشت. شاید سال‌ها بعد، هنگام بازپخش «بزنگاه» یا «مرد هزارچهره»، باز هم با دیدن چهره جدی و بازی شیرینش بخندیم و به یاد بیاوریم که پشت آن خنده، بازیگری ایستاده بود که خنداندن مردم را جدی می‌گرفت.



بهنام نیک‌منش، معاون بازرسی و نظارت اتاق اصناف ایران:

نظارت برواحدهای صنفی فعال در تامین و عرضه تخم‌مرغ تشدید شود

چین در حال تصاحب بازار جهانی خودرو

صنعت خودروی چین با تکیه بر توسعه خودروهای برقی، کاهش هزینه تولید و گسترش زنجیره تامین داخلی، در حال تغییر معادلات بازار جهانی خودرو است؛ روندی که علاوه بر افزایش قدرت خودروسازان چینی در بازارهای بین‌المللی، جایگاه برندهای باسابقه اروپایی، آمریکایی و ژاپنی را نیز تحت فشار قرار داده است.

فایننشال تایمز در گزارشی نوشت که خودروسازان چینی با سرمایه‌گذاری زودهنگام در فناوری خودروهای برقی، توسعه زنجیره تامین باتری و قطعات و استفاده از رقابت شدید در بازار داخلی، توانسته‌اند خودروهایی با قیمت رقابتی و در مقیاس گسترده تولید کنند.

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تغییر شرایط بازار خودرو چین، کاهش سهم برندهای خارجی در این کشور است. سهم خودروسازان خارجی از بازار چین که در سال ۲۰۲۰ حدود ۶۴ درصد بود، اکنون به حدود ۲۵ درصد رسیده است. این تغییر نشان می دهد تولیدکنندگان داخلی چین توانسته اند بخش قابل توجهی از بازاری را که پیشتر در اختیار برندهای بین‌المللی بود، تصاحب کنند.

در این میان، خودروهای انرژی نو شامل خودروهای تمام برقی و هیبریدی شارژی نقش مهمی در تغییر ساختار بازار داشته‌اند. این خودروها اکنون نزدیک به ۷۰ درصد فروش خودروهای جدید در چین را تشکیل می‌دهند؛ موضوعی که نشان دهنده سرعت بالای حرکت بزرگ‌ترین بازار خودروی جهان به سمت فناوری‌های جدید است.

افت فروش خودروسازان مطرح خارجی در چین

گسترش حضور برندهای داخلی چین فشار قابل توجهی بر خودروسازان بین‌المللی وارد کرده است. بر اساس گزارش فایننشال تایمز، فروش شرکت بی ام و در بازار چین طی پنج سال گذشته ۴۲ درصد کاهش یافته است؛ اتفاقی که نشان می دهد حتی خودروسازان لوکس و باسابقه نیز از تغییر سلیقه مصرف‌کنندگان و افزایش رقابت با تولیدکنندگان چینی در امان نمانده‌اند.

خودروسازان خارجی برای حفظ جایگاه خود در این بازار ناچار شده اند سیاست‌های تولید و عرضه محصولات‌شان را تغییر دهند. کاهش قیمت، عرضه مدل های متناسب با نیاز مصرف کنندگان چینی و همکاری با شرکت‌های فناوری داخلی از جمله اقداماتی است که برای بازگشت به رقابت در دستور کار قرار گرفته است.

در واقع، رقابت در بازار خودروی چین دیگر صرفا بر سر کیفیت ساخت، اعتبار برند یا قدرت موتور نیست؛ بلکه فناوری باتری، نرم‌افزار خودرو، امکانات هوشمند، سرعت توسعه محصول و قیمت نهایی به عوامل تعیین‌کننده تبدیل شده‌اند.

گسترش صادرات چین و نگرانی خودروسازان جهانی

افزایش توان تولید خودروسازان چینی در شرایطی اتفاق افتاده که ظرفیت تولید داخلی این صنعت از میزان تقاضای بازار فراتر رفته است. رقابت شدید قیمتی و ضعف نسبی تقاضای داخلی، شرکت‌های چینی را به سمت گسترش فعالیت در بازارهای خارجی سوق داده است.

این روند می‌تواند فشار رقابتی بر خودروسازان اروپایی و سایر تولیدکنندگان بین‌المللی را افزایش دهد. شرکت‌های چینی با تکیه بر هزینه تولید پایین‌تر، دسترسی گسترده به مواد اولیه و زنجیره تامین باتری، تلاش می‌کنند سهم بیشتری از بازار خودروهای برقی جهان را به دست آورند.

در مقابل، برخی دولت‌های غربی برای حمایت از صنایع خودرویی داخلی به دنبال اعمال تعرفه و تدوین مقررات مربوط به سهم تولید داخلی هستند. این سیاست‌ها با هدف جلوگیری از تضعیف تولیدکنندگان داخلی و حفظ اشتغال در صنعت خودرو دنبال می‌شود؛ هرچند ممکن است روند توسعه خودروهای برقی ارزان‌قیمت را نیز با محدودیت مواجه کند.

رقابت آینده بر سر خودروهای هوشمند

یکی دیگر از محورهای مهم رقابت صنعت خودرو، توسعه فناوری‌های هوشمند و سیستم‌های کمک‌راننده است. شرکت‌های چینی در این حوزه نیز سرمایه‌گذاری گسترده‌ای انجام داده‌اند و تلاش می‌کنند علاوه بر مزیت قیمتی، از نظر فناوری نیز جایگاه خود را در بازار جهانی تثبیت کنند.

در چنین شرایطی، خودروسازان سنتی برای حفظ سهم بازار خود با چالش دوگانه‌ای مواجه هستند؛ از یک سو باید هزینه تولید را کاهش دهند و خودروهای برقی رقابتی‌تری عرضه کنند و از سوی دیگر، ناچارند سرمایه‌گذاری در نرم‌افزار و فناوری‌های هوشمند را افزایش دهند.

بر این اساس تحولات صنعت خودروی چین نشان می‌دهد رقابت جهانی این صنعت وارد مرحله تازه‌ای شده است؛ مرحله‌ای که در آن مزیت تولید انبوه، فناوری باتری، قیمت رقابتی و توسعه سریع محصولات می‌تواند جایگاه شرکت‌های قدیمی را تغییر دهد. اگر خودروسازان سنتی نتوانند خود را با این تحولات هماهنگ کنند، احتمال کاهش بیشتر سهم آنها در بازارهای جهانی وجود خواهد داشت.

سامانه ثبت‌نام واردات چهار هزار کامیون و کشنده مجددا بازگشایی شد

یک مقام مسئول سازمان راهداری گفت: از ظرفیت واردات چهار هزار کامیون و کشنده، تاکنون ۲۲۰۰ دستگاه ثبت نام شده و با بازگشایی مجدد سامانه، ثبت نام متقاضیان برای ظرفیت باقی‌مانده از سر گرفته شده است.

مهدی قلی‌زاد، معاون دفتر حمل‌ونقل مسافر و مدیرنوسازی سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، در گفت‌وگو با خبرنگار «مهر» با تشریح آخرین وضعیت نوسازی ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای کشور، از بازگشایی مجدد سامانه ثبت نام واردات چهار هزار دستگاه کامیون و کشنده خبر داد و گفت: بر اساس بند «پ» ماده ۵۹ قانون برنامه هفتم توسعه، امکان واردات کامیون و کشنده در ازای اسقاط ناوگان فرسوده فراهم شده است.

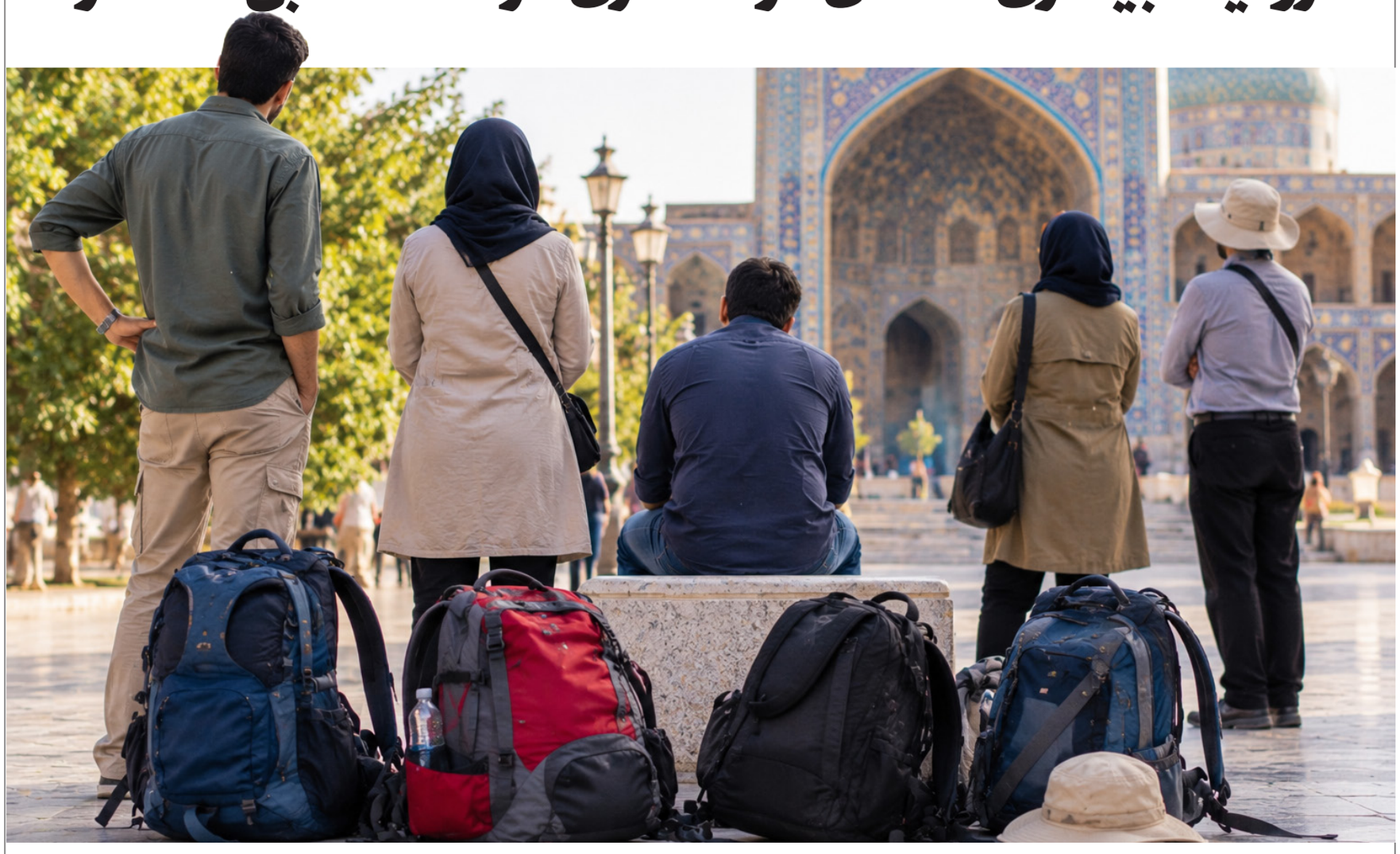
وی افزود: براساس قانون برنامه هفتم توسعه و با توجه به شرایط موجود، باید نیاز سالانه نوسازی ناوگان را به وزارت صنعت، معدن و تجارت اعلام کنیم و مشخص شود که در طول برنامه، چه تعداد کامیون و کشنده از محل این قانون نوسازی خواهند شد.

قلی‌زاد بیان کرد: این فرآیند را در سال ۱۴۰۴ انجام دادیم و نیاز مورد نظر به وزارت صمت اعلام شد. سال گذشته نیز سامانه مربوطه بر همین اساس باز شد و ثبت نام متقاضیان انجام گرفت. پس از آن، با توجه به اینکه بخشی از تقاضای پیش بینی شده در حوزه اتوبوس جذب نشده بود، با انتقال این ظرفیت به بخش کامیون و کشنده موافقت کردیم تا تعداد بیشتری از ناوگان باری از این محل نوسازی شود، اما این موضوع در ادامه اجرایی نشد.

وی با اشاره به آخرین وضعیت ثبت نام واردات کامیون و کشنده در سال جاری ادامه داد: امسال از مجموع ظرفیت چهار هزار دستگاهی، حدود ۲۲۰۰ دستگاه در سامانه ثبت نام شدند، اما به دلیل برخی مسائل مربوط به ثبت سفارش و منابع ارزی، فرآیند با توقف مواجه شد.

چراغ گردشگری خاموش شد

روایت بیکاری فعالان گردشگری در صنعت بی‌مسافر



گردشگری فقط با تعطیلی هتل‌ها و کاهش پروازها آسیب نمی‌بیند، بلکه معیشت و آینده شغلی هزاران نفری که زنجیره این صنعت را سرپا نگه داشته‌اند نیز از دست می‌دهد. به گزارش «آگاه»، گردشگری از آن دسته صنایعی است که رکود در آن فقط به معنای خالی ماندن هتل‌ها، لغو پروازها یا تعطیلی آژانس‌های مسافرتی نیست. پشت هر سفر لغوشده، گروهی از شاغلان قرار دارند که معیشت‌شان به جابه‌جایی مسافران گره خورده است. راهنمایان گردشگری، مهمانداران هواپیما، کارکنان دفاتر خدمات مسافرتی و فعالان اقامتگاه‌ها، حالا در شرایطی قرار گرفته‌اند که نه چشم‌انداز روشنی برای بازگشت به کار دارند و نه بازار داخلی توان جبران از دست رفتن گردشگران خارجی را دارد. ناامنی‌های منطقه‌ای، تحریم‌ها، افزایش هزینه سفر و محدودیت پروازها، صنعت گردشگری ایران را به مرحله‌ای رسانده که آثار رکود آن از تراز مالی کسب‌وکارها فراتر رفته و به بحران اشتغال تبدیل شده است.

ایران همچنان تحت تاثیر ناامنی های منطقه‌ای، تحریم ها و کاهش پروازهای بین المللی است. جنگ ۱۲ روزه و تنش های منطقه‌ای در جنگ ۴۰ روزه باعث شد بخشی از تورهای ورودی به ایران لغو شوند و بسیاری از فعالان صنعت گردشگری با کاهش شدید درآمد روبه‌رو باشند.

پیشتر نیز فعالان بخش خصوصی گردشگری اعلام کرده بودند که در جریان جنگ اخیر، میزان رزرو هتل ها و اقامتگاه ها در برخی استان ها بیش از ۶۰ درصد کاهش یافت و ۹۰ درصد دفاتر مسافرتی با موج استرداد تورها و تعدیل و بیکاری نیروی کار مواجه شدند. فعالان بخش خصوصی در پی رکود کامل این صنعت در ایران از زیان دو هزار میلیارد تومانی در این بخش خبر دادند. همه این شرایط موجب شده تا فعالان گردشگری از هر بخش آن بیکار شوند. چون نه گردشگری هست نه سفری. حتی خیلی از هتل‌ها خاموش شده‌اند.



پیش از این جمشید حمزه‌زاده، رئیس جامعه هتلداران کشور، به خبرنگار «آگاه» گفته بود: ۵۰ درصد از هتل های کشور خالی است. کدام مسافر می‌تواند با خانواده‌اش در هتل اقامت کند وقتی هزینه یک شب اقامتش با حقوق یک ماهش برابر است. هتلداران هم وقتی دیدند مسافر ندارند در هتل‌ها را بستند.

مهمانداران در آرزوی پرواز

مهمانداران هواپیما نیز به عنوان بخشی از فعالان صنعت گردشگری به جمع بیکاران پیوسته اند. بسیاری از ایرلاین ها پروازهای خود را محدود کرده اند و در نتیجه، با کاهش تعداد پروازها، امکان تامین حقوق و بیمه تعداد زیادی از مهمانداران وجود نداشته است. همین مسئله موجی از بیکاری را در میان این گروه از فعالان صنعت هوانوردی به راه انداخته است.

برخی از مهمانداران به هتل‌ها رفته‌اند و در بخش خدمات مشغول به کار شده‌اند. برخی دیگر زبان انگلیسی تدریس می‌کنند و عده‌ای هم در شرکت‌های مختلف جذب شده‌اند. شاید یک مهماندار پیش از این حقوق و جایگاه شغلی مناسبی داشته، اما با تغییر شغل، دیگر آن جایگاه و درآمد را ندارد. همین مسئله باعث شده برخی از این افراد دچار افسردگی شوند؛ کسانی که همیشه مشغول به کار بودند و حتی از حجم زیاد کار گلایه داشتند، حالا آرزو دارند دوباره به آسمان برگردند.

وزارت میراث فرهنگی کجای کار است؟

چند سال پیش، آرش نورآقایی، از فعالان گردشگری، در جلسه‌ای با حضور معاون وقت گردشگری کشور جمله‌ای مطرح کرد که شاید بسیاری در آن زمان عمق آن را درک نکردند، اما امروز معنای آن روشن‌تر و باورپذیرتر شده است دست‌کم برای عده‌ای. او گفته بود: بیایید تصور کنیم معاونت گردشگری اصلا وجود نداشت. به نظر شما چه میزان به گردشگری کشور آسیب وارد می شد؟ اگر این هزینه را به ریال محاسبه کنیم، آیا بیشتر از حقوق و مزایایی است که اکنون به کارکنان معاونت گردشگری پرداخت می‌شود یا کمتر؟

او با طرح این پرسش که فعالان گردشگری خودشان امور مربوط به کارشان را پیش می‌برند، این موضوع را مطرح کرده بود که اساسا چه میزان نیروی انسانی برای اداره این معاونت ضروری است؟

حالا پرسش اینجاست که معاونت گردشگری کشور برای فعالانی که شغل خود را از دست داده‌اند، چه برنامه‌ای دارد و چه سیاستی اتخاذ کرده است؟ سیاست آن برای ترغیب مردم به سفر چیست؟ آن هم در شرایطی که وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در سطح کلان کشور قدرت تصمیم گیری چندانی برای اجرای سیاست‌های خود ندارد. بسیاری از تصمیم‌ها و اتفاقات کشور با سیاست‌های توسعه گردشگری همخوانی ندارند و وزیر مربوطه نیز کمتر توانسته در برابر این شرایط اقدامی موثر انجام دهد.

از سوی دیگر، هر اتفاق کوچکی می‌تواند ضربه‌ای جدی به گردشگری کشور وارد کند. مگر غیر از این است که با وقوع بحران در منطقه، نخستین گروهی که از جابه‌جایی و سفر پرهیز می‌کنند، گردشگران هستند؟ مگر غیر از این است که با افزایش قیمت بنزین، صنعت حمل‌ونقل عمومی و گردشگری از نخستین بخش‌های آسیب‌پذیر خواهند بود؟ در چنین شرایطی، مدتی پیش انوشیروان محسنی‌بندپی، معاون گردشگری کشور، نشستی برگزار کرد و از تدوین سه سناریوی عملیاتی برای مدیریت صنعت گردشگری کشور خبر داد. به گفته او، نخستین سناریو مربوط به «وضعیت جنگ و بحران» است؛ شرایطی که در آن تمرکز اصلی بر مدیریت بحران، حفظ ایمنی گردشگران و تداوم حداقلی فعالیت کسب‌وکارهای گردشگری خواهد بود. بندپی گفته است در این وضعیت، برنامه‌های توسعه‌ای و بین‌المللی عملا متوقف می‌شوند و اولویت اصلی، حفظ زیرساخت‌های موجود و تقویت گردشگری داخلی خواهد بود.

سناریوی دوم، به گفته معاون گردشگری کشور، محتمل‌ترین وضعیت برای گردشگری ایران است؛ یعنی تداوم شرایط «نه جنگ، نه صلح»؛ وضعیتی که در آن کشور با تنش‌های محدود و بی‌ثباتی سیاسی مواجه است، اما وارد جنگی فراگیر نمی‌شود. به گفته او، در این سناریو، توسعه گردشگری داخلی، تمرکز بر جذب گردشگران کشورهای همسایه، ارائه مشوق‌های سرمایه‌گذاری در مناطق امن و استفاده از ظرفیت دیپلماسی منطقه‌ای در اولویت قرار می‌گیرد. به همین دلیل، استان‌ها باید پروژه‌های کوچک و متوسط گردشگری را با سرعت بیشتری پیش ببرند و از ظرفیت‌های محلی برای عبور از رکود استفاده کنند.

سناریوی سوم که بر مبنای خوش‌بینانه‌ترین شرایط تدوین شده، مربوط به برقراری «صلح و ثبات پایدار» است؛ وضعیتی که تحقق آن به کاهش تنش‌های بین‌المللی و رفع تحریم‌ها وابسته است. به گفته معاون گردشگری کشور، در صورت تحقق این شرایط، برنامه‌هایی همچون افزایش ۵۰ درصدی گردشگران ورودی، توسعه گردشگری سلامت و طبیعت‌گردی، تسهیل صدور ویزای الکترونیک برای ۳۳ کشور و فعال‌سازی کریدورهای منطقه‌ای گردشگری در دستور کار قرار خواهد گرفت.

آیا نیروی انسانی به گردشگری برمی‌گردد؟

اگرچه برنامه و طرح‌های وزارت میراث فرهنگی تاکنون نتیجه مثبتی نداشته اما باید به این فکر هم بود که آیا در صورت برگشت روزهای خوب گردشگری، نیروی انسانی متخصص قبلی هم به صنعت برمی گردد؟ ممکن است گردشگری ایران با بحران کمبود نیروی متخصص در دوران پس از رکود مواجه شود.

چون نسل جوان دیگر گردشگری را به عنوان شغل انتخاب نمی کند. اگر قبلا گردشگری برای بسیاری از جوانان، به‌ویژه فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط، یک فرصت شغلی جذاب بود، اما وقتی امنیت شغلی و درآمد وجود ندارد، چه انگیزه‌ای برای ورود به این حرفه باقی می‌ماند؟ از سوی دیگر هزینه بازسازی گردشگری بیشتر از هزینه حفظ آن است.

تعطیلی یک آژانس یا خروج یک راهنمای حرفه‌ای از بازار کار، فقط یک اتفاق مقطعی نیست. بازگشت آنها مستلزم سرمایه، آموزش، اعتمادسازی و ایجاد دوباره ارتباطات کاری است. آیا سیاست گذار برای حفظ حداقل ظرفیت فعال صنعت گردشگری برنامه‌ای دارد یا قرار است پس از پایان بحران، دوباره از نقطه صفر شروع کند؟ در حال حاضر صنعتی که در زمان بحران باید به گردشگری داخلی تکیه کند، با کاهش قدرت خرید همان گردشگران داخلی مواجه است.

کسب درآمد از بیکاری

در شرایطی که بخش قابل توجهی از فعالان صنعت گردشگری با بیکاری، بلاتکلیفی، استیصال و حتی افسردگی دست و پنجه نرم می کنند، برخی دفاتر خدمات مسافرتی و سایت‌های گردشگری نیز از این وضعیت به‌عنوان فرصتی برای کسب درآمد استفاده می‌کنند.

آب گل‌آلود این روزها، همان وضعیت دشوار و ناامیدکننده فعالان گردشگری است و ماهی هایی که عده‌ای از آن صید می کنند، برگزاری دوره‌هایی با عناوین روان‌شناسی، بیمه و موضوعات مرتبط با وضعیت شغلی فعالان بیکار این صنعت است.

در این میان، گروهی نیز دورهمی هایی ترتیب می دهند تا فعالان گردشگری فرصتی برای دیدار دوباره و باخبر شدن از احوال یکدیگر داشته باشند. دورهمی هایی که در ظاهر دوستانه و با هدف حفظ ارتباطات شکل می‌گیرند، اما گاهی برگزارکنندگان برای همین گردهمایی ها نیز از شرکت‌کنندگان هزینه دریافت می‌کنند. به این ترتیب، حتی جمع شدن افراد بیکار و آسیب‌دیده از شرایط موجود هم به فرصتی برای کسب درآمد تبدیل می‌شود.

البته در این میان هنوز کسانی هستند که به جای بهره برداری از شرایط دشوار موجود، به فکر حفظ و ارتقای توان حرفه‌ای فعالان گردشگری‌اند. آنها همچنان دوره های آموزشی برای هتلداران، آژانس های مسافرتی و راهنمایان گردشگری برگزار می‌کنند با این امید که روزی شرایط تغییر کند، چرخ گردشگری دوباره به حرکت درآید و این آموزش‌ها به کار روزهای بهتر بیایند.

شاید در مجموع ۵۰ راهنما کارکنند

بسیاری از راهنمایان گردشگری در حال حاضر یا بیکار هستند و از اندوخته‌های قبلی خود ارتزاق می‌کنند یا به مشاغل دیگری روی آورده‌اند. یکی راننده اسنپ شده، دیگری در کافه کار می‌کند، برخی به فعالیت‌های هنری روی آورده اند و عده‌ای نیز در نهایت به تدریس زبان مشغول شده‌اند. برخی افراد هم اگر ارتباطات خود را حفظ کرده باشند، همچنان تورهای داخلی کوتاه‌مدت و شخصی با تعداد محدودی از مسافران برگزار می‌کنند؛ فعالیتی که البته مستمر و همیشگی نیست.



محمدحسین یزدانی، رئیس جامعه انجمن‌های حرفه‌ای راهنمایان گردشگری ایران، به خبرنگار «آگاه» می‌گوید: با وزارت میراث فرهنگی چندین و چند بار جلسه داشته‌ایم، اما می‌دانیم که هیچ‌وقت نتیجه‌ای نمی‌گیریم. با این حال، خودمان در انجمن همچنان پیگیر مطالبات هستیم و دورهمی‌های ماهانه برگزار می‌کنیم تا نشان دهیم هنوز حضور داریم. اما در عمل، راهنمایان گردشگری از کار بیکار شده‌اند. شاید بتوان گفت در تهران تنها ۲۰ نفر هستند که گاهی با همکاری یک آژانس، تورهای داخلی کوتاه‌مدت برگزار می‌کنند. حدود ۳۰ نفر هم ممکن است به‌صورت خودجوش تورهایی برگزار کنند در غیر این صورت، بسیاری از راهنمایان دیگر این شغل را از دست داده‌اند.

او می گوید: افرادی که مهارت دیگری غیر از راهنمایی گردشگری داشته‌اند، بهتر توانسته‌اند با این شرایط کنار بیایند و به کار دیگری مشغول شوند. وگرنه بسیاری از آنها از شدت فشار بیکاری به مشاغل دیگر روی آورده‌اند. مردم هم دیگر تمایلی به سفر ندارند، چون هزینه سفرها بسیار زیاد شده و توان پرداخت هزینه سفرهای طولانی‌تر را ندارند. از سوی دیگر، وقتی سفر می‌کنند و می بینند شرایط در شهرهای دیگر تفاوت چندانی با محل زندگی‌شان ندارد، تمایل‌شان به سفر کمتر می‌شود. یزدانی ادامه می‌دهد: مدتی هم بود که برخی با بنزین سوزاندن در خیابان‌ها و گاهی گشت و گذار در شهر، صرفا مردم را تماشا می کردند، اما حالا می گویند اگر در خانه بمانیم بهتر است چون باید بنزین لیتری ۱۰ هزار تومان مصرف کنیم. این عضو انجمن راهنمایان می‌گوید: بلای جان ما امید است چون از چند سال پیش امیدوار بودیم شرایط بهتر شود. حتی در سال ۱۴۰۱ اتفاقات خوبی افتاد و گردشگری کمی رونق گرفت، اما بعد از آن دیگر چنین اتفاقی نیفتاد. با این حال، راهنمایان هنوز امیدوارند که شاید در کوتاه مدت پروازی برقرار شود یا شرایط بهبود پیدا کند. رئیس جامعه انجمن های حرفه‌ای راهنمایان گردشگری ایران ادامه می‌دهد: دفاتر خدمات مسافرتی هم اگر فعالیتی داشته باشند، از مجموع آژانس های تهران شاید تنها ۲۰ درصد فعال باشند. آنها هم بیشتر در زمینه فروش بلیت هواپیما فعالیت می‌کنند و بقیه آژانس ها منتظرند ببینند می‌توانند فعالیت خود را از سر بگیرند یا نه. در غیر این صورت، آژانس های مسافرتی هم با تعدیل گسترده نیرو مواجه شده‌اند.



علی فرهادی، سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش:
هرروز تعطیلی مدارس ۲.۲ همت خسارت مالی دارد

از جای خالی مشاوران مدارس تا قانون سرگردان در راهروهای مجلس

پرونده سوگند صیادی؛ پرسش‌هایی فراتر از یک حادثه



مینا یاری، خبرنگار گروه جامعه: فوت سوگند صیادی، دختر نوجوان کرمانشاهی، بار دیگر یکی از تلخ‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مسائل اجتماعی را به صدر توجه افکار عمومی آورد؛ خشونتی که در حریم خانواده اتفاق می‌افتد و گاهی قربانی آن کسی است که باید بیش از همه از حمایت خانواده برخوردار باشد. سوگند، دختری که تنها چند روز تا هفده‌سالگی‌اش فاصله داشت، دیگر به خانه و مدرسه بازنمی‌گردد؛ اما پرونده فوت او همچنان پرسش‌های بسیاری را پیش روی جامعه گذاشته است.

براساس روایت‌های منتشرشده، سوگند پیش از این حادثه ازواکنش پدرش نگران بوده و ظاهرا درباره برخی مسائل شخصی خود با مسئولان مدرسه صحبت کرده بود. در مقابل، آموزش‌وپرورش کرمانشاه اعلام کرده است که پدر سوگند صبح روز ۲۳ آبان برای دریافت پرونده تحصیلی و انتقال او به شهرستان گیلانغرب به مدرسه مراجعه کرده و پس از طی مراحل اداری، همراه دخترش مدرسه را ترک کرده است. حادثه مرگ نیز عصر همان روز در منزل پدری اتفاق افتاده است. در جریان تحقیقات قضایی، پدر سوگند و مدیر مدرسه بازداشت شدند؛ پدر با اتهاماتی از جمله ضرب‌وجرح و قتل و مدیر مدرسه به اتهام قصور و سهل‌انگاری.

با این حال، هنوز همه ابعاد این پرونده روشن نشده است. روایت‌های متفاوت درباره آنچه در مدرسه گذشته، نحوه اطلاع‌رسانی به پدر و چگونگی وقوع حادثه، ضرورت پرهیز از قضاوت‌های شتاب‌زده را دوچندان می‌کند. باید اجازه داد تحقیقات قضایی و کارشناسی مسیر خود را طی کند. اما این احتیاط به معنای نادیده گرفتن پرسش‌های مهمی نیست که این حادثه درباره مسئولیت نهادهای آموزشی، حمایت از کودکان و امنیت دختران در محیط خانواده مطرح کرده است.

مدرسه باید پناه امن دانش‌آموز باشد

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های پس از فوت سوگند، نقش مدرسه در شناسایی و حمایت از دانش‌آموزانی است که در محیط خانواده با آسیب، تهدید یا خشونت مواجه‌اند. مدرسه فقط محل آموزش ریاضی و علوم و پیگیری نمرات و انضباط دانش‌آموز نیست. گاهی نخستین جایی است که نشانه‌های یک بحران خانوادگی در آن بروز می‌کند.

در چنین شرایطی، مدیر و معلم باید بدانند چگونه با دانش‌آموز برخورد کنند، چه اطلاعاتی را محرمانه نگه دارند و در چه شرایطی موضوع را به مراجع تخصصی ارجاع دهند. نمی‌توان انتظار داشت مدیری که آموزش تخصصی در زمینه کودک‌آزاری و خشونت خانگی ندیده، در مواجهه با چنین موقعیتی به درستی تصمیم بگیرد. به‌ویژه آنکه در بسیاری از مدارس، مشاور متخصص به‌صورت مستمر حضور ندارد و مدیر یا معلم عملا باید مسئولیت مواجهه با مسئله‌ای را برعهده بگیرد که برای مدیریت آن آموزش کافی ندیده است.

حسن موسوی‌چلک، معاون سلامت اجتماعی سازمان بهزیستی، پس از این حادثه از نبود تماس با اورژانس اجتماعی، بهزیستی یا خط صدای مشاور درباره وضعیت سوگند خبر داد و تاکید کرد مدارس باید دانش‌آموزان در معرض خطر را شناسایی و موارد خارج از توان خود را به نهادهای حمایتی ارجاع دهند. او همچنین از پیگیری بیش از ۲۶ ساله برای استقرار مددکاران اجتماعی در مدارس سخن گفته است؛ مطالبه‌ای که هنوز به شکل فراگیر محقق نشده است.

مسئله فقط کمبود مشاور نیست؛ مسئله، فقدان یک نظام مداخله موثر است. مدیر مدرسه باید بداند اگر دانش‌آموزی از پدر یا مادر خود احساس خطر می‌کند، نخستین اقدام لزوما اطلاع دادن به همان والدین نیست. ابتدا باید خطر ارزیابی شود و در صورت لزوم، از ظرفیت بهزیستی، اورژانس اجتماعی و مراجع قضایی استفاده شود. دانش‌آموزی که خانه را محیطی ناامن می‌داند، نباید در مدرسه نیز احساس بی‌پناهی کند.

از فرزندکشی تا لایحه منع خشونت علیه زنان

پس از انتشار خبر درگذشت سوگند، بحث‌های متعددی در جامعه شکل گرفت؛ از ضرورت تصویب لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت تا بازنگری در مجازات قتل فرزند توسط پدر، مسئله قتل‌های موسوم به ناموسی و البته نقش خانواده و نظام آموزشی در پیشگیری از خشونت.

بخشی از این بحث‌ها به ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی بازمی‌گردد که پدر و جد پدری را در صورت قتل فرزند مشمول قصاص نمی‌داند. همین مسئله بار دیگر پرسش‌هایی درباره تناسب مجازات و بازدارندگی قوانین مطرح کرده است. در پی حادثه سوگند نیز طرحی دوفوریتی برای اصلاح ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی و افزایش مجازات پدران و اجداد پدری مرتکب قتل فرزند ثبت شده است. در این پیشنهاد، حبس بیش از ۲۵ سال و محدود کردن ارفاقات قانونی برای مرتکبان پیش‌بینی شده است.

در کنار این موضوع، لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت نیز بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است؛ لایحه‌ای که قرار بود با پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی و پیشگیرانه، امنیت زنان را در محیط خانواده و جامعه تقویت کند، اما سال‌هاست در مسیر قانون‌گذاری با تغییرات، اختلاف نظرها و تاخیر مواجه است. این لایحه پس از سال‌ها بررسی به کمیسیون اجتماعی مجلس رسید و به تصویب این کمیسیون نیز رسید، اما همچنان برای تبدیل شدن به قانون باید مراحل بعدی تصویب را طی کند. نکته قابل تأمل آن است که مسئله خشونت علیه زنان، نه صرفا یک مطالبه اجتماعی و نه موضوعی محدود به یک جریان سیاسی یا فرهنگی خاص، بلکه مسئله‌ای مرتبط با کرامت انسانی، امنیت خانواده و مسئولیت حاکمیت است.

تاکید بر کرامت زن؛ از سخن تا قانون

رهبر شهید انقلاب پیش از آنکه چنین حوادثی بار دیگر به مسئله روز جامعه تبدیل شوند، درباره ضرورت حمایت اخلاقی و قانونی از زنان و منع خشونت در محیط خانواده تاکید کرده بودند. در دیدار ۱۲ آذر ۱۴۰۴ با بانوان نیزایشان دو موضوع «شان زنان» و «حقوق زنان» را از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با زن دانستند و صریحا بر حق امنیت، حرمت و کرامت زنان تاکید کردند.

ایشان در همان دیدار فرمودند:

«حفظ امنیت و حرمت و کرامت زن، جزو حقوق زن است. بایستی کرامت زن محفوظ بماند.»

و درباره حق زن در محیط خانواده نیز تصریح کردند:

«حق مهم و بزرگ دیگر در خانه برای زنان، «عدم خشونت» است.»

این تاکیدها البته سابقه‌ای طولانی‌تر دارد. رهبر شهید در ۲۸ شهریور ۱۳۷۵ نیز در جمع بانوان ارومیه درباره ضرورت حمایت قانونی از زنان در محیط خانواده چنین فرمودند:

«زن از لحاظ جسمی، ظرافت بیشتری دارد و مرد، قوی‌تر و گردن کلفت‌تر است. با این حال، اگر قانون از زن دفاع نکند، ممکن است مرد، نسبت به او تعرض کند. لذا قانون، در حمایت از بانوانی که خانواده تشکیل داده‌اند و درون محیط خانوادگی خودشان هستند، وظایف بسیار سنگینی دارد. مطلبی که ما در کشورمان باید با جدیت دنبال کنیم، حمایت اخلاقی و قانونی از زن است؛ تا مرد در محیط خانواده نتواند زورگویی کند.»

این سخنان نشان می‌دهد حمایت از زن در برابر خشونت، صرفا یک بحث حقوقی وارداتی یا مطالبه‌ای مقطعی نیست، بلکه ضرورتی است که سال‌ها در بالاترین سطح نظام نیز بر آن تاکید شده است. با این وصف، پرسش جدی همچنان باقی است: چرا لایحه‌ای که قرار بود بخشی از این ضرورت را در قالب قانون و سازوکار اجرایی محقق کند، این همه سال در فرآیند قانون‌گذاری معطل مانده است؟

قانون معجزه نمی‌کند، اما بی‌اثر هم نیست

واقعیت این است که هیچ قانونی به تنهایی نمی‌تواند مانع تمام قتل‌ها و خشونت‌های خانوادگی شود. ریشه‌های چنین رفتارهایی گاهی در باورهای غلط، احساس مالکیت بر اعضای خانواده، برداشت نادرست از غیرت و آبرو، ضعف آموزش و فرهنگ خشونت‌پذیر نهفته است. حتی تشدید مجازات نیز بدون پیشگیری، شناسایی افراد در معرض خطر و مداخله به‌موقع، نمی‌تواند راه‌حل کاملی باشد.

با این حال، از این واقعیت نمی‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گذاری اهمیت ندارد. قانون می‌تواند هزینه ارتکاب جرم را افزایش دهد، امکان برخورداری مرتکب از مصونیت یا ارفاقات نامتناسب را محدود کند و به قربانیان و افراد در معرض خطر، مسیر مشخصی برای دریافت حمایت بدهد. در جرم‌شناسی نیز بازدارندگی تنها به شدت مجازات وابسته نیست؛ قطعیت و سرعت اجرای آن هم اهمیت دارد. کسی که تصور می‌کند به دلیل نسبت خانوادگی یا توجیهاتی مانند حفظ آبرو و غیرت، با پیامد جدی مواجه نخواهد شد، نباید چنین تصوری را در ساختار حقوقی جامعه پیدا کند.

البته در کنار اصلاح قوانین باید آموزش خانواده‌ها، تقویت مددکاری اجتماعی، حضور مشاوران متخصص در مدارس و ایجاد سازوکارهای مداخله فوری را جدی گرفت. خشونت را نمی‌توان فقط پس از وقوع جرم و در دادگاه مدیریت کرد؛ باید پیش از آن، صدای فردی را شنید که از خطر خبر می‌دهد.

زخم باز، محل نشستن مگس‌ها

در این میان، نباید از یک واقعیت دیگر نیز غافل شد. هر حادثه تلخ اجتماعی می‌تواند دستاویزی برای جریان‌های معاند و فرصت‌طلب شود تا با کنار گذاشتن پیچیدگی‌های پرونده، تمام ماجرا را به ابزاری برای حمله سیاسی تبدیل کنند. گاهی یک درگیری خانوادگی یا یک پرونده قضایی، پیش از روشن شدن ابعاد آن، به بحرانی فراگیر تبدیل می‌شود و انگشت اتهام بی‌درنگ به سمت نهادهای حاکمیتی نشانه می‌رود.

اما پاسخ درست به چنین فضایی، انکار مسئله یا کوچک شمردن آن نیست. اتفاقا هرچه نهادهای مسئول شفاف‌تر عمل کنند، هرچه رسیدگی قضایی دقیق‌تر باشد و هرچه خلأهای قانونی و حمایتی سریع‌تر برطرف شود، امکان سوءاستفاده از این حوادث نیز کمتر خواهد شد.

خشونت علیه زنان یک زخم باز در جامعه است. تا زمانی که برای درمان آن چاره‌ای جدی اندیشیده نشود، هم قربانیان تازه‌ای خواهد گرفت و هم مگس‌های فرصت‌طلب بر آن خواهند نشست. درگذشت سوگند نباید صرفا به موجی از واکنش‌های چندروزه و مطالبه مجازات بیشتر محدود شود. باید از این پرونده به اصلاح قانون، آموزش مدیران و معلمان، استقرار مددکاران اجتماعی و ایجاد شبکه حمایت از دختران و زنان در معرض خطر رسید. شاید قانون نتواند جلوی همه جنایت‌ها را بگیرد، اما جامعه‌ای که برای حمایت از قربانیان قانون موثر ندارد، نباید از تکرار فاجعه‌ها شگفت‌زده شود.

نرخ باروری پایین‌تر از حد جایگزینی

کاهش جمعیت ایران به ۳۰ میلیون نفر تا ۱۴۸۰

دبیر ستاد ملی جمعیت، با هشدار نسبت به افت ازدواج و فرزندآوری، گفت: نرخ باروری کشور به ۱.۳۴ فرزند رسیده و جمعیت ایران تا سال ۱۴۸۰ به حدود ۳۰ میلیون نفر کاهش می‌یابد.

به گزارش «آگاه» مرضیه وحیددستجردی، با اشاره به کاهش آمار ازدواج و فرزندآوری در کشور، اظهار کرد: در سال ۱۳۸۹ حدود ۸۹۰ هزار ازدواج در کشور ثبت شد، اما این تعداد در سال ۱۴۰۴ به ۴۳۱ هزار مورد رسید که تقریبا نصف شده است. کاهش تعداد ازدواج‌ها به‌طور قطع کاهش جدی فرزندآوری را نیز به دنبال خواهد داشت.

وی افزود: در طول ۲۵ سال گذشته، یعنی یک ربع قرن، با کاهش جدی میزان فرزندآوری مواجه بوده‌ایم؛ به‌طوری که در دهه ۶۰، زنان در سن باروری، یعنی ۱۵ تا ۴۹ سال، به‌طور متوسط ۶.۸ فرزند به دنیا می‌آوردند، اما این میزان که با عنوان نرخ باروری کلی شناخته می‌شود، در سال ۱۴۰۴ به حدود ۱.۳۴ فرزند رسیده است.

■ نرخ باروری کشور به زیر سطح جایگزینی رسیده است

دبیر ستاد ملی جمعیت با بیان اینکه نرخ باروری کشور به زیر سطح جایگزینی رسیده است، تصریح کرد: وقتی نرخ باروری به ۱.۳۴ فرزند می‌رسد، به این معناست که جمعیت کشور در مسیر کاهش قرار گرفته است.

وحیددستجردی ادامه داد: در استان گیلان، میزان مرگ‌ومیر در سال ۱۴۰۴ با میزان ولادت‌ها برابر شد و در سال ۱۴۰۵، تعداد مرگ‌ها اندکی از ولادت‌ها بیشتر شده است. به تدریج این وضعیت در سایر استان‌ها، از جمله تهران و البرز نیز رخ خواهد داد.

وی با اشاره به جمعیت ازدواج‌نکرده در سنین باروری گفت: در کشور حدود هفت میلیون و اندی مرد در گروه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال داریم که ازدواج نکرده‌اند. همچنین حدود ۶.۷ میلیون زن در سنین ۱۵ تا ۴۹ سال، یعنی سن باروری، ازدواج نکرده‌اند.

در مجموع، کمی بیش از ۱۴ میلیون نفر از افرادی که در سن باروری قرار دارند و می‌توانند صاحب فرزند شوند، هنوز ازدواج نکرده‌اند.

دبیر ستاد ملی جمعیت تاکید کرد: مجموع این آمارها نشان می‌دهد که میزان ازدواج در کشور بسیار پایین است و به همین دلیل، میزان فرزندآوری نیز کاهش چشمگیری داشته است.

وحیددستجردی با اشاره به افزایش سن ازدواج و فاصله طولانی میان تولد فرزندان اظهار کرد: حتی افرادی که ازدواج می‌کنند، به‌طور متوسط حدود ۴.۶ سال میان زمان ازدواج و تولد نخستین فرزند فاصله می‌اندازند. پس از آن نیز فاصله میان تولد فرزندان بعدی به حدود ۶ سال می‌رسد.

وی افزود: در حال حاضر، با افزایش سن ازدواج در میان مردان و زنان، دیر ازدواج کردن و حتی ازدواج نکردن مواجه هستیم. همچنین فاصله‌گذاری طولانی میان تولد فرزندان از دیگر عواملی است که موجب شده نرخ باروری کلی کشور به حدود ۱.۳۴ فرزند برسد.



■ کاهش جمعیت کشور در سال ۱۴۸۰

دبیر ستاد ملی جمعیت با هشدار درباره پیامدهای ادامه روند فعلی گفت: اگر این روند ادامه پیدا کند، در ۷۵ سال آینده، یعنی در سال ۱۴۸۰، جمعیت ایران به حدود ۳۰ میلیون نفر خواهد رسید؛ در حالی که کشورهای دیگر در کنار ما ممکن است جمعیتی ۵۰۰ میلیونی، ۸۰۰ میلیونی یا یک میلیارد نفری داشته باشند.

وحیددستجردی ادامه داد: با چنین جمعیت اندکی در مقایسه با کشورهای پرجمعیت، ممکن است دیگر وجود عینی، خارجی و هویتی به نام ایران با شرایط کنونی قابل تصور نباشد.

وی با بیان اینکه مسئله جمعیت تنها موضوعی مرتبط با کشور نیست، بلکه خانواده‌ها نیز در کانون این موضوع قرار دارند، اظهار کرد: مسئله اساسی این است که افراد بتوانند لذت ازدواج و فرزندآوری را درک کنند و زیبایی و لذت داشتن فرزند را تجربه کنند.

■ تاکید بر ترویج فرهنگ فرزندآوری در جامعه

دبیر ستاد ملی جمعیت با اشاره به موضوع مطرح شده درباره درج برچسب «فرزندان، لذت زندگی» بر کالاهای تولید داخل گفت: کالاهایی که باید در کشور تولید شوند، برچسب «فرزندان، لذت زندگی» داشته باشند؛ موضوعی که درباره آن با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز توافق کرده‌ایم.

وحیددستجردی افزود: این موضوع در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نیز آمده است و امیدواریم هرچه زودتر، دست‌کم در ظاهر، شاهد اجرای آن باشیم و در عمل نیز خانواده‌های ما تشکیل شوند، زنان و مردان در سن باروری با یکدیگر ازدواج کنند و صاحب فرزند شوند تا ببینند که فرزندان تا چه اندازه می‌توانند موجب لذت و زیبایی زندگی باشند.

افزایش ۱۱۰ سانتی تراز آب دریاچه ارومیه

مدیرکل دفتر حفاظت و احیای تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست به افزایش ۱۱۰ سانتی‌متری تراز دریاچه ارومیه نسبت به مدت مشابه سال گذشته، اشاره کرد.

به گزارش «آگاه» به نقل از سازمان حفاظت محیط زیست، آرزو اشرفی‌زاده درباره آخرین وضعیت دریاچه ارومیه اظهار کرد: بر اساس آخرین آمار اعلام شده در ۳۰ آبان ۱۴۰۵، تراز سطح آب دریاچه ارومیه به ۱۲۷۰.۶۰ متر رسیده، وسعت آن حدود دو هزار کیلومترمربع و حجم آب موجود در دریاچه حدود ۲.۵ میلیارد مترمکعب برآورد شده است.

وی افزود: تراز فعلی دریاچه نسبت به مدت مشابه سال گذشته حدود یک متر و ۱۰ سانتی‌متر افزایش داشته که نشانه‌ای امیدوارکننده از بهبود نسبی شرایط است؛ با این حال، دریاچه همچنان حدود ۳.۵ متر با تراز اکولوژیک خود فاصله دارد و دستیابی به احیای پایدار آن نیازمند اقدامات مستمر و مدیریت جامع منابع آب حوضه است.

اشرفی‌زاده تاکید کرد: افزایش تراز آب در یک مقطع زمانی به معنای احیای اکولوژیک دریاچه نیست و احیای واقعی زمانی محقق می‌شود که تعادل میان منابع و مصارف آب در حوضه برقرار شده و جریان آب مورد نیاز دریاچه به‌صورت مستمر و پایدار تامین شود.

مدیرکل دفتر حفاظت و احیای تالاب‌ها با اشاره به اهمیت مدیریت روان‌آب‌ها و جریان‌های ورودی به دریاچه گفت: بارندگی‌های اخیر فرصتی ارزشمند برای بهبود وضعیت دریاچه ارومیه و تالاب‌های اقماری آن فراهم کرده است و ضروری است دستگاه‌های مسئول با هماهنگی و اقدام به‌موقع، زمینه ورود حداکثری جریان‌های طبیعی آب به دریاچه را فراهم کنند.

وی افزود: بسته شدن سردهنه‌های برداشت و انحراف آب در دوره‌های مقرر، جلوگیری از برداشت‌های غیرمجاز و بازگشایی مسیر رودخانه‌ها، مسیل‌ها و آبراهه‌های طبیعی ورودی به دریاچه از مهم‌ترین اقدامات فوری در این زمینه است؛ چراکه نباید روان‌آب‌های حاصل از بارندگی به دلیل انسداد مسیرها، برداشت‌های غیرمجاز یا ناهماهنگی دستگاه‌های اجرایی از دسترس دریاچه خارج شوند.

ضرورت بازنگری در شیوه مدیریت منابع آب دریاچه

اشرفی‌زاده با تاکید بر ضرورت پایش مستمر جریان‌های ورودی و رفع موانع انتقال آب، خاطرنشان کرد: مدیریت منابع آب صرفا به مهار و ذخیره‌سازی روان‌آب‌ها محدود نمی‌شود، بلکه باید سهم طبیعت و اکوسیستم‌ها نیز به رسمیت شناخته شود و آب مورد نیاز آنها در زمان مناسب به مقصد برسد.

وی با تاکید بر ضرورت بازنگری در شیوه مدیریت منابع آب حوضه آبریز دریاچه ارومیه اظهار کرد: جلوگیری از احداث سدهای جدید یکی از مصوبات مهم ستاد احیای دریاچه ارومیه است و با توجه به شرایط شکننده دریاچه، باید از احداث هرگونه سد، مخزن جدید و ایجاد مصارف تازه که موجب کاهش جریان‌های ورودی به دریاچه می‌شوند، خودداری شود.

مدیرکل دفتر حفاظت و احیای تالاب‌ها ادامه داد: علاوه بر جلوگیری از احداث سازه‌های جدید، عملکرد سدهای موجود، نحوه بهره‌برداری از آنها و تخصیص منابع آب در حوضه نیز باید مورد بازنگری قرار گیرد. این اقدامات باید با رویکرد مدیریت یکپارچه حوضه آبریز، بررسی اثرات تجمعی سازه‌های آبی و اولویت تامین نیاز آبی محیط زیستی دریاچه ارومیه و تالاب‌های اقماری انجام شود.

اشرفی‌زاده تصریح کرد: تمامی تصمیمات مرتبط با سدها، برداشت‌های آب سطحی و زیرزمینی، توسعه فعالیت‌ها و تخصیص منابع آب باید با لحاظ ظرفیت اکولوژیک حوضه و ضرورت پایداری دریاچه ارومیه مورد ارزیابی قرار گیرد.

کشاورزی پایدار؛ ضرورت احیای دریاچه ارومیه

وی با بیان اینکه بخش کشاورزی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه است، گفت: حرکت به سمت کشاورزی پایدار و سازگار با ظرفیت منابع آب حوضه، یکی از مهم‌ترین الزامات احیای پایدار دریاچه است و اجرای طرح‌های عمرانی و انتقال آب، بدون اصلاح ساختار مصرف و مدیریت تقاضا، به‌تنهایی نمی‌تواند پایداری اکولوژیک دریاچه را تضمین کند.

اشرفی‌زاده افزود: اصلاح الگوی کشت، جلوگیری از توسعه سطح زیرکشت، استفاده از روش‌های مناسب آبیاری، کاهش برداشت از منابع آب سطحی و زیرزمینی، ارتقای بهره‌وری واقعی آب و توسعه کشت محصولات متناسب با اقلیم و محدودیت منابع آبی باید از محورهای اصلی برنامه‌های اجرایی باشد.

وی تاکید کرد: کشاورزی پایدار به معنای حذف کشاورزی یا نادیده گرفتن معیشت کشاورزان نیست، بلکه به معنای ایجاد تعادل میان تولید اقتصادی، امنیت معیشتی جوامع محلی و ظرفیت واقعی منابع آب و خاک حوضه است.

مدیرکل دفتر حفاظت و احیای تالاب‌ها خاطرنشان کرد: افزایش راندمان آبیاری زمانی به احیای دریاچه کمک می‌کند که به کاهش واقعی مصرف و برداشت آب در سطح حوضه منجر شود؛ بنابراین منابع آب صرفه‌جویی‌شده نباید مجددا صرف توسعه سطح زیرکشت یا ایجاد مصارف جدید شود، بلکه باید سهم مشخصی از آن به تامین نیاز محیط زیستی دریاچه و تالاب‌های اقماری اختصاص یابد.

کاهش زایمان طبیعی در بیمارستان‌های تامین اجتماعی



آمارهای رسمی سازمان تامین اجتماعی، از روند کاهشی زایمان طبیعی در مراکز ملکی این سازمان حکایت دارد.

بر اساس آمار و ارقام اعلامی سازمان تامین اجتماعی، در نیمه نخست سال ۱۴۰۵، تعداد زایمان‌های طبیعی در مقایسه با ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۴، روند کاهشی داشته است.

طبق جدول سازمان تامین اجتماعی، تعداد زایمان‌های طبیعی در مراکز ملکی تامین اجتماعی در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۵، ۲۵ هزار و ۳۵۰ مورد بوده است. در حالی که در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۴، عدد ۲۶ هزار و ۶۲۷ مورد زایمان طبیعی ثبت شده است. یعنی با کاهش ۴.۸ درصدی مواجه بوده‌ایم که البته این وضعیت به روند کلی موالید در کشور باز می‌گردد که کاهشی شده است.

در عین حال، آمار سزارین در مراکز ملکی تامین اجتماعی در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۵ نسبت به مدت زمان مشابه در سال گذشته، بیشتر شده است.

روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
آگاه
روزنامه ۶۹۸

آگاه/ روزنامه گروه رسانه‌ای مهر
مدیرمسئول: محمدمهدی رحمتی
سردبیر: امیر اسماعیلی
مدیر داخلی: عماد خورشیدطلب
دبیران گروه‌ها: هادی رضایی سیاست
سید مرتضی مفیدنژاد پرونده‌های ویژه
مجتبی مشهدی محمد فرهنگ

خیابان رازی، خیابان هاشمی فر، ساختمان ابن سینا
۹۲۰۰۴۷۱۶ - ۰۲۱ کد پستی: ۱۱۳۳۸۳۵۵۱۳
www.Agaah.ir m@agaah.ir agaah_ir

سه‌شنبه

۳ آذر ماه ۱۴۰۵
۱۴جمادی‌الثانی۱۴۴۸ | ۲۴ نوامبر ۲۰۲۶

اذان صبح	۰۵:۲۰
اذان ظهر	۱۱:۵۱
اذان مغرب	۱۷:۱۳
نیمه‌شب‌شرعی	۲۳:۰۷

معجزه یک قاشق عسل ناشتا

مصرف عسل طبیعی در ابتدای صبح می‌تواند راهی خوش طعم برای دریافت انرژی و بهره‌مندی از ترکیبات آنتی‌اکسیدانی باشد. اما برخلاف برخی ادعاها، شواهد علمی کافی وجود ندارد که نشان دهد عسل ناشتا به‌تنهایی باعث چربی‌سوزی، سم‌زدایی کبد یا پیشگیری از عفونت‌ها می‌شود.
عسل طبیعی از دیرباز به عنوان یکی از کامل‌ترین و ارزشمندترین مواد غذایی در طب سنتی و پزشکی مدرن شناخته شده است. مصرف این ماده مغذی، به‌ویژه در ساعات اولیه صبح و به‌صورت ناشتا، تأثیرات چشمگیری بر بهبود عملکرد اندام‌های مختلف بدن، افزایش سطح انرژی و تقویت سیستم ایمنی دارد.

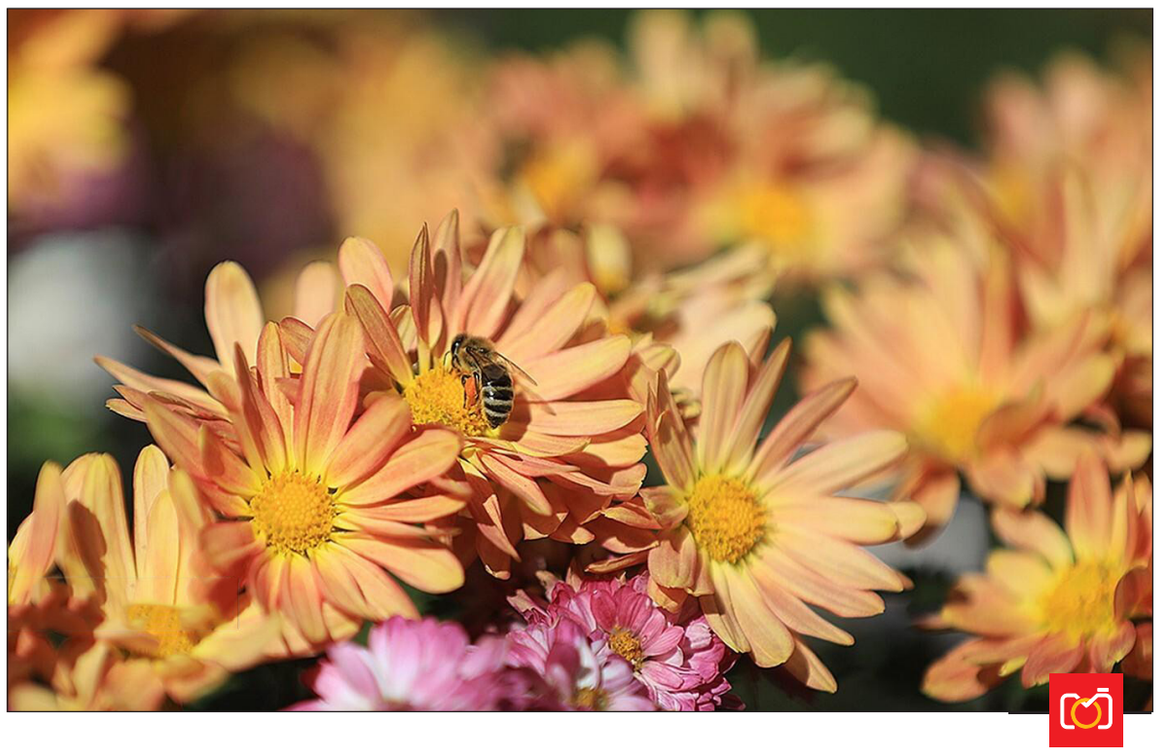
مهم‌ترین فواید مصرف ناشتای عسل:

۱.پاکسازی دستگاه گوارش و بهبود هضم: مصرف یک قاشق عسل طبیعی مخلوط با آب ولرم به‌صورت ناشتا، به پاکسازی روده‌ها کمک کرده و از بروز یبوست و نفخ جلوگیری می‌کند. این ترکیب حرکات روده را تنظیم کرده و اسید معده را در حد تعادل نگه می‌دارد.
۲ ـ تقویت سیستم ایمنی بدن: عسل دارای خواص ضدباکتریایی، ضدویروسی و ضدالتهابی قدرتمندی است. مصرف منظم آن در صبحگاه به بدن کمک می‌کند تا در برابر عفونت‌ها، سرماخوردگی و بیماری‌های فصلی مقاومت بیشتری داشته باشد.
۳.تامین انرژی پایدار برای شروع روز: برخلاف قندهای مصنوعی که باعث افت ناگهانی قند خون می‌شوند، قندهای طبیعی موجود در عسل (گلوکز و فروکتوز) به‌آرامی جذب بدن شده و انرژی پایداری را برای شروع فعالیت‌های روزانه فراهم می‌کنند.
۴.کمک به کنترل وزن و بهبود سوخت‌وساز: عسل طبیعی برخلاف تصور عموم، به دلیل داشتن آنزیم‌های فعال، متابولیسم (سوخت‌وساز) بدن را تحریک کرده و به سوزاندن چربی‌ها کمک می‌کند. مصرف آن در صبحگاه می‌تواند احساس سیری طولانی‌تری ایجاد کرده و میل به مصرف شیرینی‌جات را در طول روز کاهش دهد.
۵.سلامت پوست و سم‌زدایی کبد: آنتی‌اکسیدان‌های فراوان موجود در عسل به دفع سموم از بدن و پاکسازی کبد کمک می‌کنند. این فرآیند سم‌زدایی به‌مرور زمان موجب شفافیت و شادابی پوست صورت خواهد شد.

بهترین روش مصرف

برای بهره‌مندی از حداکثر خواص عسل، توصیه می‌شود یک قاشق غذاخوری عسل طبیعی را در یک لیوان آب ولرم (نه داغ، زیرا آب داغ آنزیم‌های مفید عسل را از بین می‌برد) حل کرده و چند قطره آب‌لیمو ترش تازه به آن اضافه کنید و صبح‌ها پیش از صرف صبحانه بنوشید.
اگرچه عسل طبیعی خواص بی‌شماری دارد، اما افراد مبتلا به دیابت یا کسانی که محدودیت‌های پزشکی خاصی دارند، باید مصرف آن را زیر نظر پزشک و در حد تعادل در برنامه غذایی خود بگنجانند. همچنین مصرف عسل برای کودکان زیر یک سال به‌هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود.





دهمین جشنواره گل‌های داوودی در باغ گیاه‌شناسی تهران
دهمین جشنواره گل‌های داوودی در باغ گیاه‌شناسی تهران در حال برگزاری است. نمایش گونه‌های مختلف گل داوودی، فرصتی برای علاقه‌مندان به طبیعت و گل‌وگیاه فراهم کرده است تا در فضایی سرسبز، از زیبایی رنگ‌های پاییزلذت ببرند. این جشنواره تا ۳۰ آذر برای بازدیدکنندگان دایر است.

عکس: الهام رضایی / باشگاه خبرنگاران جوان

سبک زندگی

یک کلیک تا هک شدن

پنج اقدام فوری بعد از بازکردن لینک مشکوک

فقط یک کلیک کافی است تا اطلاعات شخصی و بانکی شما در معرض خطر قرار بگیرد؛ اما بازکردن هر لینک ناشناسی به معنی هک شدن گوشی نیست. اگر روی لینک مشکوک کلیک کرده‌اید، مهم است بدانید چه اطلاعاتی وارد کرده‌اید و آیا برنامه‌ای نصب شده است.
کلاهبرداران اینترنتی گاهی پیام‌هایی می‌فرستند که شبیه اطلاعیه بانک، شرکت پستی، یک دوست یا حتی پیام پشتیبانی یک برنامه است. هدف این پیام‌ها می‌تواند گرفتن رمزعبور، اطلاعات بانکی، نصب نرم‌افزار مخرب یا دسترسی غیرمجاز به حساب باشد. این شیوه که در آن فرد با یک پیام یا صفحه جعلی فریب داده می‌شود، به‌طور معمول «فیشینگ» نام دارد.
برای مثال ممکن است مادر خانواده پیامی دریافت کند که نوشته است «مرسوله شما در انتظار پرداخت هزینه ارسال است. برای تکمیل فرآیند روی لینک زیر بزنید» یا نوجوان خانواده پیامی ببیند که از او می‌خواهد برای دریافت یک جایزه، وارد حساب کاربری‌اش شود. ظاهر آشنا و لحن رسمی این پیام‌ها نباید باعث اعتماد فوری شود. نکته مهم این است که هر کلیک به معنی از دست رفتن حساب نیست. خطر به کاری که بعد از کلیک انجام شده بستگی دارد. اگر فقط صفحه‌ای باز شده و اطلاعاتی وارد نشده است، ممکن است هیچ اتفاقی نیفتاده باشد. با این حال بهتر است صفحه بسته شود و دستگاه و حساب بررسی شوند. اگر رمزعبور، کد تایید یا اطلاعات کارت بانکی وارد شده باشد، موضوع جدی‌تر است و باید بلافاصله اقدامات لازم را انجام داد.

صفحه مشکوک را ببندید و دوباره روی لینک نزنید

اولین اقدام پس از کلیک، بستن صفحه است. اگر پیامی از شما می‌خواهد برای ادامه کار دوباره روی لینک بزنید، برنامه‌ای نصب کنید یا اطلاعاتی را وارد کنید، این کار را انجام ندهید. پیام را حذف کنید یا به عنوان هرزنامه گزارش دهید.
اگر صفحه‌ای باز شده که از شما می‌خواهد رمزعبور یا اطلاعات کارت را وارد کنید، به جای ادامه دادن از همان لینک، برنامه رسمی یا آدرس شناخته شده سرویس موردنظر را به صورت دستی باز کنید. برای نمونه اگر پیام ادعا می‌کند از طرف بانک است، وضعیت حساب را از طریق برنامه رسمی بانک یا تماس با شماره‌ای که روی کارت بانکی درج شده است بررسی کنید.

اگر رمزعبور را وارد کردیم، چه کار کنیم؟

اگر رمزعبور یک حساب در صفحه مشکوک وارد شده است، باید در اولین فرصت رمز آن حساب را از طریق سایت یا برنامه رسمی تغییر داد. برای نمونه اگر فردی رمز حساب ایمیل خود را در یک صفحه جعلی وارد کرده است، بهتر است ابتدا از یک دستگاه مطمئن وارد حساب شود و رمز را تغییر دهد. اگر همان رمز در حساب‌های دیگری هم استفاده شده است، رمز آنها نیز باید جداگانه تغییر کند. استفاده از یک رمز مشترک برای ایمیل، شبکه‌های اجتماعی و حساب‌های خرید، خطر بیشتری ایجاد می‌کند، چون دسترسی به یک حساب ممکن است راه را برای ورود به حساب‌های دیگر باز کند.
پس از تغییر رمز، بخش مربوط به دستگاه‌های وارد شده، نشست‌های فعال یا ورودهای اخیر را بررسی کنید. اگر دستگاه ناشناسی دیده می‌شود، آن را از حساب خارج کنید. همچنین اگر امکان تایید دومرحله‌ای وجود دارد، آن را فعال کنید. این قابلیت باعث می‌شود برای ورود، علاوه بر رمزعبور، یک مرحله تایید دیگر هم لازم باشد.

اگر اطلاعات بانکی را وارد کردیم

در صورتی که شماره کارت، رمز پویا، رمزعبور بانکی یا اطلاعات مشابه در یک صفحه جعلی وارد شده است، نباید منتظر بمانیم تا تراکنش مشکوکی انجام شود. با بانک از طریق شماره رسمی تماس بگیرید و موضوع را توضیح دهید. اگر اطلاعاتی از کارت در اختیار فرد ناشناس قرار گرفته است، درباره مسدود کردن کارت و اقدامات لازم از بانک راهنمایی بگیرید.
اگر تراکنش ناشناسی در حساب مشاهده می‌شود، زمان، مبلغ و مشخصات آن را یادداشت کنید و پیامک بانکی یا رسید را نگه دارید. از ارسال اطلاعات بانکی به افراد ناشناس که در پیام‌رسان‌ها خود را پشتیبان بانک معرفی می‌کنند، خودداری کنید. در صورت نیاز به بررسی تراکنش، فقط از مسیر رسمی بانک اقدام کنید.

اگر برنامه‌ای نصب شده یا گوشی رفتار عجیبی دارد

گاهی پیام مشکوک از کاربر می‌خواهد یک برنامه نصب کند. در این حالت اگر نصب انجام شده است، بهتر است برنامه ناشناس را بررسی و در صورت مشکوک بودن حذف کنید. اگر برنامه اجازه دسترسی به پیامک‌ها، مخاطبان، دوربین یا سایر بخش‌های گوشی را درخواست کرده است، مجوزهای آن را نیز بررسی کنید. برخی برنامه‌های مخرب ممکن است برای سرقت اطلاعات یا دسترسی غیرمجاز به دستگاه استفاده شوند. بنابراین اگر بعد از نصب یک برنامه ناشناس، گوشی رفتار غیرعادی دارد یا پیام‌های ناخواسته ارسال می‌کند، موضوع را جدی بگیرید و از یک کارشناس مطمئن کمک بگیرید.

اگر حساب شبکه اجتماعی ما هک شد

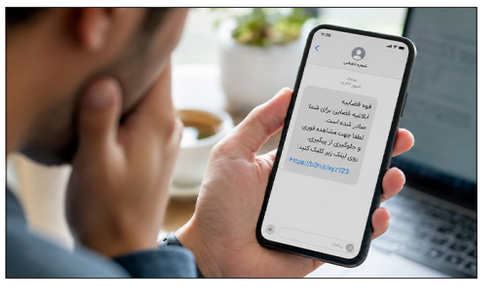
یکی از نشانه‌های احتمالی دسترسی غیرمجاز به حساب، ارسال پیام یا انتشار مطلبی است که صاحب حساب آن را انجام نداده است. برای مثال ممکن است دوستان شما پیامی دریافت کنند که از طرف شما درخواست پول یا ارسال کد تایید دارد. چنین پیام‌هایی را نباید نادیده گرفت؛ زیرا کلاهبرداران ممکن است از حساب‌های در اختیار گرفته‌شده برای فریب افراد دیگر استفاده کنند.
در این شرایط اگر هنوز به حساب دسترسی دارید، رمز را تغییر دهید، ورودهای ناشناس را بررسی کنید و تایید دومرحله‌ای را فعال کنید. سپس به دوستان و اعضای خانواده اطلاع دهید که پیام‌های مشکوک را باز نکنند و اگر درخواست پول یا اطلاعاتی از طرف شما دریافت کردند، ابتدا با تماس مستقیم صحت آن را بررسی کنند.
اگر دیگر نمی‌توانید وارد حساب شوید، از بخش بازیابی حساب در سایت یا برنامه رسمی سرویس استفاده کنید. به افراد ناشناسی که وعده بازگرداندن حساب در ازای پول یا دریافت رمزعبور می‌دهند، اعتماد نکنید. هیچ‌گاه کد تایید بازیابی حساب را در اختیار فرد دیگری قرار ندهید.

گزارش به مراجع قانونی

اگر در جریان این اتفاق پولی از حساب خارج شده، اطلاعات شخصی مورد سوءاستفاده قرار گرفته یا فردی با نام شما از دیگران درخواست وجه کرده است، ثبت گزارش می‌تواند به پیگیری موضوع کمک کند. مدارک مربوط به پیام، شماره فرستنده، لینک، زمان وقوع اتفاق، رسیدهای بانکی و تصاویر صفحه را نگه دارید. بهتر است این مدارک را حذف نکنید یا بدون نیاز برای افراد ناشناس ارسال نکنید.
در کشورمان برای گزارش جرایم سایبری و دریافت راهنمایی، می‌توان از مسیرهای رسمی پلیس فتا استفاده کرد. شماره و شیوه ارتباط را از وب سایت رسمی پلیس فتا بررسی کنید. در مواردی که ضرر مالی رخ داده است، تماس با بانک و پیگیری فوری تراکنش نیز اهمیت دارد.
اگر پیام مشکوک به نام یک شرکت یا بانک ارسال شده است، می‌توان موضوع را از طریق همان مجموعه نیز گزارش کرد. این کار به آنها کمک می‌کند از انتشار بیشتر پیام جعلی جلوگیری کنند. در گزارش فقط اطلاعات ضروری را بنویسید و از انتشار عمومی اطلاعات شخصی یا بانکی خودداری کنید.

چگونه خانواده را برای چنین اتفاقی آماده کنیم؟

بهترین راه مقابله با لینک‌های مشکوک، آموزش ساده و تمرین چند عادت مشترک در خانه است. لازم نیست اعضای خانواده متخصص رایانه باشند. کافی است همه بدانند هر پیام فوری و اضطراری، قابل اعتماد نیست و پیش از کلیک باید فرستنده و درخواست آن بررسی شود. والدین می‌توانند با فرزندان خود قرار بگذارند که اگر پیام مشکوکی دریافت کردند، ابتدا آن را به یکی از بزرگ‌ترهای مورد اعتماد نشان دهند. در عین حال باید به نوجوانان آموزش داد که رمز عبور و کدهای تایید را حتی با دوستان خود به اشتراک نگذارند. برای اعضای سالمند خانواده نیز بهتر است یک روش ساده برای بررسی پیام‌های بانکی، پستی و خدماتی تعیین شود. مثلا هر پیام درباره پرداخت وجه یا مسدود شدن حساب، فقط از طریق شماره رسمی بانک یا برنامه شناخته شده بررسی شود.



آب و هوا

تداوم بارش باران در نقاط مختلف کشور تا پنج‌شنبه

کاهش دما از چهارشنبه



رئیس مرکز ملی پیش‌بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا با اشاره به بارش باران در نقاط مختلف کشور تا پنج‌شنبه (پنجم آذر) گفت: با نفوذ جریانات شمالی به سواحل دریای خزر از چهارشنبه (چهارم آذر) بارش باران و کاهش نسبی دما در این مناطق پیش‌بینی می‌شود.
صادق ضیاییان با اشاره به پیش بینی کلی بر اساس نقشه‌های همدیدی و آینده نگری اظهار کرد: بر اساس تحلیل آخرین نقشه های پیش یابی هواشناسی، امروز سه شنبه (سوم آذر) در ارتفاعات آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی افزایش ابر و رگبار پراکنده رخ می دهد و در سایر مناطق کشور جوی آرام و پایدار همراه با افزایش نسبی دما مستقر می شود. طی این روز در اردبیل و گیلان وزش باد جنوبی و افزایش دما قابل توجه است.
به گفته رئیس مرکز ملی پیش بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا چهارشنبه (چهارم آذر) با نفوذ جریانات شمالی به سواحل دریای خزر، در استان‌های اردبیل، گیلان، مازندران و گلستان همچنین در شمال آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی افزایش ابر، رگبار و رعدوبرق، وزش باد همراه با کاهش نسبی دما پیش بینی می‌شود. در شمال غرب و دامنه‌های جنوبی البرز، وزش باد همراه با کاهش نسبی دما پدیده حاکم است.
ضیاییان اظهارکرد: پنج‌شنبه (پنج آذر) گستره بارش در شرق اردبیل، سواحل خزر، خراسان شمالی و شمال خراسان رضوی خواهد بود و در شمال شرق و شرق افزایش وزش باد انتظار می‌رود. رئیس مرکز ملی پیش بینی و مدیریت بحران مخاطرات وضع هوا اضافه کرد: جمعه (۶ آذر) در اغلب مناطق کشور آسمانی صاف و جوی آرام خواهیم داشت. به گفته ضیاییان دریای خزر امروز و طی روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه مواج است.

#تجربه_کردم

گاهی پیشامدها...
بی‌وفایی‌ها...
تندی‌ها و هزار جور رخداد دیگه...
آدم‌های گسترده و عمیق رو به «نهایت افسردگی» می‌رسونن.
یکی از بدترین آسیب هایی که از پا درمی‌آرد شون، اینه که احساس کنن «بی‌فایده» شده‌ن.
برای کسی که همیشه «ثمر»ی داشته، بدترین پیشامد اینه که احساس کنه به درد کسی...
جایی...
کاری یا حاصلی نمی‌خوره.
اگه می‌خوای بهشون کمک کنی، کاری کن که ثمری ایجاد کنن.

سیدمحمد سادات‌اخوی / نشر پرنده

خودروی پرنده چینی نقطه عطف جدیدی ثبت کرد

نخستین خودروی پرنده ملخ چرخان مقیاس واقعی چین، آزمایش پرواز انتقال از حالت عمودی به افقی را با موفقیت پشت سر گذاشت.
به نقل از گلوبال تایمز، «آریج» یک شرکت چینی سازنده خودروهای پرنده اعلام کرد وسیله نقلیه برقی A868 آن آزمایش پرواز با انتقال حالت از عمودی به افقی (Tilt-transition) را تکمیل کرده و به نخستین شرکت چینی تبدیل شده که این مانور را با یک خودروی پرنده در مقیاس واقعی انجام می‌دهد.
پرواز با انتقال حالت از عمودی به افقی برخلاف بلند شدن‌های ساده هواپیماها، به هواگرد امکان می‌دهد طی یک فرآیند پیوسته و کاملا کنترل‌شده، از حالت برخاست عمودی به پرواز افقی با سرعت بالا تغییر وضعیت دهد، به گونه‌ای که بال‌های آن نیروی لازم برای ماندن در هوا را تامین کنند و ملخ‌هایی که پیشتر وظیفه بلند کردن هواگرد را بر عهده داشتند، به پیشرانه‌هایی تبدیل شوند که آن را به جلو می‌رانند.
این خودروی پرنده نخستین بار در نوامبر ۲۰۲۵ میلادی پرواز کرد. اکنون که ۱۲ ماه از آن تاریخ گذشته برنامه توسعه آن از مرحله تایید توانایی برخاست به مرحله دستیابی به قابلیت کامل تغییر وضعیت پرواز از حالت عمودی به افقی رسیده است.
در حوزه خودروهای برقی عمود پرواز پیکربندی «ملخ چرخان» (Tiltrotor) یکی از گزینه‌های فناورانه مناسب برای سفرهای میان‌برد و دوربرد به شمار می‌رود زیرا انعطاف‌پذیری برخاست و فرود عمودی را با راندمان بالای پرواز کروز هواپیماهای بال‌ثابت ترکیب می‌کند.



پاپ‌کورن در پیشگیری از سرطان موثر است

وقتی به دنبال یک میان‌وعده برای آخر شب هستید، خیلی راحت ممکن است به سراغ چیپس، بیسکویت یا خوراکی‌های شیرین بروید. اما متخصصان سرطان، پاپ‌کورن را به عنوان یک میان‌وعده مغذی پیشنهاد می‌کنند.
اگر به دنبال گزینه‌ای سیرکننده هستید که به سلامت بلندمدت شما نیز کمک کند، یک انتخاب بسیار ساده که ارزش امتحان کردن را دارد پاپ‌کورن (ذرت بوداده) است که بدون روغن اضافی (با هوای داغ) تهیه شده باشد. متخصصان سرطان معتقدند این خوراکی می‌تواند به دریافت بیشتر غلات کامل و فیبر کمک کند؛ دو ترکیبی که با کاهش خطر ابتلا به برخی انواع سرطان مرتبط هستند.
اگرچه هیچ ماده غذایی خاصی به تنهایی نمی‌تواند از سرطان پیشگیری کند، اما تحقیقات نشان می‌دهند که مصرف منظم غلات کامل و غذاهای سرشار از فیبر ممکن است به کاهش خطر ابتلا به سرطان روده بزرگ (کولورکتال) کمک کند.
به همین دلیل است که کارشناسان توصیه می‌کنند یک کاسه کوچک پاپ‌کورن تهیه شده با هوای داغ را میل کنید که با کمی سبزیجات معطر یا مقداراندکی روغن زیتون طعم‌دارشده باشد.
شاید وقتی به فکر پیشگیری از سرطان می‌افتید، پاپ‌کورن اولین چیزی نباشد که به ذهن‌تان می‌رسد؛ اما به دلیل دارا بودن غلات کامل و فیبر، افزودنی ارزشمندی برای برنامه میان‌وعده‌های شماست.



محصولات ارزان‌تر اپل اوایل ۲۰۲۷ رونمایی می‌شوند

اپل مشغول تدارک برای رونمایی از چند محصول در اوایل ۲۰۲۷ میلادی است به طوری که دستگاه‌هایی با قیمت اقتصادی‌تر طی بازه فوریه و مارس ارائه می‌شوند.
اپل تصمیم دارد طی چرخه عرضه iOS27.4 که بین فوریه و مارس رخ می‌دهد یک آی‌پد ارزان قیمت، آیفون ۱۸ای و مک بوک نئو را معرفی کند. آیفون ۱۸ استاندارد و نسخه به روزرسانی شده مک بوک ایر نیز احتمالا در همین بازه رونمایی می‌شوند.
علاوه بر این موارد اپل در حال تدارک آی پد ایر او ال ای دی، نسخه به روزرسانی شده آی‌پد پرو و آیفون ایر ۲ در نیمه نخست ۲۰۲۷ میلادی است. تولید این مدل‌های پیشرفته‌تر آی‌پد و آیفون میان‌رده، در برنامه زمان‌بندی تولید اپل اندکی دیرتر از محصولات رده‌پایین‌تر این شرکت قرار دارند.
با توجه به آنکه انتظار می‌رود چند محصول در نیمه نخست سال جاری میلادی رونمایی شوند، اما احتمالا اپل رونمایی آنها را در چند رویداد انجام می‌دهد. این شرکت روش مشابهی را در پاییز ۲۰۲۶ میلادی نیز اجرا کرده و رونمایی آیفون، محصولات خانه هوشمند و رایانه مک را به طور جداگانه انجام داد.
این امر نشان دهنده ترجیح جان ترنوس، مدیرعامل جدید اپل برای توزیع برنامه‌های رونمایی محصولات شرکت در بازه‌های مختلف در سراسر سال است. اپل تصمیم دارد در ۲۰۲۷ میلادی اپل واچ، آیفون ۲۰، عینک هوشمند، ایرپاد با دوربین را رونمایی کند. در سال آینده میلادی جزئیات بیشتری درباره رونمایی محصولات اپل و جدول زمانی آن منتشر خواهد شد.